

فهرست مطالب

۲	سر مقاله/ میلاد مسعود سرور کاینات ﷺ نقطه ... اداره مجله
۳	پیام وزیر ارشاد، حج و اوقاف به مناسبت گرامیداشت از میلاد النبی ﷺ
۴-۶	چهارگام ضروری برای اجرای تغییر / قسمت ۱۵ ناصرالدین دریز
۷-۹	په ټولنه کې د قانون ارزښت مولوی عبدالملک حمیدی
۱۰-۱۳	فساد اداری از دیدگاه اسلام / قسمت اول استاد غلام الدین کلانتری
۱۴-۱۸	آه جگر سوز از فراق پیامبر نازنین / قسمت اول معاون سرمحقق عبدالولی بصیرت
۱۹-۲۱	آب مایه حیات است استاد محمد شریف رباطی
۲۲-۲۵	زنان و اعمال صالحه / قسمت ۱۲ مولوی عبدالعظیم جهیر
۲۶-۲۹	سگرت و مضرات آن / قسمت اول مولوی عنایت الله شریفی
۳۰-۳۳	خانه ما زیباست مولوی محمد اسلم
۳۴-۳۶	اداری فساد او دحل لاري چاری مولوی فرید الله ازهری
۳۷-۴۰	حرمت تجاوز به حق دیگری دوکتور نورالله کوثر
۴۱-۴۳	آزادی و مسئولیت زنان ... زین العابدین کوشان
۴۴-۴۷	آداب و روشی که ما باید درپیش ... استاد نصیر احمد هدایت
۴۸-۵۱	رشد اخلاقی ومعنوی انسان / قسمت اول سیدمسلم شاه اسدی
۵۲-۶۰	کارکردها و گزارش ها خبرنگار مجله / توکل بخشی

قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ
قُلْ اللَّهُ يَهْدِي لِلْحَقِّ أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ
أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمَّنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدَىٰ



دیني، علمي، ادبي، تحقيقي او اجتماعي
مياشتنۍ خپرونه
دامتياز خاوند: دارشاد، حج او اوقافو
وزارت
د تاسيس نېټه: ۱۳۳۱ لمريز کال

مدیر مسؤول

مولوی عنایت الله شریفی

سکرتر مسؤول

سید مسلم شاه اسدی

هیأت تحریر

ناصرالدین دریز
استاد غلام الدین کلانتری
استاد محمد شریف رباطی
استاد نور الله صافی
مولوی عبدالملک حمیدی



دور دوم، سال شانزدهم، شماره نهم
ماه قوس ۱۳۹۷ هجری شمسی
ربیع الاول - ربیع الثاني
۱۴۴۰ هجری قمری



میلاد مسعود سرور کائنات ﷺ نقطه عطفی بر وحدت مسلمین



جامعه مطلوب پیامبر اکرم ﷺ نظامی است که تمامی اعضای آن بر محور دیانت توحیدی، پیوند برادری با یکدیگر تشکل دارند و مکلف هستند آن را استوارنگه دارند تا خداوند عزیز و حکیم نیز زمینه‌های الفت و وحدت دلها را (به قدرت خود) پایدار سازد و به این سان پایه‌های تفاهم اجتماعی جامعه اسلامی محکم گردد: ﴿وَإِنْ يُرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي أَيْدَكَ بِبَصِيرَةٍ وَالْمُؤْمِنِينَ ۝ وَالْفِتْنَةُ أَفْضَلُ لِقَائِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلْفَتْ بِكَ قُلُوبَهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ۝ بَنَاءً سَرَّاسِرٍ وَقَابِغَةً تَارِيخِ اسْلَامِ گویای شواهدی است که نقش پیامبر اکرم ﷺ را در جلوگیری از افتراق صفوف مسلمین و متقابلاً بهره‌بری ابزار وحدت اسلامی نشان می‌دهد و این دستور آشکار قرآن کریم بود که: ﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا...﴾ تلاش پیامبر اکرم ﷺ در ایجاد وحدت به اوج کوشش‌های ممکن می‌رسد، چون آرمان وحدت را از رسالت‌های الهی بعثت خود می‌داند و رنج تفرق مؤمنان بر او گران می‌آید و سخت مهربان و هواخواه آنان است، پس در این راه تمام توان خود را به کار می‌برد که: ﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ﴾ و در متون تاریخی و روایی می‌خوانیم که آنحضرت ﷺ برای تحکیم وحدت و یکپارچگی مردم تفاوتی بین برده و غیربرده نمی‌گذاشت و خود نیز در اجرای احکام، طعم شیرین حق مساوات و عدالت را به دیگران می‌چشانید که حتی در جمع مسلمانان، جایگاه پیامبر خدا ﷺ ناپیدا بود و هر زمانی در مجلس می‌نشست افراد ناشناس به سادگی نمی‌توانستند حضور رسول الله را نزد مردم بیابند. اوج درخشش این مساوات‌طلبی حتی در چشمان مبارک رسول رحمت و عزت نیز نمایان بود البته شکی نیست که همه این آداب الهی در جلب حمایت توده مردم بسیار مؤثر بوده است. حضرتش در یک جمله بی‌بدیل و تاریخی می‌فرماید: «ان الناس من عهد آدم الى يومنا هذا مثل اسنان المشط لا فضل للعربي على العجمي ولا للاحمر على الاسود الا بالقوى» این سیره رسول الله خود، آغازگر این حرکت بزرگ اجتماعی - ارزشی است و پیامبر اکرم از هر رخدادی در جهت القا و تثبیت روح مساوات و عدالت انسانی در جامعه نوپای آن زمان بهره می‌برد. به این ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که نفی قومیت‌گرایی و هر نوع تعصب ناپسند جاهلی، همیشه مدنظر پیامبر گرامی اسلام بوده است و هشدارهای حضرت نیز به کسانی داده می‌شد که حسب، نسب و هر امتیازی مورد دیگر را ملاک افتخارات و ارزشها می‌دانستند، میلاد با برکت حضرت محمد ﷺ همچنان، یادکرد پرداختن به رخدادی بنیادین یعنی وحدت میان مسلمانان جهان است. وحدت دینی میان مذاهب اسلامی بخصوص دو (برادر دینی حنفی و جعفری)، ضرورتی است گریزناپذیر که سالیاد ولادت باسعادت پیامبر اکرم ﷺ الهام بخش آن است. این به آن روست که وجود پیامبر بزرگ اسلام و شخصیت والای آن مقتدای عظیم الشان، نقطه اتصال اهداف مومنین در مسیر اندیشه والای توحیدی و اخوت دینی است به خصوص هردو جریان مذهبی با هم برادر که بقا و اهمیت خود را در او می‌یابند و پهنای سینه او را جایگاهی آرام برای کاستن از تلاطم موج فتنه‌ها در این زمان دانسته زیرا پیمانه جان هر مسلمان واقعی لبریز است از اخلاص و محبت به پیامبر اکرم ﷺ و البته این مهر دوجانبه است؛ چه؛ قلب مطهر پیامبر اکرم ﷺ نیز از عشق امت و دلدادگی به ایشان همواره لبریز بوده است. که این‌گونه اتصال محبت را بین رهبر و امت را در هیچ آیینی نمی‌توان سراغ داشت؟ همین محبت و ارادت به پیامبر اکرم ﷺ در میان تمام فرقه‌ها و دسته‌های اسلامی نقطه‌ای است بس ارجمند و گرانبس که می‌باید بر آن تأکید داشت و با تکیه بر آن، پرچم اخوت را برافراشت. زیرا آنحضرت ﷺ از روز نخست، پیام‌آور وحدت و یکپارچگی بین جامعه انسانی بوده است، چه آن‌روز که در آغاز هجرت به مدینه، دشمنی دیرینه بین اوس و خزرج را به برادری و همدلی کامل مبدل ساخت، چه آن هنگام که در واپسین لحظات عمر شریف خود با پافشاری بر یکپارچگی امت چشم از جهان فرو بست و چه با ودیعت نهادن (کتاب الله و سنت آنحضرت ﷺ) برای مقابله با پراکندگی، چاره اندیشید. بناء (وحدت خواهی قرآن کریم این یگانه معجزه جاوید پیامبر ﷺ و هشدار نسبت به عواقب پراکندگی برای هر مسلمان، بهترین رهنمود است. و قرآن کریم سه اثر زیانبار را برای پراکندگی یاد کرده است) ۱- ضعف قدرت اخلاقی مردم، فروپاشی درونی و هدر رفتن توانایی‌های انسانی ۲. کاستی هیمنه و حشمت در برابر دشمنان دین ۳. فراهم آمدن زمینه سیطره مکاتب طاغوتی و پیروانش بر دین باوران.

از تأکید قرآن کریم بر وحدت مسلمین و هشدار نسبت به پراکندگی می‌توان دریافت که مسلمانان از کدام سو آسیب جدی خواهند دید و در دامن چه خطری خواهند غلطید.

پیام وزیر ارشاد، حج و اوقاف

خجسته میلاد مسعود منجی عالم بشریت حضرت محمد مصطفی ﷺ

الحمد لله ارسل رسوله بالهدى ودين الحق ليظهره على الدين كله فجعله شاهداً و مبشراً ونذيراً و داعياً الى الله ياذنه وسراجاً منيراً وجعل فيه اسوة حسنة لمن كان يرجو الله واليوم الآخر وذكر الله كثيراً.

اللهم صل وسلم وبارك عليه وعلى آله وصحبه ومن تبعهم باحسان إلى يوم الدين.

اما بعد!

فأعوذ بالله من الشيطان الرجيم

بسم الله الرحمن الرحيم

الأحزاب: ٢١

﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾

استاید محترم، علمای کرام، دانشمندان فرهیخته، حاضرین گرامی در محفل اعم از خواهران و برادران السلام علیکم و رحمت الله و بركاته!

امروز از زاد روز فرخنده و باسعادت پیامبری تجلیل و بزرگداشت بعمل می آوریم که تولدش، در حقیقت مهمترین مایه ی تحکیم صلح و وحدت و هسته مقاوم در برابر ظلم و استبداد دانسته می شود.

رسالت حضرت محمد ﷺ بزرگترین عامل تحول مثبت و همه جانبه ی تاریخی در سطح جهان بوده که باجان فشانی های همواره ی شاگردان مکتب نبوت یعنی اصحاب کرام به اوج موفقیت رسیده و پیام تولد و رسالت وی را که همانا (آشتی، برادری، برابری، امنیت، تقدیم و تصحیح باورهای درست انسانی....) می باشد به تمام نقاط عالم رسانیدند. بدون تردید با مطالعه ی دقیق و همه جانبه برنامه ی درخشان عصر نبوی هویدا خواهد شد که برنامه های کاری حضرت محمد ﷺ بر تعالیم و هدایت الهی در این جهان استوار بوده و در امر استحکام بافت حیات اجتماعی در سایه عدالت، صلح و استبداد ستیزی، نه گفتن به تمام تعصبات قومی و سمتی پایه های الگو گونه نظام حکومت و دولت داری را گذاشت. قسمیکه خداوند ﷻ می فرماید: ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾ بنابر این روش پیامبر ﷺ اساسی ترین الگوی سازندگی و آرامش حیاتی در عرصه تربیت، رشد و انکشاف جامعه ی یک پارچه و متحد، متوازن، بیدارگری و احیای فرهنگ و هویت اصیل انسانی خواهد بود.

در کنار این مهمترین فکتورهای رهبری و مدیریت سالم را برای جامعه سالم میتوان در نحوه رفتار، کردار زعامت چند ساله شان مطالعه نمود که وی کسی را به قتل نمی رسانید، به دیگران بد رفتاری نمی کرد، مال کسی را غصب نمی نمود، بلکه مظلومان را از ظلم نجات میداد، ضعیفان را نصرت می بخشید، از اموال خویش به محتاجان صدقه می نمود، و خوشبر خور بود. قسمیکه خداوند ﷻ میفرماید: ﴿فَمَا رَحِمَ مِنَ اللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَأَقْبَضَوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ﴾ آل عمران: ۱۵۹

ترجمه: از پرتو رحمت الهی است که تو با آنان (که سر از خط فرمان کشیده بودند) نرمش نمودی. و اگر درشتخوی و سنگ دل بودی از پیرامون تو پراکنده می شدند. پس از آنان در گذر و برایشان طلب آمرزش نما و در کارها با آنان مشورت و رایزنی کن. و هنگامی که (پس از شور و تبادل آراء) تصمیم به انجام کاری گرفتی (قاطعانه دست به کار شو و) بر خدا توکل کن؛ چرا که خدا توکل کنندگان را دوست می دارد.

باتوجه به تمامی آنچه که ذکر گردید میتوان گفت که سیرت پیامبر ﷺ داروی علاج دائمی تمام بیماری های زندگی بشر است و این ندای پیامبر ﷺ در تمام زمانه ها و مکان ها تکرار می شود و جامعه ی بشری در مشکلاتی که به آنها روبرو خواهد شد، چاره ی جز مراجعه به کتاب خدا و سنت پیامبر ﷺ نخواهد داشت و تنها اعتصام و چنگ زدن به این دو منبع زلال شریعت است که مردم را از گمراهی نجات می بخشد و آنها را به راهی که بهتر و با دوامتر است، رهنمود می گردد متحمل می شود، تدویر چنین محافل، غرض آشنائی با سیرت آخرین فرستاده خدا از اهمیت و جایگاه رفیعی برخوردار است.

ما در حالیکه برگزاری چنین محفل بزرگ رایک اقدام نیک و قابل ارج گذاری میدانیم به مسئولین و دست اندرکاران این مجلس بزرگ از بارگاه خداوند منان موفقیت های مزید در راستای پخش و نشر فرهنگ و علوم اسلامی آرزومی نماییم.

و من الله التوفيق

استاد فیض محمد عثمانی

وزیر ارشاد، حج و اوقاف، ج، ا، ۱



چهارگام ضروری

برای اجرای تغییر

قسمت پانزدهم

ناصرالدین دریز

به سلسله مباحث قبلی در این مقاله دو پیشنهاد دیگر (چهارگام ضروری برای اجرای تغییر، و گام های ده گانه برای ایجاد تغییر) در قالب مباحث فشرده پیشکش می گردند که هر کدام این طرح ها در شرایط مختلف می توانند نسبت به همدیگر جنبه اجرایی بهتر داشته باشند.

در طرح آتی چهارگام ضروری برای اجرای تغییر مؤفقانه ارائه می شود که با تطبیق مرحله به مرحله هر دور، یک بسته تکمیل می گردد. طوری که با تکمیل مرحله چهارم، دور نخست برنامه، اجرایی میگردد. سپس برای اجرایی ساختن دوره های بعدی، این سایکل به صورت پیهم، تکرار شده تا آنچه را که برای آوردن یک برنامه اصلاحی مؤفقانه انتظار داریم، برآورده گردد.

باید گفت که پس از ارزیابی مرحله چهارم ممکن است که گاهی اوقات نظر به شرایط و خواست های جدید برخی موارد در برنامه زیاد و یا کم گردند؛ ولی چرخه تغییر دایم در سازمان های مدرن ادامه پیدا می کند.

۱. حمایت از تغییر: در قدم اول باید مدیریت ارشد سازمان، حمایت قاطع و قوی خویش را از برنامه تغییر به صراحت اعلام نماید تا از نظر روانی کارکنان باورمند گردند که تغییر سازمانی،

پیشستیانی نیرومند مدیران سازمان را با خود داشته و غیر از آن، راه گریز دیگری وجود ندارد.

۲. برنامه ریزی برای پذیرش: همان گونه که برای آمادگی جنگ، داشتن سلاح مناسب، افراد توانمند، آموزش های لازم، معلومات کافی از چگونگی وضعیت نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، تعلیمی، روانی و... طرف مقابل در یک زمان و مکان مشخص از شروط اساسی پیروزی نبرد است و بدون برنامه ریزی قبلی نمی توان به جنگ رفت.

برای تغییر نیز، باید مدیریت ارشد سازمان، برنامه ریزی مدون و سیستماتیک را مطابق خواست مشتریان و نظریه شرایط زمانی و مکانی ترتیب دهد تا بدین گونه بتواند ذهنیت کارکنان را برای پذیرش برنامه های تغییر مساعد ساخته و قناعت آنان را حاصل نماید.

۳. درگیر کردن کارکنان: برای درگیر کردن کارکنان در امور تولیدی و سازمانی می توان از تیوری ایجاد انگیزش بهره برد. افزون بر آن مدیریت مشارکتی نیز می تواند که در راستای درگیر کردن کارکنان در برنامه های تغییر، ممد واقع گردد.

۴. ارزیابی آمادگی: ایجاب می نماید تا پس از طی مراحل نامبرده، بار دیگر آمادگی های اتخاذ شده مورد ارزیابی

مجدد مدیران تغییر قرار گیرند تا در صورت ضرورت و نظر به وضعیت جدید، مواردی در آن تزئید و یا تقلیل یابد و پروسه تطبیق اصلاحات با موفقیت انجام پذیرد.

گام های ده گانه برای ایجاد تغییر

جهت اثربخشی و بروز سازی سازمان، کارشناسان علوم مدیریتی برداشتن ده گام اساسی را برای چرخه عمر یک دور برنامه تغییر ارایه می دهند. این سبک، مانند سایر مودل های تغییر، فرایند خطی نیست که در جریان تطبیق برنامه، تکرار نگردند. اما همه گام ها با همدیگر پیوند نزدیک داشته، گاهی به طور دورانی و گاهی همزمان اجرا می شوند.

امان باید فراموش کرد که رعایت دو اصل اساسی مدیریتی (تداوم و تغییر) در مسیر تطبیق تمام برنامه های تغییر از پیش شرط های حتمی آن به حساب می آید. گرچه در ظاهر قضیه یکی متضاد دیگری است، ولی در واقع یکی مکمل دیگری بوده و مانند دو روی یک سکه، نمی توانند جدا از هم باشند. در این مودل نیز گاه ناگاه از اصل "تداوم و تغییر" استفاده بهینه صورت می گیرد.

گام اول: شناخت

اقدام نخست، مهمترین گام در راستای شناسایی افراد است. زیرا افراد در کانون برنامه های تغییر قرار دارند.



افراد در قلب تغییرات سازمانی جا دارند. به همین دلیل باید شناخت افراد به صورت علمی و اکادمیک صورت گیرد. گرچه شمار کسانی که با برنامه تغییر پیوند مستقیم و یا غیرمستقیم دارند، به گروه های مختلف دسته بندی می گردند؛ اما به صورت کل، تمام آنها در دوکتگوری جداگانه تقسیم بندی می شوند:

۱. **کارمندان:** پیش از همه شناخت کارکنان سازمان لازمی است؛ زیرا آنان درصدر برنامه های تغییرجا دارند. از همین رو آنان باید در عمق برنامه های تغییر، مورد توجه ویژه قرار گیرند.

۲. **شرکا:** ایجاب می نماید تا تمام صنف های گوناگون شرکا (مدیران و کارکنان سازمان، حامیان و علاقمندان تغییر، مخاطبان، همکاران داخلی و خارجی و سایر کسانی که با برنامه تغییر پیوند دارند) به مفهوم جامع کلمه شناخته شده و در دسته های خاص ردیف بندی و به صورت دقیق با مشخصات ضروری شناسایی شوند.

گام دوم: شناخت چیست ها و چراها
اقدام بعدی، شناخت منطقی و مسیر کاری برنامه تغییر را تعیین می کند. یعنی چیست ها و چراها را بشناسید، ماهیت و دلایل موضوع را شناسایی و مسیر کلی حرکت تان را مشخص نموده، منطق و اهمیت آن را تعیین کنید.

در اینجا پیوند نزدیک میان دو پرسش بنیادی (علت و معلول) وجود دارد؛ اما در عین حال این دو متفاوت از هم اند. مدیران تغییر باید پاسخ منطقی دو پرسش اساسی آتی را که گام دوم بر آن تاکید می ورزد، پیش از تطبیق برنامه تغییر، روشن سازند:

۱. **چه تغییری:** چه نوع تغییری را شما می خواهید که در سازمان تان به میان آید؟

۲. **چرا تغییر:** چرا شما می خواهید تا سیستم سازمان تان تغییر بخورد؟

گام سوم: شناخت موانع و ضعف ها
موانع، ضعف ها، خطر ها، تهدیدها،

وضع موجود

عوامل پیش برنده تغییر	عوامل باز دارنده تغییر
✓ مؤفقیت سازمان در آینده	✓ منابع لازم
✓ تغییرنیازهای مشتری	✓ مهارتها و توانمندی ها
✓ کاهش سودآوری	✓ فقدان شفافیت
✓ وسایل مسایل مالی	✓ عدم احساس نیاز به تغییر در افراد (تعهد اندک کارکنان)
افزایش رقابت	

چالش ها و عوامل بازدارنده و پیش برنده تغییر را بشناسید. در این مرحله اندک اندک راه های عملی را باید در پیش گیرید. کسانی که درگیر طرح ها و یافتن راهکارهای مناسب برای تغییر اند، شاید کمتر بتوانند موانع و ضعف های فراراه کار شان را به صورت درست تشخیص دهند. به همین خاطر مدیران تغییر باید با دقت بیشتر برای یافتن عناصر متذکره اقدام ورزند.

درک و دریافت درست چالش ها و موانع در برابر برنامه های تغییر، برای مدیریت ارشد سازمان نقش حیاتی دارد. به قول "کرت لوین" یکی از دانشمندان علوم مدیریتی، {پیش از تغییر} باید از خود بپرسید: «آیا عوامل پیش برنده تغییر افزونتر از عوامل بازدارنده است؟»

تحلیل و ارزیابی درست دو نیروی نامبرده، مدیران تغییر را کمک می کند که در برابر چگونگی تقویت و یا تضعیف متغیرهای نامبرده، برنامه ریزی نماید.

گام چهارم: مشخص کردن اهرم ها و نفوذها
فرصت ها، توانمندی ها، امکانات، نفوذها، منابع و نیرویی را که در اختیار دارید، مشخص کنید. این گام ممکن است که نگرانی و دلسردی را با خود داشته باشد و حتی گاهی بر مدیران تغییر چنان فشاری را وارد سازد که تا مرز منصرف شدن از برنامه تغییر، آماده شوند.

اما درعالم واقعیت نباید عقب نشینی کرد، با رویدادهای پیش آمده باید به مقابله برخاست و برای آن چاره جویی کرد. با توجه به اهرمها و نفوذهای باقوه ای که در اختیار دارید، روحیه خلاق را در

خود پدید آورید. برای تحقق بهتر برنامه در این مرحله، می توان از اهرم ها و فشارهای ذیل استفاده نمود:

- ✓ منابع مالی و معنوی.
- ✓ قدرت رسمی و نفوذ مردمی.
- ✓ انگیزنده های تشویقی مادی و غیرمادی.
- ✓ آموزش های وظیفوی و علمی.
- ✓ استخدام مشاوران با تجربه در این عرصه.
- ✓ استفاده از تجارب کشورها و سازمان های دیگر.
- ✓ مدیریت مشارکتی.
- ✓ تقویت ارتباطات سازمانی.
- ✓ دریافت اطلاعات رسمی و غیر رسمی.
- ✓ بهره بری از نفوذ افراد برجسته و تاثیر گزار سازمان.

گام پنجم: آغاز حرکت

حرکت تان را با توجه به موقعیت موجود و اهداف تعیین شده و با در نظر داشت محتوا و شیوه کار تان آغاز کنید. هنگامی که می خواهید نحوه حرکت خویش را مشخص سازید، باید پرسش های آتی را پاسخ دهید:

✓ آیا برای شروع حرکت در مسیر تغییر، سطح هدف هادر سازمان گسترده باشد یا محدود؟

✓ آیا برنامه تغییر را با اطلاع رسانی گسترده آغاز می کنید یا باروی کردی آرام و بی سر و صدا؟

✓ آیا دیدگاه و ماموریت (چیزی را که می خواهید، افراد انجام دهند)، بهتر است که به طور مستقیم به کارکنان برسد، یا ابتدا به طور نا مستقیم بازتاب های آن را گردآوری کرده و سپس موضوع را به آنها انتقال دهید؟

در ضمن نباید فراموش کرد که در این هنگام یکی از عناصر مهم در زمینه، جلب توجه افراد به دیدگاه های سازمانی است. شما باید آنها را از نظر ذهنی برای پذیرفتن دیدگاه تان آماده سازید تا آنها ماموریت سازمان را به صورت خوب به منصه اجرا گذارند.



گام ششم: برنامه ریزی برای ایجاد تغییر

جهت ایجاد تغییر مؤفقیت آمیز، لازم است که شما پیش هر کاری، باید برنامه ریزی دقیق نمایید و تا جایی که ممکن است به برنامه های آینده تان زیاده تر بیندیشید. این گام برای برنامه ریزی است و تغییر فکری و ذهنیت افراد نیز در حاشیه آن شکل می گیرد. اجرای دستورهای ذیل شما را در این قسمت یاری می رساند:

✓ پیوندها میان عناصر مختلف تغییر را بشناسید.

✓ عوامل اقتضایی و سیاسی را برنامه ریزی کنید.

✓ عوامل نفوذ و نفوذ کنندگان و چگونگی تأثیر احتمالی برنامه تغییر را بر سایر برنامه ها، باید که بشناسید.

گام هفتم: اجرای برنامه

با انعطاف پذیری، خونسردی و استقامت، برنامه را اجرایی کنید. از وسوسه و تردید بپرهیزید. برای تطبیق بهتر برنامه، باید که این پرسش ها را از خود نموده و آن را پاسخ دهید: ✓ تغییر برای من چه پیامدهای (مثبت یا منفی) را در قبال خواهد داشت؟

✓ چرا این برنامه مهم است؟
✓ راهکارهای آن چه مسایل و مشکلی را حل می کند؟

✓ چه ارزشی را به چه کسی عرضه می کند؟

گام هشتم: تغییر مقیاس

در پیگیری پیشرفتها، مقیاس های روشن را برای پیمایش کارهای تان معین کنید. طوری که نظام سنجشی و اندازه گیری ایرا پدید آورید که به وسیله آن بتوانید تمام اجزای کار سازمان تان را مورد برآورد قرار دهید.

یک اندرز قدیمی است که می گوید: «هرآنچه که اندازه گیری می شود، به اجرا درمی آید.» باید گفت که برخی مقیاس ها برپایه ادراکات افراد استوار است. سطح هوش افراد و قدرت گرفت (آی کیو) آنان از هم متفاوت است.



ولی معیارهای اندازه گیری می تواند که این چالش هارابه آسانی حل و فصل نماید. به همین منظور فیصدی افراد و گروه های ذیل، باید مشخص شوند:

- ✓ آشنایان با برنامه.
- ✓ درک کنندگان هدف ها.
- ✓ جانبداران هدف ها و ارزش های تغییر.
- ✓ مثبت و منفی اندیشان.
- ✓ تأثیرگذاران بر برنامه تغییر..

گام نهم: تثبیت تغییر

تغییر را نهادینه، تثبیت و ماندگار کنید. دشوارترین مرحله برنامه از همین جا آغاز می شود. در این مرحله تغییر استقرار می یابد. بنابر این باید برای درونی سازی و پا برجایی تغییر از تمام نیروها و منابع دست داشته تان در این راستا کار بگیرید.

در همین حال این مرحله با خطرات احتمالی روبرو است و ممکن است که در اثر بی توجه یی، حاصل تمام زحمات و سرمایه هایی که در این زمینه تا این هنگام هزینه گردیده اید، به شکست مواجه شوند. از این رو، برای سپری نمودن مؤفقانه این مرحله، مدیران تغییر باید بیشترین دقت عمل را در اجراات شان به عمل آورند.

در ضمن گام های سه گانه "کرت لوین" (ذوب کنید، تغییر دهید و دوباره منجمد سازید) یکی از کارشناسان علوم مدیریتی، می تواند به عنوان ممد خوبی در این راستا تلقی گردد. در آنجا تذکر به عمل آمده که چگونه کارکنان را در صندوق وضعیت مطلوب قرار دهید و بر آن قفلی زنید و نگذارید تا به سوی مدل های قدیمی خود باز گردند.

برای موفقیت این مرحله، رهنمودی ساده تر از رعایت اهرم ها و هنجارها ذیل وجود ندارد که باید در هنگام روند تغییر، مورد توجه جدی مدیران تغییر قرار داشته باشند:

- ✓ پایداری.
- ✓ پشتیبانی.
- ✓ رهبری.
- ✓ ارتباطات.
- ✓ و انگیزه های مادی و معنوی.

گام دهم: به پایان رسانیدن تغییر

تغییر را مانند یک سفر پرهزینه و مشکل به پایان برسانید. در آن بازنگری کنید، از نو آغاز کنید و اقدامات تغییر و بهبود دایمی را در آن به وجود آورید. چرا که تغییر سازمانی، یک جریان مداوم و مستمر است.

گام پایانی انجام کار است و هم شروع یک برنامه جدید. البته تغییر پایان ناپذیر است. "گوبهلر راس" یک دانشمند علوم مدیریتی، برای دست اندرکاران تغییر غرض جلوگیری از شکست و یأس، یک برنامه پنج مرحله یی را مطرح می کند: انکار، خشم، چانه زنی، رکود و پذیرش. این رهنمود برای مدیران تغییر در این عرصه کمک کننده خوبی پنداشته می شود.

باید افزود که برای برجسته سازی پایان موفقیت آمیز یک دور برنامه تغییر، باید اقدام های زیر را روی دست گیرید تا مؤفقیت های بیشتر آینده را برای شما ضمانت نماید:

✓ برگزاری مراسم: راه اندازی جشن یا مراسم اهدای جوایز.

✓ بازنگری برنامه ها: آموختن از موفقیت ها و شکست ها و آنها را به کارکنان آموزش دادن.

✓ مجازات و مکافات: رعایت اصل مجازات و مکافات به توانمندی های سازمان و مؤفقیت های برنامه های تان می افزاید.

✓ ارزیابی اقدامات جدید: پس از ارزیابی درپایان کار، اقدامات جدیدی را برای برنامه های بعدی تغییر در نظر گیرید که قابلیت اجرایی را داشته باشند.

این مبحث را با سخنان دوکتور محمد صایبی یک تن از کارشناسان مدیریتی به پایان می رسانیم: «تغییر در سازمان یک ماجرای مداوم است. به مصداق ضرب مثلی که می گوید: "رسیدن مهم نیست، آنچه اهمیت دارد، در سفر بودن است." از این رو، در پی آن باشید تا از آن لذت ببرید و سپس آن را از نو تکرار کنید.»

ادامه دارد...



په ټولنه کې د قانون ارزښت

مولوی عبدالملک حمیدی



له ستونزو او کشمکشونو څخه ژغورلی او پرته له اسلامي شريعت نه بل هيڅ قانون دانسان تنده نشي ليری کولای او اړتياوی ئې نشي پوره کولای او اسلامي شريعت خو داسې کامل، هراړخيز، جامع او دانسانی ژوند ټولو برخوته شامل دين گرځولی لکه چې په قرآن کریم کې مسلمانانو ته زيرې ورکوی او دا جوتوی چې نور نو په بل دين، قانون او ددهدايت په لاريسې مه ځي.

الله پاک فرمائي: ﴿وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَافِيسٌ إِلَّا فِي كَنْزٍ مُّبِينٍ﴾^{الأنعام: ٥٩}
ژباړه: يعنی هيڅ لاندۀ او وچ نشته مگر دا چې په عظيم الشان قرآن کې ورڅخه يادونه شويده.

قرآن هغه تلپاتې الهی معجز کلام دي چې دقيامت ترورځې پورې به ئې نور ځلېږي، دهرې زمانې علوم په کې دي، دهر وخت او زمان لپاره مناسب هدايات لري، دهر مرض دوا دهرې بدبختی لپاره دخلاصون لار...

همدارنگه اعجاز خوږي دا دي چې دغه الهی قانون دتحريف، تغيير، زيادت، کمبود، نقصان او عيب څخه پاک دي او دنورو

کرامت او خوږ ژوند ته راوباسی، چې همدا آسمانی کتابونه په حقيقت کې الهی قوانين بلل کېږي.

الله متعال قرآن عظيم الشان را نازل کړ چې يو جامع، کامل او شامل دژوند برنامه او عظيم الحکمة آسمانی کتاب او الهی قانون دي، دبشریت دنجات او سمون لپاره، ترڅو ديوه دستورالعمل په توگه ئې دژوند په هره برخه، دين، ټولنه، اقتصاد، سياست، جنگ، سوله، فرد، اجتماع کې ورڅخه هدايت واخلي، پخپل عملی ژوند کې ئې دلارې مثال کړي، نه داچې يوازې دمرو په جنازو او قبرو، ختمونو او خيراتونه کې تلاوت شي، او يا داچې په کتابتونونو او تاخچو کې، په الماريو کې بنديوان وساتل شي، بلکه متعال رب ﷻ دغه الهی معجزه داجراء، عمل کولو او تطبيق لپاره را استولي، الله تعالی فرمائي: ﴿الَّذِي أَنْزَلَ الْكِتَابَ الْكَرِيمَ فِيهِ هُدًى وَبَيِّنَاتٌ لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ﴾^{البقرة: ١-٢}
ژباړه: دغه کتاب(قرآنکریم) داسې يو آسمانی کتاب دي چې هيڅ شک او شبهه په کې نشته او دبشریت لپاره دهدايت لاره ده.

الهی قانون هغه جامع ډالی ده چې انسانی سرکشه غوښتنو هغه ترخپل تاثیرلاندي ندي راوستي او په حقيقی ډول ئې بشریت

دقوانينو تشريع او جوړول دټولنو اساسی ارکان بلل کېږي او هره ټولنه يولړ قوانينو او دساتيرو ته ضرورت لری ترڅو کارونه ئې سم او دهغې ټولې دافرادو اړيکی يوله بل سره سمبال کړي، په ټولنه کې نظم او سمون رامنځته حق حقدار ته ورسېږي او عدالت تأمین شي او هغه کسان چې ورڅخه سرغړونه کوي او دټولې نظم او اداره ترسوال لاندی راوړي، په سزا ورسوی.

دغه ضوابط او قوانين که څه هم آسمانی(الهی ارشادات) وي او ياکه دبشر په لاس جوړ شوی وضعی قوانين، ځکه افراد پخپله نشي کولای.

خپل سلامت، امنيت او عدالت پلی کړي او يوازې دافرادو ذاتی هلی ځلی، استعدادونه او مفکورې ددغه کار لپاره بسنه نکوي، له همدې کبله متعال خدای ﷻ دحقوقو دساتنې، عدالت دتأمین او دانسانانو دلاريسوني لپاره خپل استازی- پيغمبر- عليهم السلام را استولی دي او ورته ئې دستورالعمل- آسمانی کتابونه- ورکړي څو دهغو په رڼاکې بشریت حق لارې ته راوبولی، دتورو تيارو څخه ئې راخلاص، دظلم او بی عدالتی، وحشت او بربريت څخه ئې انسانی



آسمانی ادیانو په څیر هیچا ددغه الهی کلام په څیر یوه جمله، یوه کلمه، ان یو حرف جوړ نشوای کړای، که څه هم دزمانی فصحاء او بلغاء او دعلم او ادب دډگر مخکښان بلل کیدل، کوم آسمانی کتاب اوس پاته دي چې دبشر دا کثیف لاس ئې ندی خوړلی او هرچا دخپل مزاج مطابق پکې تحریفات راوړی او دالله بلیغ کلام ئې خو یو حرف هم ندی پکې پرېښی.

راځو بشری نورو وضعی قوانینو ته چې دبشر دژوند اړینو ضرورتونو لپاره وضع کيږي او دهر ملک او هیواد قانون خاصی خانگړنی لري، دمصلحتونو پربنا جوړيږي او بیا دزمانی په تیریدو سره تغییرات او تعدیلات په کې راوړي.

که چیرې پخوانیو بشری قوانینو ته نظر وکړو، وینو چې هلته به قوانین ظالمانه، غیر عادلانه، او دیوی خاصی طبقی په ګټه جوړیدل او اخلاقی معیارونو او انسانی کرامت ته په کې هیڅ ځای نه ؤ.

دبیلګی په توګه ښځه داسلام نه مخکې تمدنونو کې ددارنګه ظالمانه قوانینو سره مخ وه:

۱- دمصر دفرانګه زمانه

پدغه زمانه کې داسې قانون حاکم ؤ چې ښځه نشی کولای هیڅ ډول ټولنیز فعالیت ولری او یوازې باید دکور په څلورو دیوالونو کې بندیوانه وی، یوازې دحاکمې طبقی ښځې کولای شی چې له کوره بهر ووځي، لیک او لوست زده کړي، همدارنګه حاکمه طبقه کولای شي څو ښځې پخپله خوښه ولری او نور ددغه حق څخه محروم ؤ.

۲- دسومریانو دوره

دښځې مظلومی حالت په سومری قانون کې هم ډیر بد ؤ، یوه ښځه باید له ډیرو نارینه و سره واده وکړي پلار کولای شول له خپلې



الله متعال قرآن عظیم الشان را نازل کړ چې یو جامع، کامل او شامل دژوند برنامہ او عظیم الحکمة آسمانی کتاب او الهی قانون دي، دبشریت دنجات او سمون لپاره، ترڅو دیوه دستورالعمل په توګه ئې دژوند په هره برخه، دین، ټولنه، اقتصاد، سیاست، جنگ، سوله، فرد، اجتماع کې ورڅخه هدایت واخلي، پخپل عملی ژوند کې ئې دلارې مثال کړي، نه دا چې یوازې دمرو په جنازو او قبرو، ختمونو او خیراتونه کې تلاوت شي، او یا دا چې په کتابتونونو او تاخچو کې، په الماریو کې بندیوان وساتل شي، بلکه متعال رب ﷻ دغه الهی معجزه داجراء، عمل کولو او تطبیق لپاره را استولی.

۶- رومی تمدن او ښځه

رومیانو هم ډیر ظالمانه قوانین درلودل، دلور له زیریدو سره ډیر مخالف ؤ، ښځه ئې فاقد اهلیت بلله، او ورسره به ئې دماشوم یا لیونی په ډول تعامل کاوه، شهادت به ئې نه قبلاوه، دمیراث حق ئې نه درلود، میړه ته دهغوی دقوانینو مطابق دا حق ورکړل شوي ؤ چې خپله ښځه مجازات او محاکمه کړي، ان تردی که به ئې دا په نظر ور غلل چې ښځې ئې ګناه او تیروتنه کړی نو هغه به ئې فوراً اعداموله، طلاق یوه عادی خبره وه!!

۷- ښځه دعربو په زمانه کې

داسلام مقدس دین راتګ نه مخکې دعربو ښځو هم ښه وضعه نه درلوده، ځکه ورته دجاهلیت دوره ویل کيږي، ډیر ظالمانه، غیر انسانی او جاهلانه قوانین ورباندی حاکم ؤ، زور دزور ور ؤ، دځنګل وحشی قانون ورباندی مسلط ؤ، ښځه چې ضعیف الجسمه مخلوق دی، ډیره ددغه ناوړین قربانی وه.

ترټولو بده خو دا چې دلور پیدایښت به ئې دځان لپاره ډیر عار او شرم باله او یا خو به ئې دا په نظر ورتلل چې دلور ساتل یو اقتصادی اضافی بار دي، نو هغه مظلومی به ئې په ډیره بی رحمی سره ژوندی په ځمکه کې پخپل لاس سره خښولی، دا دي وحشت، دا دي قساوت، یوپلار څنګه کولای شي دخپل زړه او جیګر ټوټه (لور)

لور سره واده وکړي او دسومری قانون یوه مهمه ماده وه.

۳- ښځه دهندي تمدن په قوانینو کې

ښځه دکنیزۍ په ډول بلل کیده (مانو) دقانون مطابق ښځې به چې هرڅه لاسته راوړل هغه به ددی ملکیت نه بلکه دمیرمه ملکیت به ئې بلل کیده، کله به چې میړه ئې مر کیده نوښځه مظلومه به ئې ژوندی ورسره سوځوله او یا خو به ئې ژوندی ورسره خښوله!!

۴- پخوانی چینی تمدن

دچین دقوانینو له مخې ښځه، دبدبختی اصلی لامل بلل کیده، او دلور زیږون به ورته دشرم لامل ګرځیده، کله به چې دچا په کور کې لور پیدا شوه نو دکوره لپری یوې کروندی ته به ئې یووړه، څو وحشی ځناور هغه وخوړی او یاهم د یخنی له امله مړه شي او دغه کار به عیب نه، بلکه دغیرت بیلګه بلل کیده!!

۵- ښځه دیونانیانو په دوره کې

په پخوانی یونان کې هم دښځې اړوند ظالمانه قوانین موجود ؤ، له هغې جملې نه مشهور فرانسیسی عالم (ګوستالوبون) لیکي:

یونانیانو به ښځه ډیره بده او خطاکاره انسان بلله، چې یوازې دجنسی غریزی داشباع او نسل ددوام وسیله ده کله به چې دکومې ښځې بدشکله اولاد وزړیده، نو هغه ښځه به ئې سمدلاسه وژله.

پخپل لاس په خاورو کې ومنډي؟! له همدې کبله قرآن عظیم الشان د دوی دغه جاهلانته قانون او دا وحشی کړنه په سختو ټکو سره غندی او فرمائي:

﴿وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ أَيَسْكُمُ عَلَىٰ هُوٍ ۖ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ ۗ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ﴾
النحل: ۵۸ - ۵۹

ژباړه: او کله به چې یوله دوی نه ورته دلور دزیریدو خبر ورسیده نو سمدلاسه به ئې رنگ تګ تور، له غوصی ډک گرځید، دهغه بدزیرې له وجی چې ورباندې شوي و ځان به ئې له خلکو پټاوه، دا به ئې له ځان سره فکر کاوه چې آیا دغه لور دسپکاوي سره له ځان سره وساتي او یانې دپیغور لیرې کولو له وجی ژوندی ترخاورو لاندې کړي، څومره افسوس دي چې ډیر بد قضاوت به ئې کاوه.

خو کله چې داسلام مبارک دین وړانګې راوځلیدې نو ټول دغه خرافاتې، ظالمانه او وحشیانه قوانین ئې ملغی او داسې ئې بشریت ته اعلان وکړ:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا ۚ إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىٰكُمْ﴾
الحجرات: ۱۳

ژباړه: ای خلکو! تاسې می دیوه نارینه او یوی ښځینه- آدم او حوا- نه را پیدا کړي، بیا مو تاسې ډلی او قبیلې وګرزولی، څو تاسی یوله بل سره وپېژنی، په یقین سره ستاسی مکرم شخص د الله په وړاندی ستاسې پرهیزګاره کس دي.

الهی قانون د(ناس) کلمه بیان کړه چې بدی سره ئې تبعیض له منځه یووړ او نارینه او ښځینه ئې دواړه پکې شامل کړل او دالله په وړاندې دواړه یوشان دي هیڅ یو پر بل امتیاز، تفوق او برتری نلری او هغه انسان الله تعالی ته وړاندی دي چې تقوا ولري.

همدارنگه ئې دبشر ترمنځ ټول ژبنی، توکميز او نژادی توپیرونه اصلی معیارونه ګڼل او دائې په ډاګه کړه چې تور پر سپین، سپین په ژیر، عرب په عجم، بدای پر بی وزله او... تفوق او غوره والی نلري او ټول دالهی قانون په وړاندی سره یوشان دي. دا دي حکیمانه قانون، دا دي عادلانه او منصفانه او دبشریت دسوکالی او بشپړازی قانون!!

که پخوانی تمدنونه په ظاهری ډول تمدنونه یادیدل خو داسې جاهلانته قوانینو ورباندې حاکمیت درلود، نن سبا دتکنالوژی اوتمدن په داپراخه دنیا کې هم دتیرجاهلیت په ډول ځینی قوانین شته چې دانسانی عقل، فطرت او کرامت خلاف دي او دنن ورځې متمدن انسان ورسره لاس او ګریوان دي، لکه همجنس بازی، یا دنارینه له نارینه سره واده کول چې بیا قانونی او رسمی بڼه غوره کوي؟!

یا داچې وګوری ځینی شیان دانسان بدن ته ضرر رسوی او په هکله ئې دتحریم قانون اعلان کړي، خو بیا چې وګوری دشرابو له تجارت نه ئې څومره ګټه ترلاسه کوله او شراب خونی ورباندی ګرمی نو بیا ورباندی پښیمانه شول او تردی تیرشول چې خیر دي دعامه انسانانو ژوند دورتبه کړي، خیر دي، خو بده دا ده چې دخو محدودو سرمایه لرونکو پانکی او سوداګری ته زیان ونه رسیږي.

خواسلامی قانون- قرآن- چې یو ځل حرام کړل، بیانې پکې هیڅ مصلحت ونه لید او دقیامت ترورځې پورې به شراب حرام وي، ځکه چې دشراب خوړل دانسان عقل له منځه وړي او زیان ئې ټولنیز حیثیت لري، او دغه حرمت ئې دهرچا لپاره اعلان کړ.

داسلام له پلوه قانون جوړونه یوازی په حدودو او مجازاتو کې نه راخلاصه کیږي، بلکه دغه حکیمانه قانون دانسان او

دخپل رب ئې، دانسان- فرد او ټولنې، دفرد ټولنې او حاکم، دبدياي او بی وزله، مالک او متاجر ترمنځ، همدا رنگه داسلامی حکومت او نورو هیوادونو ترمنځ په عادی او دجنگ حالاتو کې روابط او اړیکې تنظیموی.

پټه دپاته نه وي چې اسلامی ټولنه یوازی دقانون په وسیله نه جوړیږي، بلکه دهغه په څنګ کې وعظ، ارشاد، پوهاوی، ښوونه او روزنه هم ورسره ضروری ګڼل کیږي.

په اسلام کې جزاوی یا مجازات یوازی دټولنې دمجرمو او مخرفو اشخاصولپاره ټاکل شوي، چې هغه په هره ټولنه کې دګوتو په شمیر محدود اشخاص وي، نو اسلام یوازی دمجرمینو دمهار کولو لپاره قوانین ندی جوړ کړي بلکه هدف ئې دا دي چې سالم افراد پخپلو ارشاداتو سره دانحرافاتو نه وساتي.

داسلام نظره دجرم او انحراف مهارکول یوازی دحدودو عملی کول ندی، بلکه دمجرم او انحراف دواقع کیدو اصلی منبع او چینه وچول داهمیت وړ دي، ځکه وقایه تر درملنی نه ښه او ارزانه ده.

نوهره ټولنه قانون ته اړتیا لري، ترڅو دهغه ټولنې دافراد حقوق خوندي او زورور پرکمزورو باندې تیری ونکړي او لکه چې وائې په فلانی ځای کې دځنګل قانون حاکم دي، یعنی یوازی زمري دي چې پر نورو سلطه چلوی ځکه هغه دځنګل پاچا بلل کیږي.

که اوسنی نړی لږ دتعصب او بدبینی عینکی له خپلو سترګونه لیری کړي نو دا حقیقت به راسره ومنی چې یوازی اسلامی قانون قرآن کولای شي دبشریت ټولی ستونزی حل کړي او بس.



فساد ادکاری از دیدگاه اسلام

قسمت اول:

استاد غلام‌الدین کلانتری

مقدمه:

در دین مقدس اسلام همه امور مربوط به نظام زندگی انسان با شاخصه‌ها و معیارهای دقیق میزان گردیده و به محک زده شده تا به گونه لازم، شناسایی شوند و پیامدهای محتوم آنها برای مردم، مجهول و غیر قابل پیش‌بینی نباشد. فساد به صورت کلی؛ یکی از مسائلی است که در قرآن کریم و سنت نبوی مورد توجه فراوانی قرار گرفته و با صیغه‌ها، معانی و دلالت‌های مختلف به کار رفته است.

هرگاه در باب بررسی فساد، به قرآن کریم مراجعه کنیم، این حقیقت را آشکارا می‌یابیم که تمامی بلایا، مصایب و ناهنجاری‌هایی که در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، اخلاقی، دینی و ... به گونه‌های مختلف گریبان مردم را محکم گرفته و خورد وکلان، دولت و ملت و همه اقشار را در رنج و خواری نشانده است؛ یا ریشه در فساد دارد و یا یکی از پیامدهای فساد است.

موضوع مهم دیگر این است که «فساد» کلیتی است که زیر مجموعه‌های فراوان و جدایی‌ناپذیر داشته و قلمرو اجرا و تطبیق آن مختلف، گوناگون،



پیدا و پنهان و دامن‌دار است و فساداداری یکی از زیرمجموعه‌های فساد است. مبارزه گزینشی جهت کاهش یکی از انواع فساد، به هیچ‌وجه اثرگذاری مطلوب ندارد؛ زیرا اگر فساد به عنوان یک کلیت، بررسی و ریشه‌یابی نگردد، با برنامه‌ریزی‌های دقیق، مدت‌دار و کارشناسی‌شده آماج مبارزه صادقانه و بی‌امان قرار نگیرد، رنج بی‌پایان سایه شوم هیچ نوع فساد پایان نخواهد یافت.

بحث دیگری که می‌خواهم توجه خواننده گرامی را به اهمیت آن معطوف نمایم و ظالمانه مورد تغافل قرار گرفته این است که یکی از بحران‌های خطرناک، آشفته و جدی جامعه ما «بحران معنوی» است. این بحران تاکنون در دیار ما به رسمیت شناخته نشده و ماحصل پیامدهای آن تا هنوز در زیر لایه‌های غبار کم‌توجهی مستور و ناخوانده رها شده است.

به باور خیلی از دانشمندان علوم اجتماعی، بیشترین انحرافات، ناهنجاری‌ها، مفاسد و کجروی‌ها، در سطوح مختلف جامعه و دولت، از بحران معنوی ناشی می‌شود. به گونه مثال: اگر فساداداری ریشه کاوی شود، عوامل، اسباب و زمینه‌های آن مورد تحقیق و پژوهش قرارگیرد، ریشه‌های آن

راگره خورده در بحران معنوی می‌یابند. بنابراین، قبل از این که به مصاف مبارزه با فساد اداری برویم، باید راهکارهای موثری برای مبارزه با کاهش بحران معنوی را طرح و اجرا نماییم تا مبارزه با فساد اداری، نتایج مطلوبی در پی داشته باشد.

این مقاله، کوتاه و گذرا در دو فصل ترتیب شده و فساداداری را از دیدگاه اسلام به صورت بسیار مختص به بحث گرفته است و بیشترین، تنها فهرست مسائل ذکر شده است. زیرا اگر فساد و فساداداری از دیدگاه اسلام مورد بحث و بررسی قرار گیرد، به چند من کتاب خواهد رسید.

امیدوارم این مقاله کوتاه بتواند یکی از گره‌های فساد اداری را بگشاید.

مفهوم، انواع و اسباب فساد اداری

مطلب اول: مفهوم فساد

مفهوم «فساد اداری» از جمله مفاهیمی است که تعاریفات متعددی از دیدگاه‌های مختلفی در مورد آنها ارائه شده است.

هر تعریف یکی از ابعاد این مفهوم را توضیح می‌دهد. اما در این مقال کوتاه، سعی بر آن است که فساد اداری از دیدگاه اسلام مورد تعریف و مذاقه قرار گیرد. برای توضیح بهتر مفهوم فوق، بهتر است نخست مفهوم فساد توضیح

گردیده و سپس مفهوم ترکیبی فساد اداری تعریف و تبیین شود.

الف- فساد در لغت

فساد به معنای از بین رفتن، نابود شدن و ... است. ولی این واژه در حالات مختلف معانی مختلفی داشته باشد.

در معجم الوسیط آمده است المعجم الوسیط (۲/ ۶۸۸):

واژه فساد از ماده «فسد» گرفته شده به معنای از بین رفتن، خلل، اضطراب، قحط و عطب است. در قرآن کریم آمده است ﴿ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ﴾ الروم: ۴۱

ترجمه: فساد، در خشکی و دریا بخاطر کارهایی که مردم انجام داده‌اند آشکار شده است.

یا فساد به معنای الحاق ضرر و زیان آمده است. طوری که در آیه کریمه آمده است: ﴿وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا﴾ المائدة: ۳۳

ترجمه: و در زمین به فتنه و فساد می‌کوشند.

راغب در المفردات می‌گوید: فساد خارج شدن شی از حد اعتدال است اگرچه کم یا زیاد باشد و ضد آن صلاح است. المفردات فی غریب القرآن (ص: ۶۳۶)

این منظور در لسان العرب، بن عباد المحيط فی اللغة و ازهری در تهذیب اللغة فساد را نقیض صلاح و مفسده را خلاف مصلحت دانسته‌اند. لسان العرب (۳/ ۳۳۵)، المحيط فی اللغة (۲/ ۲۵۳)، تهذیب اللغة (۴/ ۲۶۶)

ب- فساد در اصطلاح:

فساد به معنای عام آن شامل تمامی اعتدا به نفس‌ها، اموال و درآمدهاست. ولی همان گونه که گفته شد تعریف‌های متعددی از اصطلاح فساد ارائه شده و تعریف معینی وجود ندارد، مگر همه تعریف‌ها بر محوریک موضوع می‌چرخد که: فساد عبارت از بد استعمال کردن قدرت عامه یا وظیفه عامه برای تحقق منافع و درآمد شخصی است.

با توجه به تعریفات مختلفی که از اصطلاح فساد ارائه شده، می‌توان به

تعریف ذیل نیز اشاره داشت:

فساد: عبارت از سلوک و تصرف ناپسندیده‌ای است که بر انجام وظیفه و به تبع آن بر جامعه تاثیر منفی بر جای گذاشته و به تحقق مصلحت علیای جامعه توجه ندارد. منهج القرآن فی علاج الفساد الاداری، ا. خلود الفلیت و ا. صدیق نصار، ص: ۱۴.

شاید صادق‌ترین تعریف فساد همان تعریف زیر است که در موسوعه العلوم الاجتماعیه آمده است:

فساد: عبارت از سوء استخدام قدرت عمومی برای تحقق منافع و درآمد خاص است. الوقایه من الفساد من منظور الفكر الاسلامی، د. کردودی و د. و صاف، ص: ۱۸.

ج- برخی معانی «فساد» در قرآن کریم

کلمه فساد در قرآن کریم با معانی مختلف آمده است نصره التعمیم فی مکارم أخلاق الرسول الکریم (۱۱/ ۵۲۳۸)

از جمله آنها:

۱- معصیت: یکی از معانی فساد در قرآن معصیت یا گناه است. ﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ﴾ البقرة: ۱۱ و هنگامی که به آنان گفته شود: «در زمین فساد نکنید» می‌گویند: «ما فقط اصلاح‌کننده‌ایم».

۲- هلاک و نابودی: در قرآن کلمه فساد به معنای هلاکت و نابودی نیز آمده است. ﴿لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا﴾ الأنبياء: ۲۲ اگر در آن دو آسمان و زمین خدایانی جز خدای یکتا می‌بود هر آینه هر دو تباه می‌شدند.

۳- قتل: از کلمه فساد در قرآن کریم به قتل نیز تعبیر شده است: ﴿وَجَعَلْ أَهْلَهَا شَيْعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ يُدِخُّ إِبْنَاءَهُمْ فِي سَفَرِهِمْ وَيَسَاءُ لَهُمْ إِنَّهُ كَانَتْ مِنَ الْمُفْسِدِينَ﴾ القصص: ۴

و اهل آن را به گروه‌های مختلفی تقسیم نمود: گروهی را به ضعف و ناتوانی می‌کشاند، پسرانشان را سر می‌برید و زنانشان را (برای کنیزی و خدمت) زنده نگه می‌داشت؛ او به یقین

از مفسدان بود.

۴- خراب: در قرآن واژه فساد به معنای خراب و تباهی وارد شده است. ﴿إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا﴾ النمل: ۲۴

۵- پادشاهان هنگامی که وارد منطقه آبادی شوند آن را به فساد و تباهی می‌کشند.

۶- منکر: کلمه فساد در قرآن به معنای منکر هم آمده است. ﴿فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُوا بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ﴾ هود: ۱۱۶

چرا در قرون (واقوام) قبل از شما، دانشمندان صاحب قدرتی نبودند که از فساد در زمین جلوگیری کنند؟

۷- قحط: کلمه فساد در قرآن به مفهوم قحطی هم آمده است: ﴿ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ﴾ الروم: ۴۱

فساد، در خشکی و دریا بخاطر کارهایی که مردم انجام داده‌اند آشکار شده است.

۸- سحر: در قرآن کریم کلمه فساد به سحر نیز تعبیر شده است. ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ﴾ یونس: ۸۱

خداوند (هرگز) عمل مفسدان را اصلاح نمی‌کند!

۹- طغیان: کلمه فساد در قرآن کریم به معنای طغیان نیز آمده است: ﴿الَّذِينَ طَغَوْا فِي الْبَلَدِ فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفَسَادَ﴾ الفجر: ۱۱- ۱۲

همان اقوامی که در شهرها طغیان کردند، و فساد فراوان در آنها به بار آوردند.

واژه «فساد» در احادیث پیامبر ﷺ با صیغه‌ها و معانی مختلف به صورت فراوان آمده است. در اینجا دو سه مثال به-

گونه مختصر ذکر می‌شود:

۱- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَفْضَلِ مِنْ دَرَجَةِ الصَّيَّامِ وَالصَّلَاةِ وَالصَّدَقَةِ»، قَالُوا: بَلَى، قَالَ: «صَلَاةُ ذَاتِ الْبَيْنِ، فَإِنَّ فَسَادَ ذَاتِ الْبَيْنِ هِيَ»



الْحَالِقَةُ» پیامبر ﷺ فرمود: آیا شما را به چیزی بهتر از درجه روزه و نماز و صدقه خبر دهم؟ گفتند: آری، فرمود: صلاح و نیکی و مصلحت در میان همدیگر، چون فساد ذات البینی قطع کننده است.

سنن الترمذی ت شاكر (۶۶۳ / ۴)

۲- عَنْ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: «إِنَّ الْأَمِيرَ إِذَا ابْتَغَى الرِّبَةَ فِي النَّاسِ أَفْسَدَهُمْ» پیامبر ﷺ فرمود: هرگاه امیر در میان مردم خواهان شک و ریب گردید، آنها را فاسد و تباه ساخت.

سنن أبی داود (۴۲۳ / ۴)

۳- مُعَاوِيَةُ بْنُ أَبِي سُفْيَانَ، يَقُولُ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ، يَقُولُ: «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ كَالْوَعَاءِ، إِذَا طَابَ أَصْفَلُهُ، طَابَ أَغْلَاهُ، وَإِذَا فَسَدَ أَصْفَلُهُ، فَسَدَ أَغْلَاهُ» معاویه بن ابی سفیان گفت: شنیدم که پیامبر ﷺ می فرمود: اعمال همانند ظرفی است؛ اگر پایانش نیکو و پاکیزه شد، بالایش نیز نیکو و پاکیزه میشود. و اگر پایانش فاسد شد، بالایش نیز فاسد می شود. سنن ابن ماجه (۱۴۰۴ / ۲)

با توجه به معانی و دلالات کلمه فساد در آیه های قرآن کریم، احادیث نبوی، اقوال و آرای مفسرین و دانشمندان اسلامی در تفسیر اصطلاح فساد به معنای عام، معلوم می شود که: «فساد به شرک و ابطال دین اسلام، ریختن خون مؤمنین و انبیا، قطاع الطریقی و ترساندن مردم و گرفتن مال آنان به غیر حق، فقر، قحطی و خشک سالی، ظلم، حکومت داری فاسد، رشوت و ارتکاب معاصی یاد شده است. آنچه واضح می گردد اینست



که این آیات و تفاسیری که مفسرین در معنای آنها ارایه کرده اند رابطه مستقیم به بحث فساد دارد. یکی از تفسیر هایی که مفسرین در مورد تفسیر آیات فوق بدان اشاره می کنند خوردن مال مردم با استفاده از قدرت عمومی است که ما در اینجا در صدد توضیح آن هستیم.

برخی فساد را ارتکاب هر نوع گناه و اعمال خلاف احکام و مقاصد شریعت

اسلام و تعهد عرفی صحیح، تعریف کرده اند. با مطالعه نظریات فوق میتوان گفت که اصطلاح «فساد» وقتی در مورد اشیا استفاده می شود به معنای خراب شدن و گندیدن است، اما وقتی در مورد اعمال و رفتار انسان اطلاق می شود به معنای ارتکاب گناه است.

لذا ارتکاب هر معصیتی بر روی زمین خواه علیه انسان باشد، یا غیر انسان، خواه جان انسان باشد و یا علیه مال انسان، خواه از طریق سرقت، راهزنی و انکار حق باشد و یا از طریق رشوه و سوء استفاده از قدرت. همه این موارد، فساد یاد می شوند. بنابراین از مطالعه این موارد به خوبی واضح می گردد که فساد عبارت از ارتکاب هر عملی است که مخالف احکام و مقاصد عظمای شریعت اسلام (حفظ دین، حفظ نفس، حفظ عقل، حفظ نسل و حفظ مال) باشد.

فساد اداری از دیدگاه اسلام، شیخ محمدی: ص ۲۵

مطلب دوم: مفهوم فساد به معنای خاص

مفهوم فساد اداری ه معنای خاص، عبارت از ارتکاب تعدی و معصیت علیه اموال است.

حفظ اموال یکی از مقاصد اساسی و کبرای شریعت اسلامی است، بنابر این؛ هرگونه تجاوز، تعدی، تزویر، التباس و سایر ارتکاب معصیت ها تصرفات نامشروع علیه اموال مردم، فساد، ظلم و جور قلمداد شده و آن را حرام گفته است. مبنای شرعی حفاظت از مال و مخالفت و ایستادگی در برابر هرگونه ظلم و تعدی بر آن، آیه قرآنی ذیل اصل است که می فرماید: وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتَذْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿۱۸۸﴾

ترجمه: و اموال یکدیگر را به باطل (و ناحق) در میان خود نخورید! و برای خوردن بخشی از اموال مردم به گناه، (قسمتی از) آن را (به عنوان رشوه) به قضات ندهید، در حالی که می دانید (این کار، گناه است).

شعراوی در تفسیر آیه فوق می نویسد: «خوردن باطل به این معناست که آنچه در ملکیت غیر تو قرار دارد، جز به حقی که به

بحث دیگری که می خواهیم توجه خواننده گرامی را به اهمیت آن معطوف نمایم و ظالمانه مورد تغافل قرار گرفته این است که یکی از بحران های خطرناک، آشفته وجدی جامعه ما «بحران معنوی» است. این بحران تاکنون در دیار ما به رسمیت شناخته نشده و ماحصل پیامدهای آن تاهنوز در زیر لایه های غبار کم توجهی مستور و ناخوانده رها شده است. فساد عبارت از ارتکاب هر عملی است که مخالف احکام و مقاصد عظمای شریعت اسلام (حفظ دین، حفظ نفس، حفظ عقل، حفظ نسل و حفظ مال) باشد.

حکم خدای متعال ثابت باشد، مخورید. دزدی نکنید، غصب نکنید، به اختطاف دست نزنید، رشوه نگیرید، در امانتی که به شما سپرده شده خیانت نکنید، اگر چنین اموری یا امثال آن به وجود آمد، یقیناً مالی را به باطل خورده اید. تفسیر الشعراوی (۷۹۸ / ۲) خداوند متعال می خواهد حرکت حیات ما پاک و شریف باشد، حرکت کریمانه ای که در بطن شما جز مالی که در راه کسب آن عرق ریخته اید، وارد نشود و هر انسانی حق خویش را به دست آورد. در انتظار ثمره کسب و حرکت دیگران نباشد... هرگاه شما حرکت شرافتمندانه را آغاز کنید همه مردم دنبال همین گونه شرف حرکت می کنند. ولی «باطل» عکس آن را متحقق می سازد، چون هرگاه شما از محصول حرکت و تلاش دیگران بخورید، هرج و مرج در زندگی شایع می گردد. همان (۷۹۹ / ۲)

شعراوی می افزاید: «تنها تلاش برای کسب حلال کافی نیست، بلکه باید توجه داشته باشید که شما در راه باطل جلو نمی روید. چون سارق در راه حرام حرکت می کند. هر مسروقی نتیجه حرکت باطل

است؛ همچنان غصب، تدلیس، غش، خیانت در امانت، انکار امانت و امثال آنها همه باطل است، و هر حرکت و تلاش در غیر آنچه خدا مشروع ساخته و هرگونه همکاری در آن باطل و حرام است.

علاوه بر آن، به حاکمان رشوه ندهید تا به وسیله آن بخشی از اموال مردم را به باطل بخورید. عجب این است که این نص «وَتَدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ عَيْنًا نَصَّ «رشوه» است.

هر مظاهر فساد را که در جهان مشاهده کنیم، سبب آن را در خوردن مال به باطل می یابیم، روی همین اهمیت خداوند متعال آن را غایب و مهمل نگذاشته است. « همان (۸۰۴ / ۲)

مطلب سوم: مفهوم فساد اداری

علما در مفهوم اصطلاح «فساد اداری» نیز مانند اصطلاح «فساد» و سایر اصطلاحات تعریف متفق علیه ندارند، برای آنکه نشانه‌ها و اسباب پدیده فساد اداری، روش‌های بررسی آن، تعدد اشکال تعبیر از این پدیده و انواع آن با همدیگر اختلاف دارند، لذا تعریفات آن نیز از دیدگاه دانشمندان متعدد شده است.

برخی تعریف‌های آن قرار ذیل است: فساد اداری عبارت از وجود خلل در انجام عمل، نتیجه خطا و نسیان و پیروی شهوت‌ها، لغزش‌ها و انحراف از طریق مستقیم است. الفساد الإداری وعلاجه من منظور إسلامی (ص: ۳)

بانک جهانی فساد اداری را چنین تعریف کرده است: فساد اداری عبارت از سوء استعمال قدرت جهت اغراض خاص بوده، و آن مشکل ازلی و تاریخی بوده که در تمامی عصرها و در همه کشورها با اختلاف ترکیب‌های سیاسی و اقتصادی با درجات متفاوت است. منهج القرآن فی علاج الفساد الاداری، ا. خلود الفلیت و ا. صدیق نصار، ص ۲۲.

فساد اداری عبارت از کاستی ارزش‌های افراد است که بر عدم قدرت به التزام شخصی برای مصلحت عامه متجر می‌گردد. یعنی عبارت از سلوک انحرافی‌ای است که

کارمند به آن اقدام نموده و وقوع آن در مخالفت‌های اداری یا سلوکی و یا مالی مترتب می‌شود. همان، ص ۲۳.

سازمان ملل متحد و سازمان شفافیت جهانی در تعریف فساد اداری می‌گویند: عبارت از سوء استخدام قدرت واگذار شده در جهت تحقق مصالح شخصی است. الوقایه من الفساد من منظور الفكر الاسلامی، د. کردودی و د. و صاف، ص ۲۵.

در همه تعریف‌های فوق برخی محورهای مشترک وجود دارد، مانند: سوء استفاده از اختیارات دولتی، کسب منافع شخصی به اشکال مختلف، فروریختن ارزش‌های فردی، کاستی در انجام وظیفه و امثال آن. با توجه به مشترکات موجود در تعریف‌های فساد اداری، می‌توان یک تعریفی که همه تعریف‌ها را به گونه‌ای احتوا نماید، ارائه کرد: فساد اداری عبارت از سوء استفاده از قدرت عمومی برای کسب منافع شخصی (خصوصی) است.

مطلب چهارم: مفهوم فساد اداری از دیدگاه شریعت اسلامی

فساد اداری اصطلاح جدیدی است که در کتاب‌های فقهی قدما به آن اشاره‌ای نشده است. فقه‌ها در مورد کلمه فساد فراوان بحث کرده‌اند و اسباب، عوامل و قلمروهای فساد را به صورت گسترده مورد بحث قرار داده‌اند. فساد اداری یک واژه ترکیبی از دو کلمه «فساد» و «اداری» است. مفهوم فساد در بالا تعریف شد که به تکرار آن نیازی نیست و اکنون با توجه به بحث‌های دانشمندان معاصر اسلامی، تعریفی از مفهوم فساد اداری ارائه می‌شود:

عدول کارمند خدمات عمومی از دایره احکام شریعت اسلامی و مقاصد آن در چارچوب وظیفه دولتی است. الفساد الإداری و علاجه فی الفقه الإسلامی، محمد محمود عطیه معاویه، ص ۴۶.

در فقه اسلامی مفهوم فساد در معاملات مالی دو گونه نظریه آمده است:

۱- فساد و بطلان یکسان اند

جمهور فقها (مالکی‌ها، شافعی‌ها و حنابله) فساد و بطلان را در مورد معاملات مالی یکسان، هم معنی و مترادف دانسته‌اند و ضد صحت است. به باور آنها باطل و فاسد به افعالی اطلاق می‌شود که وقوع آن هر باطلی آثار شرعی در پی ندارد. هر چند از نظر جمهور نیز در برخی مسائل مانند: حج، عاریت، خلع و غیره نیز فرق و تباین در میان فساد و بطلان نیز وجود دارد. الموسوعة الفقهية الكويتية (۸ / ۱۰۶)

۲- فساد و بطلان فرق دارند

فقه‌های احناف در میان فساد و بطلان فرق قایل شده‌اند و فساد و بطلان را یکسان، هم‌معنی و مترادف نمی‌دانند. از نظر احناف بطلان عبارت از مخالفت یک عمل با شرع به خاطر وجود خلل در رکنی از ارکان یا شرطی از شرایط انعقاد آن است. یعنی باطل اصلاً مشروع نیست، نه اصل آن مشروع است و نه وصف آن.

اما فساد عبارت از مخالفت یک عمل با شرع در شرطی از شروط صحت آن است، هر چند شریعت با ارکان و شرایط انعقاد آن موافقت داشته باشد. یعنی در اصل خود مشروع و در وصف خود غیر مشروع است. لذا فساد را در میان بطلان و صحت قرار داده‌اند و برخی نتایج را بر آن مرتب می‌دانند ولی از نظر احناف بر معامله باطل هیچ اثری مرتب نمی‌شود.

البحر الرائق (۶ / ۷۵)، البحر الرائق شرح كنز الدقائق

ومنهج الخالق وتكملة الطوری (۶ / ۷۵)، الموسوعة

الفقهية الكويتی

ادامه دارد...



آه جگر سوز از فراق پیامبر نازنین

قسمت اول:

معاون سر محقق عبدالولی بصیرت

الحمد لله الذي أرسل رسوله بالهدى ودين الحق ليظهره على الدين كله ولو كره الكافرون، وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له، وأشهد أن محمداً عبده ورسوله الذي أرسله الله رحمة للعالمين وشفيعاً للمذنبين وصلى الله تعالى عليه وعلى آله واصحابه وسلم تسليماً كثيراً كثيراً.

مقدمه:

هر اندازه مصیبت بزرگتر شود، جگر بیشتر میسوزد. هر دردی سوختی دارد که اندازه درد اگر کمتر باشد سوختش هم کمتر است و اگر بیشتر باشد سوختش بیشتر می باشد. بالاترین حالت درد ناک و جگر سوزی در مرگ و فراق عزیزان است، که متوفی هر اندازه عزیزتر باشد جگر سوزی اش هم بیشتر می باشد؛ پس برای انسان مومن کدام عزیزی بالاتر و عزیزتر از رسول الله ﷺ می باشد؟ که نیست؛ چون پدر و مادر، زن و یا شوهر، فرزندان، برادران و دیگر اقارب در قلب انسان مومن جایگاهی را ندارند، که پیامبر ﷺ دارد؛ بنابر آن رسول الله ﷺ در قلب انسان مومن چنین جایگاه بلند تر از همه داشته و عزیزتر از همه است، که درد و داغ فراق این پیامبر نازنین جانکاه تر و جگر سوز تر از همه می باشد.

من معذرت می خواهم از دوستان مومن خواننده، که با نگارش این

ورقپاره ها درد شان را تازه می سازم؛ اما از جانب دیگر فکر می کنم با تازه ساختن این درد و جگر سوزی، تعهد مان را تجدید و تازه خواهیم کرد تا باشد در جمع امت آن رسول نازنین قرار گرفته و از شفاعتش بهره مند شویم. الله ذوالجلال مقام وسیله را به حبیبش عطاء نموده و شفاعتش را نصیب مان فرماید. وما ذلک علی الله بعزیز.

جایگاه پیامبر نازنین در چند جمله شیرین

سخن گفتن درباره رسول الله ﷺ، چقدر شیرین است؛ اما بیان جایگاه او ﷺ با خامه قاصر ما بسیار سخت، ولی آه فراقش جگر سوز است؛ به هر حال قبل از آنکه بحثی از فراق داشته باشیم می خواهم چند ویژگی را که نمونه ای از جایگاه پیامبر رحمت می باشد؛ بگونه مختصر تذکار نمایم.

۱- **رحمة للعالمین**: الله عز وجل حضرت محمد مصطفی ﷺ را رحمت برای تمام عالمیان معرفی نموده می فرماید: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾ (الانبیاء: ۱۰۷) ای پیغمبر! ما ترا به عنوان رحمت بر جهانیان فرستادیم.

الله متعال رسول الله ﷺ را با زیور رحمت زینت بخشیده، که وجودش، شمایل و صفاتش برای مردم رحمت است؛ کسی از صفات و شمایل او ﷺ چیزی کسب کرد و الگو گرفت در دنیا و آخرت از

همه نا بسامانیها نجات یافته و به همه خوبی ها دست می یابد. «۱»

بلکه حیات و ممات رسول الله ﷺ خیر و رحمت است؛ چنانچه خود می فرماید: «حَيَاتِي خَيْرٌ لَّكُمْ تُحَدِّثُونَ وَتُحَدِّثُ لَكُمْ، وَوَفَاتِي خَيْرٌ لَّكُمْ تُغْرَضُ عَلَيَّ أَعْمَالُكُمْ، فَمَا رَأَيْتُ مِنْ خَيْرٍ خَمِدْتُ اللَّهُ عَلَيْهِ، وَمَا رَأَيْتُ مِنْ شَرٍّ اسْتَعْفَرْتُ اللَّهَ لَكُمْ». «۲»

زندگی من خیر و بهتر است برای شما، سخن می گوید و من هم برایتان سخن می گویم. وفات من هم بهتر و خیر است برای تان، که اعمال تان بر من عرضه میشود، آنچه را از خیر در آن می بینم الله را سپاس می گذارم، و آنچه را از شر می بینم از الله برای تان مغفرت می خواهم.

«إِنَّمَا مَثَلِي وَمَثَلُ النَّاسِ كَمَثَلِ رَجُلٍ اسْتَوْقَدَ نَارًا، فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ، جَعَلَ الْقَرَأَشُ وَهَذِهِ الدَّوَابُّ الَّتِي تَقَعُ فِي النَّارِ يَقَعْنَ فِيهَا، فَجَعَلَ يَنْزِعُهُنَّ وَيَغْلِبْنَهُ، فَيَقْتَحِمْنَ فِيهَا فَأَنَا آخِذٌ بِخَجَرِكُمْ عَنِ النَّارِ وَهُمْ يَقْتَحِمُونَ فِيهَا». «۳»

مثال من به مثال مردی می ماند که آتشی را روشن نموده وقتی ماحولش را روشن میکند، پروانه ها و حشرات در آتش می افتند، آن مرد میکوشد که آنها را نجات بدهد اما آنها غالب شده بالای آتش حمله میکنند؛ پس من هم تلاش می کنم شما را از آتش نجات دهم اما آنها غلبه نموده خود را در آتش می اندازند.



ای چراغ آسمان و رحمت حق بر زمین
ناله من گوش دار و درد حال من ببین
(مولانا)

به گفته مولانا «مصطفی ماجاء الارحمة للعالمین».

دوستان عزیز چقدر زیباست که ما از پیامبر درس رحمت و مهربانی بیاموزیم و بیاموزانیم.

۲- **خاتم پیامبران:** شیرین تر از کلام الله چیست که در این باره میفرماید:
﴿ مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا ﴾
الأحزاب: ۴۰

محمد ﷺ پدر هیچ یک از مردان شما نیست ولیکن رسول الله و خاتم پیامبران است والله به هر چیز آگاه است.
پیامبر ﷺ فرمودند: «فُضِّلْتُ عَلَى الْأَنْبِيَاءِ بِسِتٍّ: أُعْطِيتُ جَوَامِعَ الْكَلِمِ، وَنُصِرْتُ بِالرُّغْبِ، وَأُحِلَّتْ لِيَ الْغَنَائِمُ، وَجُعِلَتْ لِيَ الْأَرْضُ طَهُورًا وَمَسْجِدًا، وَأُرْسِلْتُ إِلَى الْخَلْقِ كَافَّةً، وَخَتَمَ بِي النَّبِيُّونَ.»^{۴۰}

«به شش مورد بر [سایر] پیامبران ترجیح و فضیلت داده شده‌ام: به من فصاحت و بلاغت ارزانی شده، و با ایجاد رعب [بوسیله] خدا در دل دشمنان [یاری داده شده‌ام (و در روایتی به اندازه مسیر یک ماه) غنیمت‌ها برایم حلال گشته و زمین برای من همانند مسجد پاکی قرار گرفته است، و من برای همه مردم فرستاده شدم و آخرین پیامبر منم و نبوت با من خاتمه یافته است.»

۳- **برتر از همه مخلوقات:** الله ذو الجلال، انسان را اشرف مخلوقات آفرید و از میان آنها پیامبران را برگزید و از بین آنها، پنج تن را به صفت اولوالعزم انتخاب نمود و از میان پیامبران اولوالعزم حبیب خود حضرت محمد پیامبر نازنین ﷺ را برگزید و او را بر همه مخلوقات برتری داد.

رسول الله ﷺ فرمودند: «فُضِّلْنَا عَلَى النَّاسِ بِثَلَاثٍ: جُعِلَتْ صُفُوفُنَا كَصُفُوفِ الْمَلَائِكَةِ، وَجُعِلَتْ لَنَا الْأَرْضُ كُلُّهَا مَسْجِدًا، وَجُعِلَتْ ثُرَيْثُهَا لَنَا طَهُورًا، إِذَا لَمْ نَجِدِ الْمَاءَ.»^{۴۱}

به سه چیز بر مردم فضیلت داده شدیم: صفوف ما مثل صفوف فرشتگان قرار

داده شده، همه زمین برای ما مسجد قرار داده شده، و خاک این زمین برای ما طهور (پاک و پاک کننده که در آن تیمم می شود) گردانده شده است.
و فرمودند: «فُضِّلْتُ عَلَى الْأَنْبِيَاءِ بِسِتٍّ...» به شش مورد بر [سایر] پیامبران فضیلت داده شده‌ام.

ماه فرو ماند از جمال محمد
سرو نباشد به اعتدال محمد
قدر فلک را کمال و منزلتی نیست
در نظر قدر با کمال محمد (سعدی)
۴- **پیشوا و خطیب پیامبران:** رسول الله ﷺ امام و پیشوای، خطیب پیامبران و صاحب شفاعت آنها است. چنانچه در حدیثی می فرماید:

«إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ كُنْتُ إِمَامَ النَّبِيِّينَ وَخَطِيبَهُمْ وَصَاحِبَ شَفَاعَتِهِمْ، غَيْرَ فَخْرٍ.»^{۴۲}

با آنکه در روز قیامت امام و پیشوای انبیاء، خطیب شان و صاحب شفاعت آنها میباشم؛ بدون آنکه فخر نمایم.

۵- **دارای سعه صدر:** الله متعال برای حبیبش سعه صدر داده. و بار سنگین را از [دوش] او برداشت و او را از همه زشتی ها پاک و منزه نمود. و سینه اش را پاک و بی آلاشی ساخت و فرمود:

﴿ أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ وَوَضَعْنَا عَنكَ وَزْرَكَ أَلَمْ نُقْضِ ظَهْرَكَ ﴾
الشرح: ۱- ۳

آیا ما سینه تو را نگشودیم و سعه صدر به تو ندادیم. و بار سنگین ترا از دوش تو بر نداشتیم. همان (باری) که بر پشت تو سنگینی می کرد.

آیا سینهء ترا برای پذیرش این دعوت گشاد و فراخ نکردیم؟ و آیا کار و بار آن را برایت ساده و آسان نمودیم؟ و آیا این دعوت را محبوب دلت نساختم؟ و آیا جادهء آن را برایت نکشیدیم و صاف و هموار نکردیم؟ و آیا راه را برایت نورانی و روشن نگردانیم تا در پرتو نور و روشنائی پایانهء سعادت مند آن را ببینی؟^{۴۳}

دل پیامبر ﷺ را از قید و بند غم و حیرت رها ساخته و تحمل نابسامانیهای جاهلیت و سختیها مسئولیت بزرگ نبوت را به تو عطا کردیم.

۶- **دارای نام و اوازه بلند:** الله متعال نام

و یاد پیامبر ﷺ را بلندمرتبه و گرامی داشته است. ﴿ وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ ﴾ نام و آوازهء ترا بلند کردیم.

آری یاد پیامبر ﷺ چنان گرامی داشته شده و مقام بلندی برایش داده شده که در کنار ذکرى از ربوبیت و الوهیت پروردگار عظیم نام نامی رسول الله ﷺ نیز ذکر می شود؛ مانند: اذان، تشهد و بالاتر از همه در کلید ایمان یعنی کلمه طیبه و شهادتین.

ابو سعید خدری روایت میکند که رسول الله ﷺ فرمودند: «أَتَانِي جَبْرِيلُ فَقَالَ: إِنَّ رَبِّي وَرَبُّكَ يَقُولُ لَكَ: تَدْرِي كَيْفَ رَفَعْتُ ذِكْرَكَ؟ قُلْتُ: اللَّهُ أَعْلَمُ، قَالَ: لَا أَذْكَرُ إِلَّا ذَكَرْتَ مَعِي.»

جبرئیل نزد من آمده گفت: پروردگار من و تو فرموده اند که میدانی که چگونه یاد ترا رفعت دادیم؟ گفتم: الله و فرستاده اش خوب میدانند. فرمود: هرگاه از من ذکر میشود در کنار نام من یاد تو نیز میشود. «^{۴۴}» ابن عطاء در بیان این حدیث میگوید: تمام شدن ایمان را در یاد تو باخودم قرار دادم.^{۴۵}

دارای اخلاق بزرگ: الله متعال حبیبش را کاملاً پاک و منزه گردانید و اخلاق بلند و بالا و بزرگی را برایش عطا نموده و بیان میدارد: ﴿ وَإِنَّكَ لَمَلَكٌ خَلْقٍ عَظِيمٍ ﴾
القلم: ۴

تو دارای اخلاق بزرگ [یعنی صفات پسندیده و افعال حمیده] هستی.
از ام المومنین عایشه رضی الله عنها پرسیده شد که اخلاق پیامبر ﷺ چگونه بود؟ فرمود: «كَانَ خُلُقُهُ الْقُرْآنَ»^{۴۶}.

اخلاق پیامبر ﷺ قرآن بود.
پس او حبیب خدا و دوست اوست و او بزرگوارترین آفریده الله عز و جل است.

۷- **تکمیل کننده سلسله انبیاء**
حبیب رب العالمین میفرماید: «إِنَّ مَثَلِي وَمَثَلَ الْأَنْبِيَاءِ مِنْ قَبْلِي، كَمَثَلِ رَجُلٍ بَنَى بَيْتًا فَأَحْسَنَهُ وَأَجْمَلَهُ، إِلَّا مَوْضِعَ لَبَنَةٍ مِنْ زَاوِيَةٍ، فَجَعَلَ النَّاسُ يَطُوفُونَ بِهِ، وَيَعْبُجُونَ لَهُ، وَيَقُولُونَ هَلَا وَضَعْتَ هَذِهِ اللَّبَنَةَ؟ قَالَ: فَأَنَا اللَّبَنَةُ وَأَنَا خَاتِمُ النَّبِيِّينَ»^{۴۷}.

«همانا مثل من و پیامبرانی که قبل از من بوده اند همانند مثل



مردی است که ساختمانی را در نهایت نیکویی و زیبایی بنا کرده است و مکان یک آجر را در گوشه‌ای از گوشه‌های آن جا گذاشته است [هنگامی] که مردم شروع می‌کنند به گردش در اطراف آن، از آن خوششان می‌آید و می‌گویند: ای کاش این آجر در جای خود قرار می‌گرفت؛ پیامبر فرمودند: من آن آجرم و من خاتم پیامبرانم.»
بخاری و مسلم این حدیث را روایت کرده‌اند.

۸- برتر از همه پیامبران: چه زیبا روایتی از ابوهریره رضی الله عنه آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «فُضِّلْتُ عَلَى الْأَنْبِيَاءِ بِسِتٍّ أُعْطِيتُ جَوَامِعَ الْكَلِمِ، وَنُصِرْتُ بِالرُّغْبِ، وَأُحِلَّتْ لِيَ الْغَنَائِمُ، وَجُعِلَتْ لِيَ الْأَرْضُ طَهُورًا وَمَسْجِدًا، وَأُرْسِلْتُ إِلَى الْخَلْقِ كَافَّةً، وَخِمْ بِيَ النَّبِيُّونَ.» (۱۲)
۹- «به شی مورد بر [سایر] پیامبران فضیلت و ترجیح داده شده‌ام: به من فصاحت و بلاغت ارزانی شده، و با ایجاد رعب ابوسیفه خدا در دل دشمنان آیری داده شده‌ام، غنیمت‌ها برایم حلال گشته، زمین برای من همانند مسجد پاکی قرار گرفته است، من برای همه مردم فرستاده شدم و آخرین پیامبر منم و نبوت با من خاتمه یافته است.

۱۰- صاحب شفاعت عظمی در روز قیامت
در حدیثی طویلی از ابوهریره رضی الله عنه که بخاری و مسلم و احمد آنرا روایت کرده‌اند، آمده است که روزی پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «أَنَا سَيِّدُ النَّاسِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَهَلْ تَذَرُونَ مِمَّ ذَلِكَ؟ يَجْمَعُ اللَّهُ النَّاسَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ فِي صَعِيدٍ وَاحِدٍ...» (بعد از بیان مشکلات آنروز و اینکه نزد آدم، نوح، ابراهیم، موسی و عیسی علیهم السلام میروند و جواب منفی میگیرند، ادامه حدیث را چنین بیان میکند) «فَيَأْتُونَ مُحَمَّدًا فَيَقُولُونَ: يَا مُحَمَّدُ أَنْتَ رَسُولُ اللَّهِ وَخَاتَمُ الْأَنْبِيَاءِ، وَقَدْ غَفَرَ اللَّهُ لَكَ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ، أَشْفَعُ لَنَا إِلَى رَبِّكَ أَلَا تَرَى إِلَى مَا نَحْنُ فِيهِ...» (۱۳)

۱۱- «من در روز قیامت سرور و اشرف مخلوقات هستم، آیا سبب آنرا می‌دانید؟»
۱۲- خداوند همه انسانها را در

روز قیامت بر یک اساس و در یک زمین و بدون هیچ تفاوتی جمع می‌کند...

۱۳- (بعد از بیان مشکلات آنروز و اینکه نزد آدم، نوح، ابراهیم، موسی و عیسی علیهم السلام میروند و جواب منفی میگیرند، ادامه حدیث را چنین بیان میکند) سراغ من می‌آیند و می‌گویند ای محمد! تو رسول خدا و خاتم پیامبرانی و خداوند هر گناهی را که از پیش فرستاده‌ای و هر آنچه بر جای گذاشته‌ای بخشیده است. پس برای ما نزد پروردگارت شفاعت کن آیا نمی‌بینی که چه وضعی داریم، و چه بر سر ما آمده است؟ من بر می‌خیزم و می‌روم زیر عرش پروردگار و سجده می‌برم، به خاک می‌افتم، پس خداوند در رحمت خود را به رویم می‌گشاید و از محامد و ستایش‌های نیکویی که برای اوست چیزهایی بر من الهام می‌کند که قبل از من آنها را به کسی نیاموخته است.

پس ندا بر می‌آید: ای محمد! سرت را بالا بگیر و از پروردگارت بخواه، هر آنچه را که می‌خواهی، به تو داده می‌شود، شفاعت کن، شفیع واقع می‌شوی. پس من می‌گویم: خداوند! اتمم اتمم [را نجات بده] خداوند! اتمم اتمم [را نجات بده]، خداوند! اتمم اتمم [را نجات بده].
در روایت‌های دیگر آیین چنین آمده است [پس من می‌گویم: خداوند! وعده شفاعت را به من داده‌ای پس مرا شفیع آفریده‌ایت قرار بده و خودت بین آنها داوری کن.

خداوند سبحانه و تعالی می‌فرماید:
ای محمد شفاعت ترا قبول کردم من به سراغ شما می‌آیم و میان شما داوری می‌کنم.» را بخاری و مسلم و دیگران روایت کرده‌اند.

۱۴- صاحب حوض کوثر
الله ذو الجلال می‌فرماید:
﴿إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ﴾^۱
ما برای تو (ای محمد) کوثر را دادیم.
در مورد اینکه کوثر چه است؟ هفت قول وجود دارد: (۱) حوض پیامبر صلی الله علیه و آله (۲)

خیر کثیری که الله در دنیا و آخرت برایش داده است. (۳) مراد از کوثر قرآن است. (۴) کثرت اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله مراد است. (۵) توحید مراد است. (۶) هدف از شفاعت است. (۷) نوری است که الله در قلب پیامبر صلی الله علیه و آله گذاشته است. تردیدی نیست که الله متعال همه این چیزها را برای رسولش داده است؛ اما در مورد تفسیر کوثر نظر صحیح آنست که مراد از کوثر همان حوض ویژه است که الله برای پیامبر صلی الله علیه و آله نصیب فرموده است» (۱۴).

چنانچه در حدیثی که امام مسلم روایت میکند؛ اینگونه آمده است: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «أَتَذَرُونَ مَا الْكَوْثَرُ؟» فَقُلْنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ، قَالَ: «فَإِنَّهُ نَهْرٌ وَعَذْنِيهِ رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ، عَلَيْهِ خَيْرٌ كَثِيرٌ، هُوَ حَوْضٌ تَرِدُ عَلَيْهِ أُمَّتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ...» (۱۵).

آیا میدانید کوثر چیست؟ گفتیم الله و رسول خوب میدانند. فرمودند: نه‌ری است که پروردگار عزو جل برایم وعده کرده است، که بر او خیر بسیار زیاد میباشد، حوضی است که امت من در روز قیامت به آن وارد می‌شوند.

۱۵- سرور و سردار بنی آدم در روز قیامت
پیامبر نازنین صلی الله علیه و آله چه زیبا فرمودند: «أَنَا سَيِّدُ وَلَدِ آدَمَ، وَأَوَّلُ مَنْ تَنْشَقُّ عَنْهُ الْأَرْضُ، وَ أَوَّلُ شَافِعٍ وَأَوَّلُ مُشْفَعٍ» (۱۶).

من در روز قیامت سرور فرزندان آدم علیهم السلام هستم و اولین کسی هستم که قبر برای او شکافته می‌شود و اولین شفاعت کننده هستم.

الله عز وجل پیامبرش حضرت محمد صلی الله علیه و آله را در دنیا و آخرت آن چنان گرمای و عزیز شمرده که هیچ کس را این چنین گرمای نشمرده است؛ اما این همه اکرام و گرمای داشت و قدر و منزلت که برای رسول الله داده شده آیا از مرگ نجاتش داد؟ هرگز؛ بناء آمدن مرگ و چشیدن مرگ، امر حتمی است.

از مرگ فراری نیست!
پیامبر رحمت، حبیب خدا، سید انبیاء، صاحب شفاعت کبری، صاحب لوائی حمد، پیامبر نازنین و نور چشم ما مسلمانان؛ آیا با این همه تکریم و



بزرگداشت، از مرگ محفوظ ماند و نجات یافتند؟ هرگز!

اگر دنیا به کس پاینده میبود محمد تاقیامت زنده میبود.

میعاد و مدت عمر و زندگی هر فرد، هر گروه و ملتی تعیین گردیده است؛ وقتی تمام گردد، دیگر فرصتی داده نمی‌شود.

«وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْجِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ» (۱۷).

و برای هر امتی زمان (و مدتی معینی) است، پس هنگامی که اجلشان فرا رسد، نه لحظه‌ای (از آن) تاخیر کنند و نه (بر آن) پیشی گیرند.

«وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ذَلِكَ مَا كُنْتَ مِنْهُ تَحِيدُ» (۱۸).

و سكرات (و سختی) مرگ سرانجام فرا رسید، (و به او گفته میشود: ای انسان) این همان چیزی است که تو از آن می‌گریختی.

آری! این آمدن سكرات مرگ واقعیت‌ها را به همراه می‌آورد و دریچه قیامت را به روی انسان باز می‌کند و حوادث و صحنه‌های دنیای جدیدی را کم و بیش نشان‌تان می‌دهد، بدین هنگام انسان را فریاد می‌زنند، که این همان چیزی است که از آن کناره می‌گرفتی و می‌گریختی.

این همان لحظاتی هستند که بارها و بارها علماء از آن سخن گفتند، همان لحظاتی که قرآن بر وقوع آن تأکید می‌کرد: ﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّقُونَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَنْ رُحِيَ عَنِ الْكَفَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَهَنَّمَ فَقَدْ تَارَ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ﴾ (آل عمران: ۱۸۵)

هر کس چشنده (طعم) مرگ است. و همانا روز قیامت پادشاهی‌تان بطور کامل به شما داده میشود؛ پس هر که از آتش دوزخ دور داشته شد و به بهشت در آورده شد، قطعاً رستگار شده است. و زندگی دنیا چیزی جز مایه فریب نیست.

مرگ یعنی، پایان همه خوشی‌ها و لذت‌ها، همه رنج‌ها و مصیبت‌ها، پایان همه امیدهای دنیوی.

ای محمد! تو رسول خدا و خاتم پیامبرانی و خداوند هر گناهی را که از پیش فرستاده‌ای و هر آنچه بر جای گذاشته‌ای بخشیده است. پس برای ما نزد پروردگارت شفاعت کن آیا نمی‌بینی که چه وضعی داریم، و چه بر سر ما آمده است؟ من بر می‌خیزم و می‌روم زیر عرش پروردگار و سجده می‌برم، به خاک می‌افتم، پس خداوند در رحمت خود را به رویم می‌گشاید و از محامد و ستایش‌های نیکوئی که برای اوست چیزهایی بر من الهام می‌کند که قبل از من آنها را به کسی نیاموخته است.

گمان کن که ملک الموت روح ترا از کالبد خارج کرده و اکنون جسدی بیش نیستی، تو را غسل داده و اهل و عیال بر تو گریه می‌کنند. تو نیز گریه آنها را می‌بینی و می‌شنوی؛ اما قدرت بر تکلم و حرکت نداری و چند ساعتی دیگر تو را به سوی قبرستان می‌برند جایی که از آنجا نفرت داشتی و فرار می‌کردی. ولكن قبر انتظار تو را می‌کشد و آن چاله را برای کسی دیگر بجز تو حفر نکرده‌اند. اولین چیزی که بر ذهنت خطور خواهد کرد تنهایی و بی‌مونس بودن است، دیگر دوستی نیست با تو سخن بگوید و تو همواره با او مزاح کنی، به کنار تو بنشیند و تو را از تنهایی برهاند. و به راستی که تنهایی سخت است و بدتر از آن اینکه، همیشگی باشد» (۱۹).

ای انسان امروز در جریان زندگی خود می‌توانی هرکاری را انجام دهی، هر معصیتی را مرتکب شوی، هر مالی را غصب کنی و کسی مانع نشود و تو را تعقیب نکند دستور قتل هر انسان بی‌گناهی را صادر کنی و از تو کسی سؤال نکند، مال هر یتیم و مستمندی را بخوری و کسی مقابل تو نباشد، هر جنایتی را مرتکب شوی و در پی تو نباشند ولی بدان که مرگ پایان همه

این قدر تنهاست.

مصیبت جانگداز

همانگونه که روز تولد «۲۰»

رسول الله ﷺ، با سعادت‌ترین روز بود، روز رحلتش ﷺ برای مسلمانان و جامعه بشریت سخت‌ترین، وحشتناک‌ترین، دردناک‌ترین و مصیبت‌بارترین روز است. «أنس و ابوسعید خدری رضی الله عنهما می‌گویند: آن روزی که پیامبر اکرم ﷺ به مدینه مشرف شد، هر چیزی از پرتو آن روز، درخشان و تابان گردید. و روزی که رحلت فرمود، هر چیزی از غم و اندوه، تیره و تاریک شد.

أم ایمن گریه کرد، به او گفتند: چرا برای پیامبر ﷺ گریه کردی؟ گفت: «یقین می‌دانستم که رسول الله فوت می‌کند؛ اما گریه من برای آن بود که دیگر وحی نخواهد آمد» (۲۱).

چگونه به مصیبت رحلت پیامبر ﷺ گریه نکنیم؟ در حالیکه محبوب دلهای مومنین و بدون محبت او ﷺ ایمان به کمال نمیرسد، آنهم محبتی که به موجب ایمان، بالاتر از محبت هر شخص دیگر؛ زیرا پیامبر ﷺ میفرماید: «لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّى أَكُونَ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ وَالِدِهِ وَوَلَدِهِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ» (۲۲).

ایمان هیچ کدام از شما [کامل نمی‌شود] مگر اینکه من در نظر او محبوب‌تر از فرزند، پدر و مادرش و همگی مردم باشم.

پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرمودند: «إِذَا أَصِيبَ أَحَدُكُمْ بِمُصِيبَةٍ، فَلْيَذْكُرْ مُصِيبَتَهُ بِي، فَإِنَّهَا أَكْظَمُ الْمَصَائِبِ عِنْدَهُ» (۲۳).

هنگامی که یکی از شما گرفتار بلا و مصیبتی شد، مصیبت [مرگ] من را بیاد آورد، چرا که بزرگ‌ترین مصیبت‌ها است. او با یاد آوردن آن خود را تسکین و دل‌داری دهد. [بهره‌هایی که از این حدیث می‌بریم، فقط ضرورت صبر کردن انسان در هنگام گرفتاری و بلا نیست.

بلکه، این حدیث یکی از کلیدهای بندگی، علم و معرفت است که راه را برای مسلمانان



روشن می‌کند و آن‌ها را با دلایلی که باعث شده در تاریکی [غیر راه حق و هدایت] زندگی کنند و با گرفتاریهایی که در زندگی دارند، آشنا می‌کند و راه رهایی و نجات آنان را پیروی از راه نبوت و پیامبر می‌داند.

مرگ هر شخصیت بزرگی تأثیر فراوانی بر پیروان و دوستداران او دارد. و وفات حضرت محمد ﷺ نه تنها بر یارانش ﷺ بلکه بر تمامی امت اثر گذاشت. ضروری است که ما به هنگام مشکلاتمان، بیاد مصیبت وفات حضرت رسول الله ﷺ باشیم و در آن تأمل کنیم؛ زیرا وفات ایشان از بزرگترین مصایب بود^{۲۴}.

آری! هجران رسول الله ﷺ بسیار درد آور است. شاعری چنین می‌سراید:
زهجران تو پرپر میزند دل
زدل تنگی به هر در می زند دل
چو بلبل در فراق رویت ای گل
به دیوار قفس سر میزند دل

مصیبت رحلت رسول الله ﷺ، مصیبت تمام امت است بنا بران بزرگی این مصیبت به انداز وسعت و گستردگی آن است، که هیچ مصیبتی به انداز آن گستردگی ندارد و هر مصیبت دیگر خوردرتر از آن است؛ بنا بران جانسوز ترین مصیبت است، که یاد آن هر مصیبت دیگری را سهل و آسان می‌سازد. به همین خاطر رسول اکرم ﷺ از ما می‌خواهند که در هنگام گرفتاریها و مصیبت‌هایمان رحلت و فراق ایشان را به یاد بیاوریم و به یاد آن تحمل مصیبت‌ها و سختی‌ها را آسان ساخته و خود را دل‌داری و تسلی دهیم.

در حدیث دیگری می‌خوانیم که رسول اکرم ﷺ فرموده اند:
«يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَيُّمَا أَحَدٍ مِنَ النَّاسِ، أَوْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَصِيبَ بِمُصِيبَةٍ، فَلْيَتَعَزَّ بِمُصِيبَتِهِ بِي عَنْ الْمُصِيبَةِ الَّتِي تُصِيبُهُ بَغَيْرِي، فَإِنْ أَحَدًا مِنْ أُمَّتِي لَنْ يُصَابَ بِمُصِيبَةٍ بَعْدِي أَشَدَّ عَلَيْهِ مِنْ مُصِيبَتِي»^{۲۵}.

«ای مردم هر یک از شما یا مسلمانان به بلائی گرفتار شود، گرفتاری و مصیبت خود را به

یاد آوردن سختی تحمل مصیبت مرگ من برای دیگران تسلی دهد؛ چون که هیچ کسی از امت من بعد از من به مصیبتی دردناکتر از آن چه به وسیله وفات من به آن دچار می‌شود گرفتار نخواهد شد.»

اگر در کلمه «فلیتعزَّ» خوب دقت کنیم می‌فهمیم که در این کلمه نوعی درمان و علاج روحی و روانی وجود دارد که ذهن را تازه و قلب را آرام می‌سازد. این معرفت و احساس بسیار زیبا برای هر کس دست نمیدهد؛ مگر برای انسان مؤمن صادق.

بنا بران انسان هر گاه به مصیبتی مواجه می‌گردد، به یاد آوری مصیبت وفات پیامبر ﷺ، غمهای خود را تسکین نموده و اطمینان و آرامش درونی خود را بدست بیاورد؛ چون هیچ غمی بالاتر از غمی وفات پیامبر ﷺ نیست، که با تجربه آن هر غم پایانتز از آن آسان می‌گردد. حقا پیامبری که الله متعال به وسیله دعوت او، تو را از تاریکی‌های گمراهی به روشنایی هدایت و توحید، راهنمایی کرد، به خواست الله باعث رهایی و نجات تو از ماندن همیشگی در آتش جهنم شد.

اینک به جریان بیماری پیامبر ﷺ، شدت رنجی که کشیدند، لحظات پایان عمر و رحلت مبارک می‌پردازیم.

مآخذ:

- ۱- الحصبی، ابو الفضل قاضی عیاض بن موسی، الشفاء بتعريف حقوق المصطفى، طبع دارالفکر، سال: ۱۴۰۸-۵۱، ۱۶/۱.
- ۲- مسند البزار؛ (البزار، ابو بکر احمد بن عمرو، مسند البزار المنشور باسم البحر الزخار، مكتبة العلوم والحكم- المدينة المنورة، طبع اول: ۲۰۹م، ۳۰۸/۵.
- ۳- محمد فؤاد عبدالباقي، اللؤلؤ والمرجان فيما اتفق عليه الشيخان، دارالحدیث - قاهره، ۱۴۰۷ هـ، شماره حدیث (۱۴۷۲)، ۹۴/۳.
- ۴- متفق عليه. (القشیری النیشاپوری، مسلم بن الحجاج، صحیح مسلم، دار احیاء التراث العربی - بیروت، شماره حدیث (۵۲۳)، ۳۷۱/۱.
- ۵- صحیح مسلم، حدیث شماره (۵۲۲)، ۳۷۱/۱.
- ۶- ترمذی، محمد بن عیسی، سنن الترمذی، شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي - مصر، طبع

دوم: ۱۹۷۵م، ۵/۵۸۵. امام ترمذی میگوید: «هَذَا حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ». غَرِيبٌ»

۷- سيد قطب، في ظلال القرآن، دارالشروق- بيروت، ۵۱۴۱۲، ۳۹۲۹/۶.

۸- المتقى الهندي، علاء الدين علي بن حسام الدين، كنز العمال في سنن الاقوال و الافعال، مؤسسة الرسالة، طبع پنجم: ۱۴۰۱ هـ / ۱۹۸۱ م، شماره حدیث (۳۱۸۹۱)، ۴۰۵/۱۱.

۹- الشفا بتعريف حقوق المصطفى، ۲۰/۱.

۱۰- الشيباني، ابو عبدالله احمد بن محمد بن حنبل، مسند امام احمد بن حنبل، مؤسسة الرسالة، طبع اول: ۱۴۲۱ هـ - ۲۰۰۱ م، حدیث شماره (۲۵۳۰۲).

۱۱- متفق عليه. (البخاری، محمد بن اسماعيل، صحيح البخاری، دار طوق النجاة، ۱۴۲۲ هـ حدیث شماره (۵۳۵۳)، ۹۸/۱۶.

۱۲- روایت صحیح مسلم، کتاب المساجد ومواضع الصلاة، حدیث (۵۲۳).

۱۳- متفق عليه (صحيح البخاری، (۴۷۱۲)، ۸۴/۶.

۱۴- الفرناطی، ابوالقاسم، محمد بن احمد، التسهيل لعلوم التنزيل، شركة دار الارقم بن ابي الارقم- بيروت، الطبعة الاولى: ۱۴۱۶ هـ ۴۴۰/۴۵.

۱۵- صحيح مسلم، ۳۰۰/۱.

۱۶- السجستاني، ابو داود، سليمان بن الاشعث، سنن ابی داود، المكتبة العصرية، صيدا-بيروت، ۲۱۸/۴.

۱۷- الاعراف / ۳۴.

۱۸- ق / ۱۹۰.

۱۹- محمد جمال زهی، مرگ در میزند، نشر وصال حق، ص: ۸.

۲۰- رحلت پیامبر صلی الله علیه وسلم، بعد از ظهر روز دوشنبه، دوازده ماه ربیع الاول، سال یازدهم هجری، در سن شصت و سه سالگی روی داد.

۲۱- ندوی، استاد ابوالحسن، زندگانی پیغمبر اسلام، ترمه: محمد بهاء الدین حسینی، از نشرات کتابخانه عقیده؛ ۱۷۲.

۲۲- صحيح البخاری، حدیث (۱۵) ۱۵/۱.

۲۳- الطبرانی، سليمان بن احمد، المعجم الكبير، مكتبة ابن تيمية - قاهره، الطبعة الثانية: ۱۴۱۵ هـ شماره حدیث (۶۷۱۸)، ۱۶۷/۷. سلسله الصحیحه، حدیث شماره (۱۱۰۶).

۲۴- مرکز پژوهش دار القاسم، به یاد مصیبت جانسوز وفات رسول اکرم ص، ترجمه: اسحاق دبیری، از نشرات وصال حق، ص: ۱۵.

۲۵- القزوينی، ابن ماجه ابو عبدالله محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دار احیاء الکتب العربیه، حدیث شماره (۱۵۹۹)، ۵۱۰/۱.



آب مایه حیات است

استاد محمد شریف رباطی

خداوند قدوس و لایزال در کتاب سماوی خویش این مشعل فروزان و منبع هدایت عالم بشریت در مورد نعمت عظیم آب چنین ارشاد میفرماید: ﴿أَوَلَمْ يَرِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَاهِنَّ الْمَاءَ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ﴾^{۳۰} الانبیاء: ۳۰

یعنی: "آیا کافران نمی بینند که آسمانها و زمین (در آغاز خلقت به صورت توده ی عظیمی در گستره ی فضا، یکپارچه) به هم متصل بوده و پس (بر اثر حرکات مداوم و انفجارات درونی هولناکی) آنها را از هم جدا ساخته ایم (و تدریجاً به صورت جهان کنونی در آورده ایم) و هر چیز زنده ای را (اعم از انسان و حیوان و گیاه) از آب آفریده ایم. آیا (در باره آفرینش کائنات نمی اندیشند و) ایمان نمی آورند؟"^(۱)

آری! آسمان ها و زمین قبلاً به هم پیوسته بودند (نه از آسمان باران می آمد و نه از زمین محصولات حاصل می شد). دانشمند عالم اسلام حضرت علامه مفتی محمد شفیع عثمانی در تفسیر خویش معارف القرآن در مورد لفظ رتق و فتق چنین ابراز نظر می نماید: {رتق} به معنای بسته و {فتق} به معنای گشودن می باشد، مجموعه ی این دو لفظ (رتق و فتق) به معنای انتظام و اختیار کامل کاری، به کار برده می شوند.

ترجمه: الفاظ آیه از این قرار است که آسمان ها و زمین بسته و به هم

پیوسته بودند، ما آنها را گشودیم مراد بسته شدن و گشودن در اینجا چیست؟ مفسران در این مورد اقوال مختلفی دارند، مگر از مجموعه ی آنها معنایی که صحابه کرام و جمهور مفسرین اختیار کرده اند همان است که مراد از بند کردن باران از آسمان و محصولات زمینی است و مراد از گشودن، گشودن این دوتا است.

در تفسیر ابن کثیر واقعه ی حضرت عبدالله بن عمر رضی الله عنه به سند ابی حاتم چنین نقل شده است که شخصی و یا کسی نزد او آمده و از او نسبت به تفسیر این آیه سؤال کرد، ایشان به سوی حضرت ابن عباس رضی الله عنه اشاره نمود که نزد آن شیخ برو، و از او سؤال کن و از آنچه برای تو پاسخ داد، مرا نیز آگاه کن.

آن شخص نزد حضرت ابن عباس رفت و پرسید: مراد از (رَتْقًا فَفَتَقْنَا) در این آیه چیست؟

حضرت ابن عباس رضی الله عنه فرمود: قبلاً آسمان بسته بود باران نمی بارید و زمین بسته بود، که در آن نباتات نمی روئید، وقتی خداوند قادر و توانا بوسیله بشر روی زمین را آباد نمود، از آسمان باران و از زمین نشو و نما را گشود، این شخص پس از دریافت تفسیر آیه، به نزد حضرت عبدالله بن عمر رضی الله عنه رفت و آنچه از حضرت ابن عباس رضی الله عنه شنیده بود، برای او بازگو کرد، حضرت عبدالله بن عمر رضی الله عنه فرمود: اینک برای من ثابت گردید که فی الواقع به حضرت ابن عباس رضی الله عنه علم

قرآن اعطا شده است.

این روایت حضرت ابن عباس در تفسیر روح المعانی به حواله ابن المنذر و ابو نعیم و گروه دیگری از محدثین نقل شده است که از آن جمله یکی حاکم صاحب المستدرک می باشد و حاکم آن را صحیح قرار داده است.

ابن عطیه اوفی رحمته الله پس از نقل این روایت، فرموده است که این تفسیر خیلی خوب و جامع و با توجه به سیاق و سباق خیلی مناسب است و برای منکرین عبرت و حجتی هم هست و مظهر نعمتهای خصوصی و قدرت کامل خداوند متعال که اساس توحید و معرفت می باشد، هست و آنچه در آیه مابعد: ﴿وَجَعَلْنَاهِنَّ الْمَاءَ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ﴾^{الانبیاء: ۳۰} فرموده است، با توجه به این معنی مناسبت دارد. و در بحر محیط هم این معنی مورد پسند قرار گرفته است.

علامه قرطبی رحمته الله آن را قول

عکرمه قرار داده و فرموده است که از آیه ای دیگر این معنا تایید می گردد، و آن آیه در سوره الطارق است:

﴿وَالسَّمَاءَ ذَاتِ الْآرَاجِ وَالْأَرْضَ ذَاتِ الصَّانِعِ﴾

الطارق: ۱۱ - ۱۲

و امام طبری هم همین معنی را اختیار نموده است.

{و جعلنا من الماء کلی شیء حی}

مراد این است که در آفرینش هر جاندار ی آب دخالتی دارد، و



در نزد اهل تحقیق تنها انسان و حیوانی ذی روح و جاندار نیستند بلکه در نباتات حتی جمادات هم نزد آنها روح و حیاتی ثابت است، و روشن است که آب در آفرینش و ایجاد و ارتقای همه این چیزها دخل بزرگی دارد. (۲)

هكذا آیت الله العظمی مکارم شیرازی پیرامون تفسیر آیه کریمه:

﴿أَوَلَمْ يَرِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ﴾
الأنبياء: ۳۰

چنین می نگارد: " در این که منظور از (رتق) و (فتق) پیوستگی، و جدائی که در اینجا در مورد آسمان ها و زمین گفته شده است، چیست؟

مفسران سخنان بسیار گفته اند که از میان آنها سه تفسیر، نزدیک تر به نظر می رسد و چنان که خواهیم گفت هر سه تفسیر ممکن است در مفهوم آیه جمع باشد. (۳)

۱- به هم پیوستگی آسمان و زمین، اشاره به آغاز خلقت است که طبق نظرات دانشمندان، مجموعه این جهان به صورت توده ی واحد عظیمی از بخار سوزان بود که بر اثر انفجارات درونی و حرکت، تدریجاً تجزیه شد و کواکب و ستاره ها از جمله، منظومه شمسی و کره ی زمین به وجود آمد و باز هم جهان در حال گسترش است.

۲- منظور از پیوستگی، یکنواخت بودن مواد جهان است به طوری که همه درهم فرو رفته بود و به صورت ماده واحد خود نمائی می کرد، اما باگذشت زمان، مواد، از هم جدا شدند، و ترکیبات جدیدی پیدا کردند، و انواع مختلف گیاهان، حیوانات و موجودات دیگر، در آسمان و زمین ظاهر شدند، موجوداتی که هر یک نظام مخصوص و آثار و خواص ویژه ای دارد، و هر

کدام نشانه ای است از عظمت پروردگار و علم و قدرت بی پایانش.

۳- منظور از به هم پیوستگی آسمان، این است که: در آغاز بارانی نمی بارید، و به هم پیوستگی زمین این است که: در آن زمان گیاهی نمی روئید، اما خداوند قادر و توانا این هردو را گشود، از آسمان باران نازل کرد و از زمین انواع گیاهان را رویانید.

بدون شک، تفسیر اخیر، چیزی است که با چشم، قابل رؤیت است که چگونه از آسمان باران نازل می شود زمین ها شکافته می شوند و گیاهان می رویند و با جمله ﴿أَوَلَمْ يَرِ الَّذِينَ كَفَرُوا﴾ آباکسانی که کافر شدند ندیدند... کاملاً سازگار است، و با جمله ﴿وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ﴾ نیز هماهنگی کامل دارد.

اما در مورد پیدایش همه موجودات زنده از آب که در ذیل آیه فوق به آن اشاره شده دو تفسیر مشهور است:

این که: ﴿الْمَاءِ﴾ در اینجا اشاره به آب نطفه است که موجودات زنده معمولاً از آن به وجود می آیند.

دیگر این که حیات همه ی موجودات زنده اعم از گیاهان و حیوانات به آب بستگی دارد، همین آبی که بالآخره مبدأ آن بارانی است که از آسمان نازل شد.

جالب این که: دانشمندان امروز معتقدند: نخستین جوانه ی حیات در اعماق دریاها پیدا شده است به همین دلیل، آغاز حیات و زندگی را از آب می دانند، و اگر قرآن آفرینش انسان را از خاک می شمرد، نباید فراموش کنیم منظور از خاک همان طین (گل) است که ترکیبی است از آب و خاک.

این موضوع نیز قابل توجه است که: طبق تحقیقات دانشمندان قسمت عمده ی بدن انسان و بسیاری از حیوانات را در حدود هفتاد درصد آب تشکیل می دهد.

و این که بعضی ایراد کرده اند آفرینش فرشتگان و جن با این که: موجودات زنده ای هستند، مسلماً از آب نیست، پاسخ

اش روشن است، زیرا هدف موجودات زنده ای است که برای ما محسوس است. (۴)

بلی! آسمان ها و زمین قبلاً به هم پیوسته بودند، (نه از آسمان باران می آمد و نه از زمین محصولات حاصل می شد). خداوند قادر و توانا به قدرت کامله خود این دو را از هم جدا نمود، و قتیکه این دو را از هم جدا نمود، زمین را فرش مسطح و هموار ساخت و آسمان را سقفی بر روی آن قرار داد، و از آسمان آب بارانید، طوری که قرآن کریم می فرماید:

﴿الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فُرْشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً﴾
البقرة: ۲۲

یعنی: " پروردگار ذاتی است که بخاطر شما زمین را چون فرش مسطح ساخت و آسمان را مانند سقفی بر روی آن قرار داد و از آسمان آب بارانید و توسط آن از عدم، غذا و میوه بیرون آورد."

بلی! خداوند متعال زمین را برای انسان فرش ساخته است، منظور این است که نه زمین بسان آب نرم است که نتوان بر آن استقرار یافت و نه مانند آهن و سنگ سخت و محکم است، بلکه میان آن دو بگونه ای ساخته شده که انسان بتواند در رفع کلیه نیاز ها از آن استفاده نماید.

دوم: اینکه الله تبارک و تعالی ذاتی است که از آسمان آب بارانید، با وجود اینکه برای بارانیدن آب از آسمان دلیلی وجود ندارد، که ابر در میان واسط نباشد، زیرا در محاوره به هر چیزی که از بالا به پایین بیاید می گویند از آسمان فرود آمده است.

خود قرآن کریم این مشعل فروزان و منبع هدایت عالم بشریت در مواضع متعددی به آمدن باران از ابرها تصریح فرموده است مثلاً: در آیه شصت و نهم سوره ی الواقعة که چنین می فرماید: ﴿أَنْتُمْ أَنْزَلْتُمُوهُ مِنَ الْمُزْنِ أَمْ نَحْنُ الْمُنْزِلُونَ﴾
الواقعه: ۶۹



یعنی: آیا شما آب باران را از ابر سفید فرو ریختید یا ما نازل ساختیم؟.

در آیه چهاردهم سورة النبأ می فرماید: ﴿وَأَنزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا﴾ النبأ: ۱۴

یعنی: "ما از ابرهای پرآب، آب روان نازل کردیم".

داکتر مصطفی خرم دل در مورد آیه کریمه ی ﴿أَوَلَمْ يَرِ الَّذِينَ كَفَرُوا﴾ الانبیاء: ۳۰

و به ویژه منظور از لفظ {رتق} چنین می نگارد: رتقاً چسپیده و متصل.

مصدر است و به معنی اسم مفعول، یعنی (مَرَّتَوْق) است. "فتقناهما" آن دو را از هم جدا و منفصل کردیم.

استعمال فعل مثنی (کانتا) و ضمیر مثنی (هما) به توجه به این است که مجموعه ی سماوات یک طرف، و خود

ارض یا زمین یک طرف در مدنظر بوده است. در این بخش اشاره ی گذرایی به

آغاز پیدایش جهان شده است ﴿وَمِنْ أَلَمَاءَ﴾ از آب. اشاره به پیدایش حیات در سواحل اقیانوسها و دریاها و

رودخانه ها است. به سبب آب. اشاره به این است که قسمت اعظم بدن

انسان و حیوان و گیاه از آب تشکیل و بدون آب تحولات و انفعالات داخلی آنها ناممکن است، و از سوی دیگر

قوام زندگی جانداران برآب است. (۵)

به هر حال آب نعمتی از نعمات الهی بوده که الله تبارک و تعالی آن را برای انسان ها ارزانی فرموده، است:

﴿وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ﴾ یعنی هرچیز زنده ای را از آب آفریدیم، بناءً

آب مایه حیات و یکی از نعمات الهی بوده است.

اما با تأسف فراوان که بسیاری از مردم به ارزش، قدر و قیمت این مایه حیات بشر بصورت دقیق و همه جانبه پی نبرده و اهمیت و ارزش این مایه حیاتی را دست کم گرفته، در حالی که در صورت عدم موجودیت آب زندگی مستحیل و ناممکن است.

بدین ملحوظ باید در مورد حفاظت و نگهداری و استعمال نمودن درست از

آب همه ما و شما کوشان باشیم، زیرا هرکدام ما و شما مسؤولیت داریم، همانطوری که در ملکیت آب بنابر

فرموده ی پیامبرگرامی اسلام سیدنا محمد مصطفی ﷺ که میفرماید:

(المسلمون شركا في ثلاث: في الكأ والماء والنار) (۶) مسلمانان درسه چیز باهم شریک هستند. در چراگاه، آب و آتش

همچنان در حفاظت و نگهداری مسؤولیت داریم، زیرا معلم و پیشوای عالم بشریت سیدنا و نبینا محمد مصطفی ﷺ هر کدام ما و شما را از ملوث،

آلوده ساختن و ناپاک نمودن آب منع نموده، طوریکه ایشان ارشاد میفرمایند:

(لا یبال فی الماء الراكد) (۷) هکذا از استفاده واستعمال بی جا و بی مورد و اسراف از آب جداً پرهیز کنیم و

نباید آب بیشتر از نیاز و ضرورت مان را در امور یومیه خویش به مصرف برسانیم،

زیرا اسراف در همه جا و در همه چیز حرام بوده و به ویژه در آب مخصوصاً در این برهه از تاریخ کشور، که ملت ما دارد

درین ایام با خشک سالی دست و پنجه نرم می کنند، کشت و زراعت و حتی

مواشی هموطنان عزیز ما در معرض خطر تلف شدن قرار گرفته و افزون بر آن آب

های زیر زمینی ما نیز کم شده و قرار سروی سکتورهای مربوطه، آب های زیر

زمینی کشور ما به اندازه بیست و دو متر به عمق زمین فرو رفته است.

بناءً باید و شاید و جداً در استعمال، حفظ و مراقبت آب سعی مبذول داشت

و از اسراف و مصرف بی جا و بی مورد جداً خود داری نمود، زیرا اسراف در هر احوال ناجائز و حرام است اگر انسان در کنار دریا هم باشد نباید اسراف کند.

در اینجا لازم می دانیم که واقعه ی را خدمت تان به عرض برسانم: روزی حضرت سعد بن ابی وقاص ﷺ در مکانی مشغول گرفتن وضوء درحالی بود که

اندکی در استعمال آب وضوء زیاده روی می کرد، در همان لحظه گذر معلم

و پیشوای عالم بشریت سرور کائنات حضرت رسول الله ﷺ شده و این صحنه را از نزدیک مشاهده نمودند، فوراً

حضرت سعد ﷺ را مخاطب قرار داده و فرمودند: (ما هذا الإسراف؟) (۸)

حضرت سعد ﷺ عرض نمود: ای پیامبر خدا (أفی الوضوء اسراف؟) آیا در آب وضوء هم اسراف است؟ نبی مکرم اسلام فرمودند:

(نعم و إن كنت علی نهرجار) رواه ابن ماجه. بناءً طوریکه قبلاً تذکر دادیم آب نه

تنها مایه حیات برای انسانها است، بلکه مایه حیات برای تمامی مخلوقات،

ذی روح و جنبندگان بوده، بایست در استعمال، حفاظت و مراقبت آن حتی

المقدور سعی به خرج دهیم، اعضای فامیل، دوستان و سایر هموطنان عزیز

خود را از اهمیت، ارزش، قدر و قیمت آب و از ملوس کردن آن آگاه سازیم تا

هرکدام مسؤولیت ایمانی و وجدانی خویش را در این قبال (حفاظت،

مراقبت و استعمال درست از آب) اداء نمایند.

منابع:

(۱) معارف القرآن ص ۱۷۳-۱۷۵.

(۲) نمونه ج ۱۳ ص ۴۳۲

(۳) فخررازی بحواله تفسیر نمونه.

(۴) تفسیر نور- داکتر مصطفی خرم دل.

(۵) راه ابو داود.

(۶) رواه السنن الکبری باب النهی

عن البول فی الماء الراكد.

(۷) سن ابن ماجه.



زنگار اعمال صالحه



مولوی عبدالعظیم جہیر

قسمت دوازدہم:

امانت و عدالت

امانت و عدالت از دیدگاه اسلام، یک بحث محوری حساس و کلیدی بوده و تأثیر این دو، در روند اعمال اوامر اسلامی بسی فراگیر، جامع و کلی می باشد. امانت سراسر احکام اسلامی و تکالیف شرعی را در احتوا می گیرد و عدالت نیز هدف از ارسال انبیاء و انزال کتب سماوی بوده است.

به هر سطحی که ایمان و عدالت در متن زندگی، اشتغالات و تعامل مردم نقش زنده و مرئی داشته باشد، امانتداری، درستکاری، باورمندی، قسط و انصاف تجلی بیشتر یافته و فرهنگ قناعت و خویشستن داری بر بنیاد حق بینی، عرصه تعامل و اجراات را در پوشش می گیرد.

قرآن کریم می فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُم بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا﴾
النساء: ۵۸

ترجمه: بیگمان خداوند به شما (مؤمنان) دستور می دهد که

امانتها را (اعم از آنچه خدا شما را در آن امین شمرده، و چه چیزهائی که مردم آنها را به دست شما سپرده و شما را در آنها امین دانسته اند) به صاحبان امانت برسانید، و هنگامی که در

میان مردم به داوری نشستید این که دادگرانه داوری کنید. (این اندرز خدا است و آن را آویزه گوش خود سازید و بدانید که) خداوند شما را به بهترین اندرز پند می دهد (و شما را به انجام نیکی هائی خواند) بیگمان خداوند دائماً شنوای (سخنان و) بینای (کردارتان) بوده و می باشد (و می داند چه کسی در امانت خیانت روا می دارد یا نمی دارد، و چه کسی دادگری می کند یا نمی کند).

بدون شک این دو امر که ابعاد گسترده و توسع قابل ملاحظه دارند هر گاه در سطوح دولت ها و نظام ها و در تعاملات فامیلی، محلی و منطقوی رعایت شود همه زوایا و گوشه های زندگی، سازندگی و خجسته گی می یابد و جور و بیعداد و شکوه و جفا از جایی سربر آورده نمی تواند.

بناء چه زیبا و مقبول است تا در قسمت هریکی از امانت و عدالت با در نظر داشت بساط علمی و حوصله این مختصر تا حدودی بحث شود.

تعریف امانت

امانت و ایمان صیاغاً مبدأ واحد دارند یعنی هریکی از امانت، امان و امن مصادر ثلاثی مجرد بوده و ایمان از ریشه امن، مصدر ثلاثی مزید است و هكذا در بُعد معنا و مفهوم نیز مؤلف یگانه دارند.

در حدیث مبارک آمده است:
[لا ایمان لمن لا امانة له] «۱»

ترجمه: کسیکه امانت ندارد ایمان ندارد. بناء تشکل و ذات کلمه ایمان، هم از حیث لغوی و صنع اشتقاق و هم از دید افاده معنوی با امن و امانت رابطه ناگسستنی داشته و بیانگر مقام شامخ امانت می باشد و ضمناً می رساند که بود و نبود هریکی از ایمان و امانت گویای وجود یا عدم دیگری است.

شان و عظمت امانت:

﴿إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا﴾
الأحزاب: ۷۲

ترجمه: ما امانت (اختیار و اراده) را بر آسمانها و زمین و کوه ها (و همه جهان خلقت) عرضه داشتیم (و انجام وظیفه اختیاری همراه با مسؤولیت، و انجام وظیفه اجباری بدون مسؤولیت را به ایشان پیشنهاد کردیم. جملگی آنها اجبار را بر اختیار برتری دادند) و از پذیرش امانت خود داری کردند و از آن ترسیدند، و حال این که انسان (این اعجوبه جهان) زیر بار آن رفت (و دارای موقعیت بسیار ممتازی شد. اما برخی از) آنان (پی به ارزش وجودی خود نمی برند و قدر این مقام رفیع را نمی دانند) و واقعاً ستمگر و نادان اند.

﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا﴾
بیگمان خداوند به شما (مؤمنان)



دستور می دهد که امانتها را (اعم از آنچه خدا شما را در آن امین شمرده، و چه چیزهایی که مردم آنها را به دست شما سپرده و شما را در آنها امین دانسته اند) به صاحبان امانت برسانید. خطاب الهی در این آیه شامل تمام مردم در تمام امانتها می شود، پس این خطاب، هم ادای فرایض و تکالیف را که امانت حق تعالی بر دوش انسان است و هم امانت عادی در میان مردم را در برمی گیرد اما زمامداران از نخستین مخاطبان آیه کریمه و در پیشاپیش آنان قرار دارند. ^{۲۲}

انبیاء علیهم السلام امین بوده اند

حضرت نوح، هود، صالح، لوط، شعیب و موسی علیهم السلام خود هارا به مردم بحیث امین معرفی نموده اند. قرآن کریم چنین فرموده است:

﴿كَذَّبَتْ قَوْمُ نُوحٍ الْمُرْسَلِينَ إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ نُوحٌ أَلَا نُنْقِذُكُمُ إِلَى لَكُمْ رَسُولٍ أَمِينٍ﴾ الشعراء: ۱۰۵ - ۱۰۷

ترجمه: قوم نوح پیغمبران را تکذیب کردند زمانی که هم نژادشان نوح به ایشان گفت: هان! پرهیزگاری کنید. قطعاً من برای شما پیغمبر امینی هستم. ﴿كَذَّبَتْ عَادُ الْمُرْسَلِينَ إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ هُودٌ أَلَا نُنْقِذُكُمُ إِلَى لَكُمْ رَسُولٍ أَمِينٍ﴾ الشعراء: ۱۲۳ - ۱۲۵

ترجمه: قوم عاد پیغمبران (خدا) را تکذیب کردند (و دروغگو نامیدند) بدان گاه که برادرشان هود به ایشان گفت: هان! تقوا پیشه کنید (و پرهیزگار باشید، و از عذاب خدا بپرهیزید) من پیغمبر امینی برای شما هستم. ﴿كَذَّبَتْ ثَمُودُ الْمُرْسَلِينَ إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ صَالِحٌ أَلَا تَتَّقُونَ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ﴾ الشعراء: ۱۴۱ - ۱۴۳

ترجمه: قوم ثمود پیغمبران را دروغگو نامیدند (و از آنان فرمانبرداری نکردند) آن زمان که برادرشان صالح به ایشان گفت: آیا تقوا پیشه نمی سازید؟ (و از خدا نمی ترسید؟) من بی گمان برایتان پیغمبر امینی هستم. ﴿كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ الْمُرْسَلِينَ إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ لُوطٌ أَلَا نُنْقِذُكُمُ إِلَى لَكُمْ رَسُولٍ أَمِينٍ﴾ الشعراء: ۱۶۰ - ۱۶۲

ترجمه: قوم لوط پیغمبران را دروغگو نامیدند (و از ایشان پیروی نکردند) آن زمان که برادرشان لوط به ایشان گفت: هان! پرهیزگاری کنید. بی گمان من پیغمبر امینی برای شما هستم.

﴿كَذَّبَ أَصْحَابُ الْمِرْثَلِ إِذْ قَالَ لَهُمْ شُعَيْبٌ أَلَا نُنْقِذُكُمُ إِلَى لَكُمْ رَسُولٍ أَمِينٍ﴾ الشعراء: ۱۷۶ - ۱۷۸

ترجمه: ساکنان آئیکه پیغمبران را دروغگو نامیدند (و از ایشان پیروی نکردند) هنگامی که شعیب به ایشان گفت: هان! پرهیزگاری کنید. مسلماً من برای شما پیغمبر امینی هستم.

حضرت موسی علیه السلام به امین بودن توصیف شده است:

﴿قَالَتْ لِحَدِيثِهِمَا يَبَيِّنُ أَسْتَجِرَهُ رَبِّي خَيْرٌ مِنْ أَسْتَجِرَتِ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ﴾ القصص: ۲۶

ترجمه: یکی از آن دو دختر گفت پدرجان او را استخدام کن چرا بهترین کسی است که میتوانی استخدام کنی هم نیرومند است و هم امین است.

محمد صلی الله علیه و آله قبل از بعثت نیز امین بودند

رسول کریم صلی الله علیه و آله که آخرین و بزرگترین امانت به او سپرده شده بود، قبل از بعثت نیز به لطف و انعام الله تعالی در بین قوم و ماحول خود به صفت امین شهرت یافته بود.

در ساختمان جدید خانه کعبه میان مردم در کسب امتیاز جابجا نمودن حجرالاسود اختلاف پیدا شد و قریب به درگیری گردید، ابو امیه بن مغیره مخزومی پیشنهاد کرد تا اولین کسی را که در مسجد الحرام داخل شود درین منازعه حکم قرار دهند همان بود که به خواست و مشیت خدا، پیامبر صلی الله علیه و آله در مسجد الحرام داخل شده وضعیت و گزارش را دیدند بعد عبائی را خواسته، حجرالاسود را در آن گذاشتند و سران قبایل را به گرفتن اطراف عبا تفهیم کردند همینکه حجرالاسود به موضع اش نزدیک ساخته شد آن حضرت حجرالاسود را برداشته و در جایش گذاشتند و با این تدبیر حکیمانه که مورد

پذیرش همگانی بود مشاجره پایان یافت. ^{۲۳}

بیگ وحی الهی، امین است

از آنجاکه وحی بزرگترین امانت است حامل وحی از طرف آسمان به سوی زمین را نیز الله تعالی به صفت امین یاد کرده است: ﴿نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ﴾ الشعراء: ۱۹۳

ترجمه: جبرئیل آن را فرود آورده است. ﴿الرُّوحُ الْأَمِينُ﴾ لقب جبرئیل علیه السلام است. ^{۲۴}

﴿إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ مُطَاعٍ ثَمَّ أَمِينٍ﴾ التکوین: ۱۹ - ۲۱

ترجمه: این قرآن، کلام (خدا و توسط) فرستاده بزرگواری (جبرئیل نام، برای محمد پیغمبر اسلام، روانه شده) است. او (در ادای مأموریت خود توانا و) نیرومند است، و نزد خداوند صاحب عرش دارای منزلت و مکانت والائی است. او در آنجا (که ملکوت اعلی و عالم فرشتگان است) فرمانروا، و (در کار ابلاغ وحی و پیام الهی) امین و درستکار است.

رعایت امانت وصف مؤمنین رستگار است

قرآن عظیم الشأن در عداد صفات مؤمنین رستگار شده، رعایت امانت را نیز چنین فرموده است: ﴿وَالَّذِينَ هُمْ لَا يُكَلِّمُهُمْ وَعَهْدُهُمْ رُحُونَ﴾ المؤمنون: ۸

ترجمه: و کسانی اند که در امانتداری خویش امین و در عهد خود برسر پیمان اند.

مردان و زنان مسلمان، در برابر امانت با آن گسترش و احتوایی که دارد مسئولیت دارند و هردو صنف 

مکلف به امانت داری اند، زنان مسلمان که به مثابه نیم پیکره 

جامعه انسانی در هر زمان و مکانی وجود محسوس، ضروری 

و لازمی دارند متحمل این امانت هستند بایست هر چه بیشتر و بهتر این اصل عظیم را 

در همه رخداد ها و مراحل زندگی نصب العین قرار دهند 

و پیوسته به رعایت این امر 

سترگ اهتمام شایان داشته و بکوشند تا پروا داشتن به این موضوع جلیل از نزد شان فوت نشود زمانی که مردان و زنان حد اکثر تلاش و توجه خویش را درین راستاء مبذول بدارند و از آخرین حد مقدور و استطاعت در روند تحقق مأمول خویش در باب امانت کار بگیرند همه اطراف و اکناف ملک و سراسر قلمرو با این زیبایی آراسته می شود.

فرزندانی که درخانه نشو و نما می نمایند مواهبی از طرف پروردگار استند و باید به حیث امانت، با آنها تعامل و توجه شود تا ضایع نگردند و از مسیر فطرت و دعوت اسلامی بصوب دیگری روان نشوند.

البته مسئولیت پدران و مادران در قسمت حفظ و وقایه این امانت نهایت حاد و حساس می باشد.

امانت یک بحث وسیع بوده ماهیت امر و ژرفنای آن را نمی توان درین جمله ها و صفحات کوتاه گنجانید و اگر تاحدودی هم ابهت و وسعت امانت به تعریف و تفصیل گرفته شود فصول مبسوط و دیوان های حجیمی را ایجاب می نماید. بناءً درین مقطع، مقداری به عظمت و سنگینی امانت روشنی انداخته شد تا زنان مسلمانی که تعهد مندی خویش را درین راستا خوبتر می دانستند و بالمواظبه عمل بر اقتضای امانت داشته اند به معلومات شان افزایش و تأکید شود و آنانی که به شرح و معلومات ضرورت دارند اینک اهمیت مسئله را بدانند و با توجه بیشتر به امانتداری خویش، تأثیر پررنگی در سیالیت و فلاح جامعه داشته باشند و ازین سلسله اعمال صالحه خویش را افزایش بخشیده و به تیار نمودن توشه و تقدیم حسنات به فردای محشر پردازند.



عدالت

موقعیت عدالت در اسلام به

سطحی غنی، پرمحتوا، و بنیادی است که هدف اصلی از فرستادن انبیاء علیهم السلام و نزول کتابهای آسمانی، آماده ساختن مردم بر اقامه عدل و انصاف است. قرآن عظیم الشان میفرماید:

﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ...﴾
الحديد: ۲۵

ترجمه: ما پیغمبران خود را همراه با دلائل متقن و معجزات روشن (به میان مردم) روانه کرده ایم، و با آنان کتابهای (آسمانی و قوانین) و موازین (شناسائی حق و عدالت) نازل نموده ایم تا مردمان (برابر آن در میان خود) دادگرانه رفتار کنند.

تأمین عدالت امر خداوند جل جلاله است

﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَنِ وَإِيتَايَ ذِي الْقُرْبَىٰ...﴾
النحل: ۹۰

ترجمه: خداوند به دادگری، و نیکوکاری، و نیز بخشش به نزدیکان دستور می دهد.

﴿وَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَا تُكَلِّفُ نَفْسًا وِثْرًا وَلَا وُسْعًا...﴾
الأنعام: ۱۵۲

ترجمه: و پیمانه و ترازو را به تمام و کمال و دادگرانه مراعات دارید و (نه کم و زیاد بدهید و نه کم و زیاد دریافت کنید در حد توانائی انسانی خود در این باره بکوشید و بدانید که) ما هیچ کسی را به انجام چیزی جز به اندازه تاب و توانش موظف نمی سازیم.

﴿قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ...﴾
الأعراف: ۲۹

ترجمه: بگو پروردگارم، امر به عدالت کرده است. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ...﴾
النساء: ۱۳۵

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید! دادگری پیشه سازید و در اقامه عدل و داد بکوشید،

عدالت نزدیکترین شیوه به تقوا

تقوا یگانه خصلتی است که محک تفوق و برتری در دین نورانی اسلام شناخته شده و سلیقه و شیوه عدالت قریب ترین راه به تقوا معرفی شده است، قرآن

کریم میفرماید:

﴿اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ...﴾
المائدة: ۸

ترجمه: دادگری کنید که دادگری (به ویژه با دشمنان) به پرهیزگاری نزدیکتر (و کوتاه ترین راه به تقوا و بهترین وسیله برای دوری از خشم خدا) است.

خداوند جل جلاله مقسطین را دوست دارد

﴿وَأَقْسَطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾
الحجرات: ۹

ترجمه: و عدالت بکار برید، چرا که خدا جل جلاله عادلان را دوست دارد.

با این جایگاه و ابعادی که عدالت دارد برپا داشتن آن یک امر همگانی است هرکس در ساحه کار و در محدوده توان خویش به تأمین عدالت موظف است، و این امر تنها وظیفه دادگاه و دولت نیست بلکه هر مسلمان مکلف به تطبیق و تعمیم آن است، مع ذالک، روی اقتضای این اصل که مسئولیت مطابق استطاعت است، رعایت عدل از وظایف مهم دولت است زیرا که دولت دارای قدرت است، و قدرت بستر خوبی برای اقامه عدل.

بنأ در همه ابعاد و پهلوی های زندگی، مردان و زنان متعهد اند تا تعمیم و اجرای عدالت را علی الدوام در نظر داشته باشند.

عدالت در گفتار

قول و سخن که ظرف تبادل نظریات و تعاطی افکار است ادای شهادت و ارائه احوال و قضایا و شرح جریانات در ابعاد مختلف با آن انجام میشود و بخش عمده معاملات زندگی را تشکیل میدهد، باید عدالت مندانه باشد.

قرآن کریم میفرماید: ﴿وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ...﴾
الأنعام: ۱۵۲

ترجمه: و هنگامی که سخنی (در کار داوری یا گواهی و یا راجع به روایت و خبری) گفتید، دادگری کنید (و از حق منحرف نشوید) هرچند (کسی که سخن به نفع یا به زیان او گفته می شود) از خویشاوندان باشد.

عدالت در نوشتار: ﴿وَلْيَكْتُبْ بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ...﴾ البقرة: ۲۸۲

ترجمه: و باید نویسندگانی دادگرانه آن را بنویسد.

عدالت در قضاوت و حکم: ﴿وَإِذَا حُكِمَ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ...﴾ النساء: ۵۸

ترجمه: و هنگامی که در میان مردم به داوری نشستید این که، دادگرانه داوری کنید.

﴿وَإِنْ حُكِمْتَ فَأَحْكُم بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ...﴾ المائدة: ۴۲

ترجمه: ولی اگر در میانشان داوری کردی دادگرانه داوری کن.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَتَاؤُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا...﴾ المائدة: ۸

ترجمه: ای مؤمنان! برادای واجبات خدا مواظبت داشته باشید و از روی دادگری گواهی دهید، و دشمنانگی قومی شما را بر آن ندارد که (با ایشان) دادگری نکنید.

جایگاه عدالت پیشگان در قیامت

تأمین عدالت باعث آرامش روح و روان عمومی بوده و آرامش و آسایش مردم دنباله و نتیجه آن است.

به همانگونه ای که در سایه وجود پادشاه عادل، مخلوق احساس امنیت می کنند، ایمه عادل هم در فردای محشر به سایه عرش پروردگار، دعوت می شوند.

[سَبْعَةٌ يُظِلُّهُمْ اللَّهُ فِي ظِلِّهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ الامام العادل...] «۵»

ترجمه: هفت کس است که خداوند آنان را روزی در زیر سایه اش نگاه میکند که در آن روز غیر از سایه او، سایه دیگری وجود ندارد. آنها عبارتند از امام و زمامدار عادل ...

[ان المقسطين عند الله على منابر من نور عن يمين الرحمن عز وجل وكلنا يديه يمين، الذين يعدلون في حكمهم وأهلهم وما ولوا] «۶»

ترجمه: عادلان در روز قیامت بر منبرهای نور قرار دارند آن کسانی که در حکومت شان و قضاوت شان و اهل و عیال شان و برجیزی که متولی شده اند عدالت میکنند.

اگر امانت و عدالت بگونه ای که ارشاد قرآن و سنت است درک و رعایت شود شکوه و ناله ای به سمع نه خواهد رسید.

هان در زمان رسد مژده امان گرسالکی به عهد امانت وفا کند

ساقی به جام عدل بده باده تا گدا غیرت نیاورد که جهان پربلا کند «۷»

از آنجا که ارسال پیغمبران، تنزیل کتب سماوی و میزان به خاطر اقامه عدالت بوده مسلماً تقویم عدالت، اشاعه انصاف و رعایت قسط، با توجه به موقعیت های اجتماعی و حدود مسئولیت ها مربوط به مردان و زنان است، زنان مسلمان می توانند از راه تطبیق و تأمین عدالت در عرصات مشروع کاری خویش به تقوا نزدیک شوند و به ازدیاد عمل صالحه بپردازند و این آگاهی را داشته باشند که عدالت بهترین شیوه و قوی ترین راهبرد بسوی محاسن و ارزشهای بوده که نتایج و پیامد آن عافیت مستمر و افتخار مستدام می باشد.

در پرتو آیات قرآن عظیم الشان و ارشادات رسول اکرم ﷺ، جایگاه مشرف و پردرخشش امانت و عدالت، برجسته گی، فراگیری و شمولیت تأثیرات آن به ایضاح رسید بناءً در نظر داشت و نصب العین داشتن امانت و عدالت، وسیع ترین جولانگاه و بهترین بستر برای رشد و انکشاف اعمال صالحه و اجرای آن در گوشه ها و زوایای زندگی است زیرا امانت و عدالت در هر جنبه ای از جوانب زندگی و تعاملات حیاتی و باهمی به نوعی نفوذ دارد، اندکی تأمل به ما می رساند که در کلیه شئون و اجزای معیشت و برنامه های مؤمنین از بام تا شام در حوزه رسمی و خصوصی و مردمی و شخصی به امانتداری و عدالت شعاری مواجه می شویم زیرا از ظریف ترین مسایل خانوادگی تاحاد ترین و جامع ترین موضوعات ملی و اجتماعی، از مشوره و تعاطی نظر میان دو نفر تا عالی ترین نشستها، قرارداد ها و موثقیق، از آمریت و مأموریت تا حفظ ذخایر بیت المال و دفاع از نوامیس و افتخارات مسلمانان همه به امانت و عدالت ارتباط می گیرد.

بناءً زنان مسلمان با هر اندازه اهتمامی که داشته اند بیشتر و بهتر به این قله شامخ و نکات بارز توجه جدی داشته باشند و

دید خویش را به توسع امانت و عدالت مندی برسانند و در هرجریان و پیش آمد، این دو اصل دینی و ارشاد قرآنی را دستور کار قرار دهند و سرپرده هریکی از موضوعات زندگی را ازین زاویه بررسی نمایند که تا کدام سطح به امانت و عدالت پیوند دارد و بارعایت این اصول چگونه می توان به موفقیت و برجستگی و میمنت دست یافت.

ادامه دارد...

مأخذ و مراجع

۱. شعب الایمان تألیف الامام ابی بکراحمد بن الحسین البیهقی المتوفی سنة ۴۵۸ هـ - قالطبعة الاولى ۱۴۲۵ ق ۲۰۰۴ م مکتبه نزار مصطفى الباز المملكة العربية السعودية - مكة المكرمة، حدیث شماره - ۵۲۵۴ باب: فی الامانات وما يجب من ادائها الى اهلها.
۲. تفسیر انوار القرآن جلد اول صفحه ۶۰۷ ترتیب و ترجمه، عبدالرؤف مخلص چاپ دوم سال ۱۳۸۳ هـ - ش ناشر: انتشارات شیخ الاسلام احمد جام.
۳. خورشید نبوت، ترجمه فارسی رحیق المختوم، صفحه ۱۲۸ - ۱۲۹ - مؤلف صفی الرحمن مبارکپوری، برگردان محمد علی لسانی فشارکی چاپ سوم ۱۳۸۸ - تهران - نشر احسان.
۴. تفسیر نور، صفحه ۷۸۸ تألیف داکتر مصطفى خرم دل ناشر: نشر احسان چاپ دهم سال ۱۳۹۳ هـ ش چاپخانه اسوه.
۵. صحیح المسلم، حدیث شماره - ۱۰۳۱ کتاب الزکوة، باب: فضل اخفاء الصدقة.
۶. صحیح المسلم، حدیث شماره - ۱۸۲۷ کتاب الامارة باب: فضیلة الامام العادل وعقوبة الجائر والحث على الفرق بالرعية والنهي عن ادخال المشقة عليهم.
۷. خواجه شمس الدین محمد حافظ شیرازی.



وَلَا تَتَّبِعُوا آيَاتِي إِلَى الْتَهْلُكَةِ وَاحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ

سگرت و مضرت آن



مولوی عنایت اللہ شریفی

قسمت اول:

در اثر آن می‌میرد». کشورهای بزرگ با نگرانی و اضطراب بسیاری با بیماریهای واگیردار روبه‌رو می‌شوند، اگر وبا در یکی از این کشورها شیوع یابد، مسؤولین صحت از عهده‌ی آن برنمی‌آیند و فرار را برقرار ترجیح می‌دهند. اما چرا در آغاز با این حساسیت با آسیب‌ها و زیان‌های سگرت مبارزه نمی‌کنند؟ پاسخ این است که آثار زیان‌بخش در آغاز به روشنی خود را نشان نمی‌دهد، مگر پس از بیست و پنج سال، و در واقع خطر این جاست؛ چراکه نشانه‌های ویران‌گر آن با گذشت یک ربع قرن ظاهر می‌گردد، جوانان تنباکو می‌کشند و نمی‌دانند چه کار می‌کنند؛ اما بیست سال بعد آثار سهمناک آن بروز می‌کند، و انسان در سرشتش چنان است که باید مستقیماً خطر را ببیند و هشدار به خطرهای آینده را گوش نمی‌دهد. در بخشهایی از این گزارش آمده که یک فلیته سگرت به نسبت عمر سرخ‌رگها و تصلب آن به میزان وقتی که سگرت کشیدن طول می‌کشد، از عمر انسان کم می‌کند. با این حساب اگر انسان روزی بیست فلیته سگرت بکشد نه به حساب ما مسلمان‌ها بلکه براساس نرمی و انعطاف‌پذیری سرخ‌رگها و تصلب آن پنج سال از عمرش کم می‌شود. بچه‌های

مستقیماً به داخل شاه‌رگ تزریق گردد، می‌تواند انسان را کاملاً مریض سازد و تن درستی را از وی گیرد و از پای درآورد. سازمان بهداشت جهانی نیز گزارش بلند بالایی در سال ۱۹۷۵ منتشر کرده که در بخشی از آن گزارش آمده است شمار کسانی که بر اثر استفاده سگرت می‌میرند یا زندگی ایشان تباه می‌گردد، بیشتر از تمام کسانی است که بر اثر مرض طاعون، وبا، آبله، سل، جزام، تیفوئید و تیفوس و غیره امراض می‌میرند، و میزان تلفات بر اثر سگرت بیشتر از میزان در گذشته گان بر اثر تمام بیماریهای ساری‌واگیر دارتر است، این مطلب در بخشی از گزارش سازمان صحت جهانی آمده بود. از طرفی جمع کل درآمدی که دولت‌های بزرگ از مالیات‌های هنگفت تولید سگرت به دست می‌آورند، بسیار کمتر از مصرف و هزینه‌هایی است که برای درمان (تداوی) بیماریهای ناشی از آن خرج می‌کنند. میزان مالیاتهایی که از مصرف کنندگان سگرت می‌گیرند هر چه باشد، کمتر از مبلغی است که در راه بیماریهای ناشی از سگرت هدر می‌رود. یک مجله‌ی پزشکی بریتانیایی در سال ۱۹۷۸ این مطلب را چاپ کرد: «از هر سه نفر سگرتی، یک نفر

سگرت کشیدن بیماری‌های را بار می‌آورد که خطرناکترین مبتلایان جهان کنونی از اثر آن می‌باشد و در مورد کتابی تحت عنوان «سگرت کشیدن خطرناکترین بیماری واگیردار جهان» که در بازار هاشاید قابل دست یافت باشد. اگر چند زمانش کمی قبل از سال ۲۰۰۰ است اما قابل مقایسه و درک در هر زمان می‌باشد. ممکن کسی بگوید در این عنوان مبالغه شده؛ اما اگر حقیقت‌های ذکر شده در این کتاب را اگر خود ببینید، دیگر آن را مبالغه نخواهد دانست، مجله‌ای چاپ سویس پس از انجام یک آمارگیری دقیق در سال ۱۹۷۸ نوشت «شرکتهای تنباکو به میزان دو فلیته سگرت را برای هر نفر در جهان تولید می‌کند». جمعیت جهان بالاتر از شش میلیارد نفر است، بنابراین شرکتها روزانه دوازده میلیون فلیته سگرت تولید می‌کند. مقدار مواد سمی موجود در این اندازه سگرت اگر به یکباره مستقیماً در خون ریخته شود، می‌تواند تمام نژاد بشر را ریشه‌کن سازد، و تأثیری بیشتر و مخرب‌تر از بمب اتم خواهد داشت. بنابراین گزارش گفته اگر مقدار مواد سمی فلیته‌های سگرت جدا شود و



شیرخواری که در اتاقهای پر از دود سگرت بزرگ می‌شوند، نسبت به آنهایی که در اتاقهای پاک و تمیز و با هوای سالم زندگی می‌کنند، بیشتر در معرض بیماریهای التهاب ریه (شش) و انواع برونشیت قرار می‌گیرند. بر این اساس پدرانی که سگرت می‌کشند، به بچه‌های خردسالشان زیان‌های بزرگی می‌رسانند، این یک اصل طبیی ثابت شده است. دولت‌ها، شرکت‌های سگرت سازی را مجبور می‌کنند که بر روی قطی بنویسند: «سگرت کشیدن برای سلامتی زیان آور است». اما سازمان صحت جهانی تمام شرکت‌ها را مجبور کرد که بنویسند بر قطی‌های سگرت: «سگرت کشیدن موجب سرطان ریه، التهاب مزمن مری و لختگی خون می‌شود». دانشمندان می‌گویند کاغذهای سگرت حاوی موادی مانند باز سمی و در رأس آن نیکوتین است. مقدار یک گرم نیکوتین می‌تواند بلافاصله و در مدت اندکی یک سگ را بکشد، و یک قطره از آن در چشم موشی بریزند، در حال می‌کشد، هشت قطره از آن را زیر پوست اسب تزریق کنند، در طول چهار دقیقه آن را از پای در می‌آورد، این مطلب، واضح و بدیهی است و هیچ شکی در آن نیست، در پژوهشهایی که سابق بر این انجام شده، این‌ها کشف شده است. در سگرت سم ویا زهری دیگری هم وجود دارد که دوصد برابر بیشتر از آن است که سازمان‌های صحت و کمیته‌های صحت در صنایع غذایی مجاز دانسته‌اند. یک نوع زهر دیگر هست که کارکرد گلبول‌های خون سرخ را ضعیف می‌کند، واین سم اولین اکسید زغال سنگ است که با گلبول‌های سرخ متحد می‌شود و شخص را خسته می‌کند. دو نوع گاز سمی سرطان آور هم در سگرت وجود دارد که خود حاوی زغال سنگ‌های سرطان‌زا است. این پژوهش و تحقیق علمی از موثق‌ترین

منابع گرفته شده است. یک آمار ویاسروی رسمی در آمریکا نشان می‌دهد که روزانه به علت دود سگرت هزار نفر جان می‌دهد، که این آمار هفت برابر شمار کسانی است که در حادثه‌های ترافیگی و بر اثر تصادفات کشته می‌شوند. بنابراین سازمان صحت جهان اعلام کرده است که: «سگرت کشیدن یکی از عوامل قطعی بیماری‌های مرگبار است».

اکنون یکی یکی سیستم‌های بدن و رابطه‌ی آن با سگرت را که از مقاله‌ای ارزشمند از دکتر نزاردفر گرفته‌ایم، از نظر می‌گذرانیم. این مقاله در مجله‌ی «نهیج الاسلام» چاپ شد. **مغز و اعصاب:** مغز انسان باهوش‌ترین عضو بدن است. صد و چهل میلیارد سلول اساسی که هنوز وظیفه‌اش شناسایی نشده، در آن است. علاوه بر آن، چهارده میلیارد سلول پوسته‌ای دارد که حوزه‌ی فعالیت فکری انسان است. این عضو زیرک که نتوانسته خود را بشناسد، پیچیده‌ترین عضو بدن انسان و در واقع پیچیده‌ترین دستگاه هستی است، و کرامت انسان به خاطر این عضو است و به آن بستگی دارد. اما سگرت چه بلایی بر سرمغز می‌آورد؟ سم‌های حل شده در خون وقتی به مغز می‌رسد، مغز آن را به آسانی و با حرص هر چه بیشتر می‌رباید، و در آن وقت اندکی احساس سستی و بی‌حسی به انسان دست می‌دهد، نیکوتین حل شده در خون که به مغز می‌رسد، گاهی احساس بی‌حسی و بی‌خوابی، خواب‌آلودگی و گاهی احساس خوشی و نشاط به شخص دست می‌دهد. بنابراین دود در یک زمان آرام‌بخش و بی‌حس‌کننده است و گاهی هم فعال‌کننده، و راز اعتیاد در همین نکته نهفته است. این سم (زهر) در مغز رونند (فعالیت) تغذیه‌ی اعصاب را ضعیف می‌کند، و

در نتیجه دچار التهاب می‌شود. از دیگر آثار آن در اعصاب لرزش استخوانهای پهلوی (بغل) است، و همچنین دست و پاها به لرزه می‌افتد، التهاب مغز به خاطر ضعف گردش خون در آن است، و نیز دچار سردرد و دردهای عصبی دیگر در اطراف می‌شود. دود همچنین حافظه را نیز ضعیف می‌کند، و شخص در نتیجه فراموش کار می‌شود. از جمله علایم عصبی سگرت کشیدن سست شدن فعالیت ذهنی است، و کسی که سگرت نمی‌کشد از آن کسی که می‌کشد باهوش‌تر و حاضر جواب‌تر است. به علاوه حس ذائقه‌ای سگرتی‌ها بیشتر اوقات ضعیف می‌شود. نتایج یک پژوهش وریسرج علمی با بررسی شش هزار و هشتصد حالت مختلف نشان می‌دهد که رابطه‌ی آشکاری بین دود سگرت و ضعف هوش هست. **دستگاه تنفس:** دانشمندان می‌گویند: زیان‌های سگرت کشیدن در درجه‌ی اول شامل دستگاه تنفسی می‌شود، که بیشترین تأثیر بد را از آن می‌گیرد؛ زیرا این دستگاه مانند خوشه‌ی انگور است، که هر دانه‌ای از آن یک کیسه‌ی هوایی است، و کیسه خالی است، و در آن گاز زغال سنگ با اکسیژن جابه‌جا می‌شود. یک مبادله‌ی زنده و بسیار اساسی، سپس باید پرسید سگرت کشیدن در این کیسه‌های هوایی چه وضعیتی را ایجاد می‌کند؟ به بافتهای مهیا شده برای رشته‌های ریوی آسیب می‌رساند. کارهای تنفسی را هم ضعیف می‌سازد و منجر به التهاب مزمن بینی و گلو و التهاب حنجره و مری می‌شود. نسبت سرطان در سگرتی‌ها بیست برابر آن در غیر سگرتی‌ها است. سگرت کشیدن وسایل دفاع از



جمعیت جهان بالاتر از شش میلیارد نفر است، بنابراین شرکتها روزانه دوازده میلیون فلیته سگرت تولید می کنند. مقدار مواد سمی موجود در این اندازه سگرت اگر به یکباره مستقیماً در خون ریخته شود، می تواند تمام نژاد بشر را ریشه کن سازد، و تأثیری بیشتر و مخرب تر از بمب اتم خواهد داشت.

غده‌ی فوق کلیوی (گرده) می فرستد تا پنج هورمون (ژن) ترشح کند. اولی سرعت ضربان قلب را بالا می برد؛ دومی جهش ریه‌ها (شش ها) را زیاد می کند؛ سومی رگهای بزرگ را گشاد می کند تا خون به عضله‌ها و پوست برود، چهارمی میزان قند خون را بالا می برد و پنجمی هورمون لختگی (بستگی خون) را بیشتر می کند. تمام این کارها توسط هورمون آدرنالین که غده‌ی فوق کلیوی ترشح می کند، انجام می گیرد، و همه‌ی این فعالیت‌ها به سبب تحریک بخشی از دستگاه عصبی خودکار صورت می گیرد. کسی که ترسیده ضربان قلبش بالا می رود و جهش ریه‌هایش بیشتر می شود، در نتیجه نفس نفس می زند. رگهای اصلیش تنگ می گردد در نتیجه رنگش به زردی می گراید، در این موقع اگر خونس را آزمایش کنیم، متوجه می شویم که قند خونس و نیز نسبت عامل لختگی (بسته شدن خون) که کبد ترشح می کند، بالا رفته، سم نیکوتین دقیقاً همان کار آدرنالین را انجام می دهد، بنابراین شخص سگرتی همیشه سرعت ضربانش بالا است، جهش ریه‌هایش تند و رگهای بزرگش تنگ است و زردی رنگش از همین جا ناشی می شود، مقدار هورمون خون بستگی درخونس و نسبت قند خون بسیار بالا است. این جاست که چنین کسی هشت برابر بیشتر از غیرسگرتی ها در معرض ابتلا به لختگی خون قرار

مبتلا به سرطان حنجره (حلقوم) به پیشش می رود، وقتی دست بر سینه‌اش می گذارد، متوجه می شود که قوطی سگرت در جیبش است، به آن مریض می گوید: سرطان ناشی از این قوطی است. عامل نخست این بیماریهای پرخطر این است که اکسید کربن با رنگ خون یکی می شود، واز انجام مهمترین کار در زندگی انسان یعنی جابه جایی اکسیژن با گاز زغال سنگ جلوگیری می کند. حقیقت این است که خداوند دانا برای اکرام انسان و به منظور سلامتی او و برای رهایی او از نابودی و هلاکت، دستگاه‌های بسیار پیچیده، عجیبی و مهمی را در بدن او نصب کرده است تا در مواقع خطر از او محافظت کند. اگر کسی موجود ترسناکی مثلاً افعی (مار) را ببیند، چه می شود؟ شکل افعی بر شبکیه‌ی چشم نمایان می شود و آن را احساس می کند، شبکیه (مردمک چشم) تصویر را از طریق عصب بینایی به مغز می رساند تا با توجه به آن چه یاد گرفته، معنای این تصویر را تشخیص دهد. مغز که پادشاه دستگاه عصبی است ملکه‌ی سیستم هورمونی (غده‌ی هیپوفیز) را از طریق یک رابطه که جسم زیرتالاموس (دیدبان) است، مورد خطاب قرار می دهد. این غده دستور مغز را برای عملکرد درست به منظور حفظ سلامتی دریافت می دارد. ملکه (مغز) است، پس عناصر هورمونی فعالی در اختیار دارد، لذا دستوری به

راههای تنفس را با مشکل روبه‌رو می کند؛ مثلاً رشته ای که خداوند آن را با ظرافت و خلاقیت های شگفتی آفریده، رگ های باریک هوایی آن به طور دایم رو به بالا حرکت می کند، و هر چیز که وارد حنجره شود، نمی تواند در آن بماند؛ بلکه این تارها آن را به سمت بالا فشار می دهد و در قسمت پایینی حنجره جمع می شود، از طرف دیگر در دود سگرت سم (زهر) نیکوتین است که کار این تاررگ ها را سست می کند، در نتیجه این خرده‌ها، عفونت‌ها و پس مانده‌ها در تاررگ های هوایی جمع می شود؛ زیرا دستگاهی که آن را به سمت بالا می فرستد، از کار افتاده، در نتیجه هم ریه وهم حلقوم در معرض ابتلا به بیماریهای عفونی قرار می گیرد. سگرتی ها بیشتر از دیگران مبتلا به ذات‌الریه و ورم شش می شوند و از این جا معلوم میگردد که رابطه‌ی تنگاتنگی بین سگرت کشیدن و سرطان ریه (شش) وجود دارد. طبق یک آمار علمی دقیق در میان هزار سگرتی شصت نفر آن دچار مرض سرطان شش می شوند در حالی که در هر هزار نفر غیرسگرتی تنها دو نفر مبتلا به این بیماری می شوند. بعضی از دانشمندان می گویند سمهای داخل دود سبب جهش و جست و خیز سلول (رگ) می شود، و جست و خیز باعث خراش در سلول می گردد که خود یکی از عوامل سرطان بافت ها است. قلب و عروق (رگها): بخش عمده‌ی بیماریهای کشنده‌ی قلب است و رگها، از سگرت کشیدن رو به انضمام پژمردگی می آید، پزشکان جراحی قلب می گویند بیشتر جراحی های داخلی قلب در اثر زیان ها و آسیب هایی است که در درجه‌ی اول به استفاده ای سگرت برمی گردد. دکتر دیگری متخصص بیماریهای گوش و گلو، یک بار شخصی



می گیرد، و این حقیقت مسلم است. یکی از علل بیماری موات (مرگ) دود سگرت است، بدین صورت که دود نسبت گران روی خون را بالا می برد و گردش و جریان خون در رگهای ظریف و باریک کند (سست) می شود، در نتیجه خون به خاطر ناروانی (حرکت) از دور یعنی گردش دچار موات و یامرگ می شود. علاوه بر آن دود باعث بیماری نادری به نام التهاب انسدادی رگها می شود، رگ وقتی ورم می کند مجرایش بسته می شود، و بسته شدن آن ناشی از ضعف جریان خون است که بیماری موات (مرگ مفاجات) را نیز در پی دارد. بیماری دیگری وجود دارد که در مصرف کنندگان سگرت دیده می شود و از جمله علایم آن سیانوز و سرخ شدن دستها است. دستگاه گردش خون : دود ماده ای را به اطراف می پراکند که می تواند سرعت ضربان قلب را افزایش داده، رگها را تنگ کرده و باعث پیچش در آنها می شود. دود همچنین باعث حمله ای آنژین صدری و سفت (سخت) شدن رگهای تاجی می شود که رگهای عصبی می باشد سبب سکنه مغزی میگردد. هر قطی سگرتی را می بینید در پایانش نوشته: «دود برای دستگاه تنفسی، رگها و قلب ضرر دارد». این یک تذکر علمی است که از هزارن بار و مورد گذشته است. هیأتی از بزرگترین طبیان در جهان غرب گزارشی سیصد و هفت صفحه ای با عنوان «دود و سلامتی» ارایه کردند که در آن به طور قطع خطرهای ویرانگر سگرت کشیدن را مورد تأکید قرار داده اند. خداوند بزرگ چیزهای مفید و خوب را برای انسان حلال کرده و هر چیز ناپاک و بد و مضر را حرام کرده است، و با دلیل و مدرک محکم ثابت کرده که دود برای سرخ رگها (شریان) ضرر دارد، قلب و سرخ رگهای تاجی را اذیت می کند، و

باعث تصلب (ایستاده شدن) شرابین، افزایش سرعت قلب، التهاب ریه و ضعف دفاع در نایژه های هوایی می شود، کما این که نایژه های سرخ طوته را از کار می اندازد، پس آیا با آگاهی از این همه خطر، باز سگرت بکشیم؟ و با دستان خود اعصاب و مغز خویش را نابود کنیم؟ و قلب های خود را تلف کنیم؟ آه!! ی آدمیزاد مگر عمر سرمایه ی تو نیست؟ و بالأخره سگرت کشیدن برابر است با بستری شدن، سلامتی تاج درخشان سر تندرستان است که تنها شخص بیمار آن را می بیند. چشم : دود باعث ورم در غشای درونی پلک چشم، خشکی پلک ها، التهاب در عصب بینایی و کمبود ویتامین (ب ۱۲) می شود. دستگاه گوارش : نود درصد از مبتلایان به سرطان لب سگرتی ها هستند، و نیز سرطان زبان و مری، زخم های لثه و زبان، ورم غده های بزاقی، باد کردگی و آلوده شدن آن و گاهی سختی و دشواری در بلعیدن در میان آنها بیشتر است، گذشته از اینها دود منجر به مسموم شدن سلول های کبد، کم شدن یا جمع شدن کبد و بالأخره سرطان کبد می شود. دستگاه تناسلی : دود یکی از بزرگترین عوامل ضعف جنسی و زشتی منی در مردان می شود، و در هر دو جنس هم زن و هم مرد منجر به عقیمی (نازای شدن) می شود، رابطه ی بین زن و شوهر را ضعیف می کند، و بیشتر موارد سقط جنین و مرده به دنیا آمدن، و زایمان (تولد) زود هنگام و کاهش وزن به سبب دود سگرت است. گاهی مرگ بچه ی شیرخوار، بد اخلاقی ها، مرگ در گهواره، تنگی نفس بچه ها و ناشنوایی به خاطر سگرتی بودن مادر است. اما نکته ای که باور کردنی نیست این که بچه ی تازه به دنیا آمده این سم کشنده را با شیر مادر می خورد. چون شیر آلوده است. لذا استفراغ های پی در پی، تشنج

و سریع شدن قلب بچه از تأثیرات منفی سمهای دود است که از طریق شیر مادر به بدن بچه می رود. کما این که انبوهی این سمها باعث زخم و خراشهایی بر پستان زن می شود، که گاهی به سرطان پستان می انجامد. نکته ی مهمتر این است که اگر صد نفر شراب بنوشند احتمال اعتیاد به شراب پانزده درصد است، در حالی که اگر همین تعداد سگرت بکشند، هشتاد و پنج درصد به بیماری ویرانگری به نام اعتیاد به سگرت مبتلا می شوند. بعضی از مردم گمان می کنند دود دو نوع است : پاک یا خالص و ناپاک و آلوده، و دود پاک از طریق فلتر سگرت تصفیه شده؛ اما حقیقت این است که فلتر تنها از ورود ماده ی قطران به ریه ها جلوگیری می کند و بس، بلکه سمهای موجود در دود به تمامی از فلتر می گذرد. بنابراین تصور این که نوعی دود فلتر شده وجود دارد، گمانی دور از حقیقت واهی بیش نیست و هیچ اساس صحی ندارد. خطرناکترین اثر دود این است که تنها به شخص سگرتی منحصر نمی شود، بلکه به اطرافیان نیز، از جمله همسر، فرزندان و دوستان منتقل می شود. وقتی کسی به مدت چهار ساعت در اتاقی باشد که یک نفر سگرتی در آن هست مانند این است که ده نخ سگرت کشیده باشد، بنابراین آن شخص در اصطلاح داکتری و یاصحی یک سگرتی منفی است، او خود سگرت نمی کشد، بلکه با یک نفر سگرتی هم نشین شده، پس کسی که سگرت می کشد و از بوی خوش دود که هرگز حقیقت ندارد بهره مند می شود، ندانسته اطرافیان خود را آزار می دهد. ادامه دارد...



خانه ما زیباست

گزیده ای: مولوی محمد اسلم

این تصاویر و پوسترها باید اندازه های دیوارها و پوسترها و مناظر طبیعی متناسب باشد.

تردیدی نیست که تصویر مناظر طبیعی به برطرف نمودن حس تنگی و محدودیت فضای منزل کمک می کند. همچنین بکارگیری آینه ها فضای محیط را دو برابر نشان می دهد و احساس وسعت و فراخی بیشتری به محیط می دهد که می توان آن ها را در رنگ های مختلف مورد استفاده قرار داد. می توان از پوسترهایی که حاوی مضامینی چون آیات قرآن و بعضی سخنان حکیمانه یا ادعیه و اذکار برای زیباسازی خانه سود جست و درضمن این ها یاد خداوند را در ذهن انسان زنده می کنند. مثلاً پوستر دعای ورود به منزل را نزدیک ورودی منزل و پوستر دعای خواب را در اتاق خواب نصب نمایید. خانواده ی مسلمان باید از بکارگیری مجسمه ها برای زیباساختن منزل خودداری کند. از رسول خدا ﷺ روایت می کنند که میفرماید: (إن الملائكة لا تدخل بیتا فيه كلب، ولا صورة تماثیل) یعنی: «فرشتگان، به خانه ای که در آن سگ و یا تصویر اشخاص باشد، وارد نمی شوند.» [البخاری]

خانه، گرانبهاترین بودن اسباب و لوازم آن نیست، بلکه سلیقه و نظم نیکو و رعایت هماهنگی و تناسب اثاثیه ی منزل و امکانات آن حتی در صورت ساده بودن شان حرف اول را می زند. صرفه جویی و میانه روی در صرف پول برای مخارج زیباسازی منزل.

سودجستن از اشیاء طبیعت اطراف مان که خداوند به ما ارزانی داشته، مثلاً: کسانی که در طبیعت ساحلی سکونت دارند می توانند از صدف ها و حلزون های دریایی در اشکال زیبایی را برای زینت بکار بگیرند. کسی که در محیط روستایی زندگی می کند و در آنجا سبزه و درختان به اشکال زیبا وجود دارند می توانند از شاخه های درختان خرما و ساقه ی برخی گیاهان، سفال و دیگر موارد آثار هنری زیبایی را پدید آورند. می توان دیوارها را بوسیله ی کاغذ دیواری یا رنگ های زیبا یا با استفاده از تزیینات چوبی یا آئینه کاری تزیین نمود. همچنین پوستر مناظر طبیعی و خوشرنگی مانند: تصویر رودخانه ها، درختان، کوهستان و دریاها که بیانگر عظمت آفریدگار عزوجل هستند برای تزیین در و دیوارها مناسب می باشد. در استفاده از

خداوند متعال نفس آدمیان را بگونه ای آفریده است که زیبایی را دوست می دارد؛ بنابراین فطرت سالم بشری با هر چه زیباست همخوانی دارد و به آن می آساید و خوی و عادت می گیرد. خداوند کریم جهان را با تمام زیبایی های موجود در آن آفریده است و انسان می تواند این زیبایی را در تمام آفریدگان باری تعالی ببیند که همگی به زبان حال داد از زیبایی و صنع بی مثال او می زنند. زیبایی و جمال یکی از صفاتی است که خداوند آن را و هر که را که به آن آراسته گردد دوست می دارد. پیامبر ﷺ میفرماید: (إن الله جميل يحب الجمال) یعنی: «خداوند زیباست و زیبایی را دوست می دارد.» [مسلم]

مطابق تمام آنچه گفته شد، یک خانواده ی مسلمان طیب هایی ظاهر و باطن را به طور همزمان دوست می دارد. یعنی زیبایی رفتار و زیبایی شکل. برای تحقق بخشیدن به این زیبایی در منزل فرد مسلمان باید برخی قواعد و اصول را رعایت نماید، که عبارتند از: لازمه ی زیبایی و جمال در



بکارگرفتن پرده ها بر پنجره های خانه بر زیبایی آن می افزاید، گذشته از آنکه از دیدن آن توسط نامحرم جلوگیری می کند. مهم ترین موضوعی که در استفاده از پرده در منزل باید مورد توجه قرار بگیرد. همچنین طریقه ی آویزان کردن و نحوه ی باز و بسته نمودن آن که باید به آسانی صورت پذیرد حائز اهمیت می باشد. زیباسازی اتاق بچه ها ضروری است. کودک عالم خاص خود را دارد که به آن احساس شادی و کامیابی نموده و در آن احساس راحتی و استقلال نماید. هر قدر اتاقش پاک و باسلیقه باشد بیشتر به سکون و آرامش روحی دست می یابد. بنابراین باید به آن توجه ویژه ای نمود و آن را بوسیله ی تصویر مناظر طبیعی و عکس های ساده ای که متناسب با سن و سال کودک است زیبایی بخشیم. می توان برای زیبایی دادن به اتاق کودک از اسباب بازی هایی نیز بهره برد تا حس زیبایی خاصی را به آن جا بدهد.

آراستن و زیبایی سفره ی غذا یکی از امور مهم در خانه است. حال شکل غذاهای سر سفره و حدود و امکانات تهیه ی غذا هرچه باشد بازهم باید در بکارگیری ذوق و سلیقه در تدارک آن و دادن زیبایی و جذابیت به آن کوشش شود تا بازگوی سلیقه ی عالی فرد در تزیین آن باشد. همچنین می توانید اسباب منزلتان را با آراستن آن ها بوسیله ی گلدوزی و زردوزی نمودن روپوش ها و پارچه های موجود در هریک از اتاق های منزل زیبایی بسیار ببخشید، به جای آنکه این روپوش ها را با قیمت زیاد از بازار بخرید. این گلدوزی یا زردوزی ها را هم می توان با دست انجام داد و هم

بوسیله ی چرخ گلدوزی و دیگر وسایل و شیوه های تزیین. گیاهان زینتی در زیبایی خانه نقش مهمی دارند و زیبایی و آرامش روحی خاصی را به اهالی خانه می بخشند. همچنین در پاکیزه نگاه داشتن هوای منزل تاثیر دارند. از گل های زیبا نیز در منزل استفاده کنید. برخی از گیاهان مخصوص سایه هستند و می توان آن ها را در داخل فضای منزل پرورش داد ولی برخی دیگر گیاهان آفتابی بوده و مناسب بالکن یا باغچه ی منازل می باشند. هنگام خرید این گیاهان باید از نحوه ی نگهداری آن ها نیز اطلاع حاصل کنید. زیبایی خانه ی مسلمان می باید که در جمال و زیبایی افراد آن بازتاب یابد. هرکدام از اعضای خانواده به زیباترین و بهترین صورت و ظاهر نمایان شوند. زن مسلمان باید بر زیبایی خود در حضور شوهرش بسیار اهتمام ورزد. خوشبختی و سعادت مرد در آن است که وقتی همسرش را تماشا می کند، شاد و خوشنودش سازد. بنابراین زیباترین چیز در خانه باید صاحبخانه، مسئول و کدبانوی آن باشد. زنان فطرتاً زیبایی و آرایش و خوشبویی را دوست می دارند. دین اسلام آنان را از این سرشت نیکو منع نمی کند تا زمانی که در چهارچوب شرعی که پروردگار روا داشته است قرارداشته باشد. دین اسلام زنان را تشویق می کند تا برای شوهرانشان خود را بیارایند و زیبا کنند تا همچون ستاره ای درخشان در آسمان خانواده نورافشانی کنند. مرد برای همسرش خود را زیبا می کند همانطور که خود را برایش می آراید تا میزان اهمیتی که برایش قائل است را دریابد و بداند که او خواهان رضایت و خرسندی وی است و اینگونه مهر و محبت میانشان

پیوسته تر می گردد.

ویژگی های خانه ی مسلمان

خانه جای سکونت و آرام و قرار گرفتن اعضای خانواده و آسایش آن ها است. افراد خانواده پس از خستگی تلاش و کار روزانه و همچنین فشار مشکلات زندگی به چهاردیواری منزل پناه می برند. بنابراین جای خود دارد که تا حد امکان خانه مان را مطابق ویژگی های خاصی انتخاب نماییم تا به آرامش، سکون، راحتی و ثبات مورد نظرما در آن دست یابیم. انتخاب خانه ای با ویژگی های مخصوص توام با انواع مشکلات اجتماعی در اکثر جوامع اسلامی می باشد، از جمله ی آن موانع، مانع اقتصادی (مانند درآمد پایین خانواده) و برخی عوامل اجتماعی، روحی، سلیقه ای (فردی و عمومی) می باشند. به همین سبب خانه ی فرد مسلمان بهتر است تا جایی که امکان دارد، دارای ویژگی های لازم باشد تا بتواند خانه ای و مأمنی قابل قبول و راحتبخش برای کسانی که در آن زندگی می نمایند باشد؛ البته به دور از هرنوع اسراف و زیاده روی و در حد وسع و امکان و توانایی ها و با رضایت به روزی و قسمت پروردگار متعال.

از جمله ی ویژگی های خانه ی مناسب موارد زیر می باشند: محیط اجتماعی مناسب: نخستین موردی است که خانواده باید در انتخاب خانه به آن توجه نماید. محیط تاثیر مهم و نقش خطیری در چگونگی رفتار و منش اهالی آن دارد. برای همین از قدیم گفته اند: اول همسفر بعد سفر و اول همسایه سپس خانه. بنابراین نباید خانه در منطقه ای باشد که



به داشتن مشکلات و آسیب های شخصی شهرت داشته باشد؛ مسائلی مانند خرید و فروش مواد مخدر، وجود اماکن فساد و بی بندوباری در آن جا و ... تا فرزندانش تحت تاثیر این موارد قرار نگیرند. گفته می شود: قیمت یک خانه بواسطه ی برگزیده و پاک بودن همسایگان گران تر می شود. تعریف می کنند مردی در همسایگی امام ابوحنیفه سکونت داشت و قصد داشت خانه اش را بفروشد. شخصی نزد وی آمده و گفت: خانه ات را به قیمتی و همسایگی ابوحنیفه را به قیمتی دیگر از تو خریداری می کنم. بنابراین همسایگان مسلمان حق و حقوق هم را رعایت می نمایند و چیزی را که برای خود دوست دارند برای دیگران نیز دوست می دارند؛ باعث آزار و اذیت بقیه نشده و زباله ی خویش را مقابل خانه ی دیگری نمی گذارند، و باصدای بلند سخن نگفته و کاری نمی کنند که به احساسات بقیه لطمه وارد سازند، از مسائل کوچک درگذشته و از عیب های هم چشم پوشی می نمایند؛ تا در راستای اسلام و ایمان خویش عمل نموده باشند. افراد خانه ی مسلمان نیز می کوشند تا همسایگان شان را مراعات نموده و حقوق شان را محفوظ دارد، از حال و وضع و نیاز همدیگر باخبر شده و یکدیگر را یاری و مساعدت نموده و همدیگر را راهنمایی کرده و آبروی هم را حفظ نمایند. تمام این وظایف به سبب عظمت حق همسایه بر همسایه است. رسول الله ﷺ می فرماید: (ما زال جبریل یوصینی بالجار؛ حتی ظننت أنه سیورثه) یعنی: «همیشه جبرئیل علیه السلام مرا در مورد



همسایه توصیه می نمود، تا اینکه گمان کردم شاید همسایه از همسایه میراث ببرد.» [متفق علیه]

خانواده ی مسلمان کاملاً به حقوق همسایگانش پابند می باشد، همانطور که پیامبر خدا ﷺ بیان فرموده اند: (أتدرون ما حق الجار؟ إن استعان بك أعتته، وإن استعصرك نصرته، وإن استقرضك أقرضته، وإن افتقر عدت عليه، وإن مرض عدته، وإن مات تبعته جنازته، وإن أصابه خير هنأته، وإن أصابه مصيبة عزيتته، ولا تستغل عليه بالبناء فتحجب عنه الريح إلا ياذنه، وإن اشترت فاكهة فأهد له، فإن لم تفعل فأدخلها سراً، ولا يخرج بها ولدك ليغيظ بها ولده، ولا تؤذ به بقدر قدرك) (رائحة طعامك) إلا أن تغرف له منه، ثم قال: أتدرون ما حق الجار؟ والذي نفسي بيده، لا يبلغ حق الجار إلا من رحمه الله) یعنی: «می دانید حق همسایه چیست؟ هرگاه از تو کمک طلبید، یاریش رسانی. اگر قرض خواست به او قرض بدهی. چون تهیدست گردد او را کمک نمایی. هرگاه بیمار شود به عیادتش بروی. اگر سود و خوشی یابد تبریکش گویی. چون مصیبتی بیند، تسلیتش گویی. چون بمیرد، در تشییع جنازه اش شرکت کنی. خانه ات را مشرف بر خانه ی او نسازی که باد بر او نوزد، مگر با اجازه ی وی. او را با بوی غذایت نیازاری مگر آنکه سهمی به او هم برسانی. اگر میوه خریدی به او نیز هدیه نما و اگر چنین نکردی، مخفیانه آن را به منزل ببر و فرزندت با آن بیرون نرود تا فرزند او را غصه دار نکند و با بوی غذایت آزرده اش نکنی مگر آنکه برای او نیز ظرفی را ببری. سپس فرمود: هیچ می دانید حق همسایه چیست؟ سوگند به آنکه جانم به دست اوست! کسی حق همسایه را به جا نمی آورد مگر آنکه خداوند بر وی رحم کند.» [البزار] محله: از جمله مهم ترین مواردی که باعث می شود خانه ی مورد نظر نمونه باشد: واقع بودن آن در

محله پسندیده است، می توان مورد های زیر را بیان نمود: وجود خدمات و نیازمندی های زندگی (در حد امکان) مانند: وجود برق رسانی، مرکز بهداشتی، آب پاکیزه و بهداشتی، و البته بهتر است که نزدیک مدرسه ی بچه ها و بازار و دیگر خدمات باشد، در این حالت زندگی آسان تر شده و تلاش و زحمت کم تری برای این مسائل صرف می گردد. حتی المقدور بهتر است که خانه در منطقه ای آرام و دور از خیابان های اصلی و میادین عمومی باشد، با تحقق این موارد اهالی خانه از آرامش و آسایش بیشتری بهره خواهند برد. جنبه ی بهداشتی خانه: در صورت وجود نور کافی و هوای پاکیزه در محله او که خانه در آن قرار دارد و دوری آن از باتلاق و مرداب ها و زباله دانی ها، این مهم نیز به دست می آید. برخی شرایط خاص را نیز بعضی اوقات باید هنگام انتخاب خانه ی مناسب در نظر گرفت؛ چنانچه در خانواده شخصی دارای بیماری قلبی یا فلج اطفال باشد باید خانه ی مورد نظر در طبقه ی همکف باشد، مخصوصاً اگر آپارتمان فاقد آسانسور نیز باشد، همچنین بهتر است منزل مورد نظر در محدوده ی کارخانه های صنعتی و دود و غبار آن ها نباشد. مساحت: هر قدر هم که مساحت خانه کم باشد فرد می تواند از این محدوده به بهترین وجه برای مهیا نمودن آسایش و راحتی اعضای خانواده اش بهره بگیرد. کما آنکه در یک خانه با فضای زیاد ولی نظم اندک راحتی و آرامش دست نیافتنی بوده و در عوض در خانه ای با مساحت اندک و سازماندهی خوب و استفاده ی بهینه از اتاق ها و فضای خانه، راحتی آن به مراتب

بیشتر خواهد بود. تردیدی نیست که همه در آرزوی زندگی دخانه ای جادار و مرفه می باشد، مسکن وسیع و جادار می تواند به شادکامی خانواده و راحتی روحی آن ها و سلامتی اعضایش کمک کند. پیامبر خدا ﷺ در دعاهايش چنین می فرمود: (اللهم وسّع لي في داري) یعنی: «پروردگارا! خانه ام را وسعت ببخش.» [أحمد]

وسعت و فراخی مکان این اجازه را به مامی دهد تا نظم و سازماندهی بیشتری داشته و همواره بتوان چیدمان لوازم منزل را به شکل بهتری انجام داد. مثلاً می توان وسایل یک اتاق را جابه جا نمود یا با اتاق های دیگر تغییر ایجاد کرد. تغییر و تجدید چیدمان وسایل طبیعتاً احساس تازگی بیشتری به افراد داده و ما را از یکنواختی و کسالت باری دکور منزل که هر زمانی به سراغ انسان می آید، رها می سازد. درضمن جادار بودن منزل (در صورت امکان) توان اختصاص دادن اتاق مجزایی برای پذیرایی و اقامت مهمان را به ما می دهد و در فراهم نمودن آسایش و راحتی بیشتر برای آنان و پذیرایی بهتر و شایسته تر از ایشان و همچنین آسایش خانواده ی صاحبخانه و در مضیقه قرار نگرفتن آنان موثر خواهد بود، همچنین بچه ها می توانند اتاق جداگانه داشته و راحتی و آسایش بیشتری داشته باشند و در اتاق خودشان بازی کرده و به مطالعه بپردازند. خانه ی دارای فضای وسیع تر این امکان را می دهد که بتوان باغچه ای نیز کنار خانه ماداشته باشیم تا بچه ها بتوانند در آن بازی نموده و خوش بگذرانند و فرصت و مجالی هم برای کشت و زراعت و مرتب نگاه داشتن آن داشته باشند. همچنین واقع بودن منزل در خیابانی عریض و پاک امکان

بهره مند شدن از تهویه و نور بهتر را به اهالی منزل داده و فاصله ی میان خانه های مجاور به اندازه ای خواهد بود که بر داخل منزل مشرف باشند و در آن راحتی بیشتری احساس می شود. گاهی شرایط ایجاب نمی کند که فرد خانه ای بزرگ و جادار داشته باشد ولی این مسأله دلیل نمی شود که خانه زیبا و راحت نداشته باشد، چرا که نظم و ترتیب درست و مناسب به فرد در کم رنگ نمودن محدودیت فضای خانه کمک می کند. چه بسیار خانه هایی که وسیع و جادار هستند ولی آشفته و نامنظم هستند و تنگ و ناراحت کننده به نظر می رسند.

شیوه هایی برای برطرف نمودن احساس تنگی جا و فضای خانه و حس فراخی آن به ما کمک می کند: بلند بودن دیوارهای خانه. رنگکاری سقف با رنگ های روشن، در صورت پایین بودن سقف، و رنگ کاری دیوارها نیز با رنگ های روشن. تزیین دیوارها با اشکال طبیعی استفاده از وسایل چندکاره در منزل.

استفاده از لوازم در حد و اندازه های مناسب فضای منزل و شلوغ نکردن منزل با وسایل و لوازم متعدد در فضای تنگ آن. تهویه: تهویه ی مناسب منزل از جمله موارد حائز اهمیتی است که باعث سالم ماندن محیط منزل می شود. تهویه ی مناسب را با کار گذاشتن تعداد لازم پنجره و روزنه های ورود هوا و تجدید آن در طول روز متحقق ساخت. این عمل در زدودن آلاینده هایی مانند میکروب ها، حشرات و بوهای نامطبوع کمک بسیار می کند.

بنابراین باید در اوقات مناسب روزنه و یا پنجره ها را باز گذارد. اما چنانچه خانه در منطقه ای صنعتی واقع شده

باشد برای جلوگیری از ورود گاز و آلاینده های مضر، که سلامتی فرد را به خطر می اندازد، بهتر است از باز نمودن پنجره ها صرف نظر نمود. آشپزخانه بیشتر از هر جای منزل نیاز به تهویه ی مداوم دارد. وجود اجاق و لوازم حرارتی که بخار، چربی و بوی غذا را در منزل می پراکند و دیوارها و بوی منزل را می آلودد. با بهره گیری از وسایل تهویه ی مطبوع (هوا کش ...) می توان از این مشکل جلوگیری نمود. همچنین در مورد تهویه ی فضای حمام نیز دقت نمود تا از بوی نامطبوع و آلودگی آن جلوگیری کرد.

آفتابگیر بودن منزل: سخن حکیمانه ای بیان می کند: خانه ای که در آن آفتاب وارد می شود، پزشک به آن وارد نگردد. برای آنکه پرتوهای نور خورشید باعث میکروب زدایی و پاکیزه شدن محیط می گردد و در زمستان گرمای لازم را به خانه می رساند. بنابراین باید اوقاتی که نور خورشید به داخل خانه می تابد را در نظر داشت تا بتوان از آن به خوبی بهره گرفت. چنانچه محیط بیابانی و گرم باشد بهتر است از تابش مداوم پرتو خورشید به داخل جلوگیری شود، به ویژه اگر تابش خورشید به شکل عمودی باشد، باید مراقب بود که دمای خانه زیاد بالا نرود. اما در حالتی که

خانه ی مذکور در منطقه ای سردسیر قرار داشته باشد بهتر است تا حد ممکن تابش خورشید به داخل فضای خانه مدت بیشتری ادامه داشته باشد تا بتوان گرمای مناسبی را از آن دریافت کرده و از بروود هوای داخل کاست.

ترجمه: مسعود
مصدر: سایت نوار اسلام
IslamTape.Com



اکارۍ فساد

او د حل لارې چارې

مولوی فرید الله ازهري

انکار وکړې نو دوی تا ته هیڅ زیان نه شي رسولای ، او که فیصله کوي نو د عدالت په اساس یې وکړه چې الله عدالت کوونکي خوشوي.

الله ﷻ په باطله لاره د مال خوړلو نه منع کړی او فرمایي: ﴿وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِيَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ البقرة: ۱۸۸

ژباړه: خپل مالونه په باطل او د ناحق لکه بډۍ، سود، غصب، اوغلا... په خپل مینځ کې مه خورئ او هغه امیرانو او قاضیانو ته مه وړاندې کوي چې د گناه له مخې د خلکو ځینې مالونه وخورئ او تاسې پرې خبریاست (اوپوه شئ چې تاسو ظالم ته مرسته ورکړئ او گناه موکړئ ده). دارنگه قرآن کریم

فرمایلي دي: ﴿وَلَا تَشْرَوْا بِمَا بَيْنَ يَدَيْكُمْ قَلِيلًا وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ﴾ المائدة: ۴۴

ژباړه: او زما آیتونه په نا څیزه بها د دنیا، لکه رشوت، منزلت او مقام مه پلورئ! او پوه شئ چه هر څوک د هغه څیز په وړاندې حکم ونکړئ چې ما نازل کړی [او الهی احکامو ته د سپکاوی قصد ولری] هغه او د هغه په څیر کسان د شک پرته کافر دي .

تعریف داسې کړی: (هي أخذ الأموال على ترك ما يجب على الآخذ فعله أو فعل ما يجب عليه تركه). «۲»

ترجمه: یعنې چې کومه کړنه پر اخیستونکي لازم وی او د هغې په بدل کې څه څیز واخلي او یا کوم کړنه چې په ده باندې پرېښودل لازم وي د هغې په عوض څه څیز واخلي دا رشوت یا بډه یادېږي.

او ځینو علماؤ یې داسې تعریف کړي: (هي ما يعطي لابطال حق او لاحقاق باطل) یعنې رشوت هغه څه دی چې د حق د باطلولو او باطلو د ثابتولو لپاره ورکولی شي.

د رشوت حکم: د رشوت اخستل، ورکول او یا د رشوت خوړل د کبائرو گناهونو څخه دی په دې هکله گن آیاتونونه او احادیث شتون لري چې په لاندې کړښو کې به ذکر شي: د رشوت (بډې) گناه د آیاتونو په رڼا کې:

الله ﷻ فرمایي: ﴿سَمِعْتُمْ لَكَذِبٍ أَكَلْتُمْ لِسْحَتَ فَإِنْ جَاءُوكَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ وَإِنْ تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَكَنْ يَضْرِبْكَ شَيْئًا وَإِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾ المائدة: ۴۲

ژباړه: دوی د دروغو او بډونو او د حرام مال خوړونکي دي، نو که دوی تا ته د خپلو دعوو په وړاندې کولو (راشي) نو تا ته واک درکول کېږي که دې خوښه وي د هغو فیصله وکړه او که نه نو انکار وکړه . که

الحمد لله الذي قال في كتابه العربي المبين: ﴿وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِيَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ البقرة: ۱۸۸ والصلاة والسلام على سيد

الانبياء محمد الذي قال: (الراشي والمرتشي في النار) «۱»، وعلى آله وأصحابه أجمعين وبعد!

د فساد تعريف

فساد په لغت کې: مصدر دی د فساد مادي څخه چې د صلاح ضد دی په معنی د خرابي، هلاکت، ظلم، تجاوز سره راځي چې داسې نورې معناوې هم لري. فساد په اصطلاح کې: د الله ﷻ د اطاعت څخه وتلو ته وايي.

اداره په لغت کې: کنترول او په واک کې راوستلو ته وايي.

اداره په اصطلاح کې: عبارت دی له یو ټولنیز نظام څخه چې په هغه کې یو شمېر وګړي په یو ځانګړي سیستم سره د خاصو موخو د رسیدو لپاره یو ځای کار کوي.

رشوت (بډې) په لغت کې: په لغت کې (ما يتوصل به الى الماء) هغه څه دی چې د هغې په واسطه اوبه کوهی څخه راوستلی شي یعنې پری.

رشوت په اصطلاح کې: علماؤ د رشوت



علما فرمایلي دي: کوم کار چې پوره کول چې د چاپه غاړه واجب دی هغه د الله (ج) د ژمنی مسؤول دی په پوره کول یې د چانه عوض یا دعوض اخستلو پرته نه کول یې د الله د عهد ماتول دي، همداشان کوم کار چې ترسره کول یې په چا واجب ندی. ترسره کول یې د معاوضې په اخستلو سره هم د الله د عهد ماتول دي. د دی نه معلومیږي چې د اداري فساد ډېر ډولونه دي چې ټول حرام دي لکه د دولت چارواکي چې: وظیفې تر سره کول لپاره د دولت نه حقوق اخلي نو هغه د الله سره عهد کړی چې د حقوقو په عوض خپله دنده ترسره کووم نو که چیرې په ترسره کول کې یې د چانه معاوضه واخلې او د معاوضې پرته هغه نه کوی او یوی ورځی نه یې بلې ورځی ته غورځوی د الله عهد یې مات کړی، همداشان هغه کار چې د دولت لخوا دهغه په واک کې ورکول شوی نه وی رشوت اخلي او هغه کار کوی دا هم د الله عهد ماتول دي.

بډې دومره بد اوناړو دي چې قرآن کریم هغه د یهودو د صفاتو په شمیر کې راوړی او قرآن کریم فرمایي: ﴿سَمْعُوتَ لِلْكَذِبِ أَكْثَرُونَ لِّلشَّحْتِ﴾ ^{آل عمران: ۷۵} ترجمه: هغوی ډېر د روغ اوړی اومنی او ډېر حرام مال خوری. د علامه الوسی په وینا پدې ځای کې مراد د سحت نه په حکم کې رشوت دی. دارنگه حضرت علی ابراهیم نخعی حسن بصري مجاهد قتاده ضحاک رحمهم الله اونور د تفسیر امامانو هغه په رشوت تفسیر کړی دی، رشوت اخستول ته ځکه سحت ویل کیږي چې نه یوازې رشوت اخستونکی او رشوت ورکونکی تباہ کوی بلکې عمومي د امنیت، ملت او د ملک اساس او بنسټ هم بربادوی ځکه په کوم هیواد کې چې بډې خوړل دود وی قانون نشی پلي کیدای، په

پای کې د ملت او ملک امنیت چې د قانون په اساس دی نه راځي او کله چې د امنیت قانون د عمل پراوته لارنشی نود خلکو ځان مال حیثیت او پت نشی ساتل کیدای. همدا علت دی چې په اسلامي شریعت کې سحت ورته ویل شوی او حرام دی.

که موږ وگورئ چې بډې اخستنی څومره یو عام او خطري آفت دی او له دې لارې لاسته راغلې پیسې د ډېرو خرابو او خبیثو پیسو په کتار کې واقع شوی د یورینستې مومن وجدان، ایمان او افکار د دغه ناوړه او ناسم کارنه ډېر لری او تېښته کې وي، ځکه هر انسان چې دغه سپکې پیسې لاسته راوړی هغه انسان هم سپک او ذلیل کیږي.

د رشوت (بډې) گناه د احادیثو په رڼا کې

د موږ مقدس دین په ظاهر واضح ډول د رشوت اخستل په مسلمانانو حرام کړی له کعب بن عجرة روایت دی: (قال: قال النبي ﷺ: (يا كعب بن عجرة إنه لا يدخل الجنة لحم ودم نبتا على سحت النار أولى به) «۳» ژباړه: هغه وایي چې نبی ﷺ وفرمایي: آی کعب بن عجرة! جنت ته به داخل نشی هغه غوښه او وینه چې په حرامو لویه شوی وي بلکې اور هغوته مناسب او لائق دی. او همداشان مسؤلینو او چارواکو لپاره یې منل حرام کړی دی او رشوت ورکونکی او اخستونکی یې ملعون معرفی کړی دی: عن عبدالله بن عمر رضی الله عنهما قال: (لعن رسول الله الراشي والمرشي). «۴»

ژباړه: د حضرت عبدالله بن عمر نه روایت دی چې رسول الله ﷺ رشوت ورکونکی او اخستونکی باندې لعنت ویلی دی: (و عن ثوبان قال لعن رسول الله الراشي والمرشي والرائش يعني الذي يمشي بينهما). «۵»

ژباړه: د حضرت ثوبان نه روایت دی چې رسول الله ﷺ رشوت ورکونکی او اخستونکی او هغه څوک چې دواړه ترمنځ واسطه کیږي باندې لعنت کړی.

ځیني خلک حاکمانو او مشرانو ته ډالی،

تحفه، سوغات، تعارف حق، حق الزحمه او قلمانه انعام او شربتی په ترڅ کی ترسره کیږي چې دا هم یو ډول رشوت دی خو جوتنه ده چې د نومونو بدلون هیڅکله په ماهیت کې بدلون نشی را وستی او په هر صورت کې کومه پیسه چې د بډو له لارې را شی هر نوم چې پری کیښودل شی بیا هم رشوت دی، ځیني خلک باید پوه شی چې تحفه ډالی سوغات د آمرینو لپاره د رشوت په حکم کې دی په دی زمانو کې دود دادی چې ډالی ځینی ډیورانو، خانه سامانونو یا د نورو اشخاصو او شاوخوا خلکو ته یې ورکوی او هغه یو عادي او روا څیز گڼي په داسې حال کې ډیورتینو دلابلو په استناد په زغرده ویلی شو چې: هیڅ ډول نوم ایښودل ماهیت ته بدلون نشی ورکولای او هرڅه چې د رشورت له لارې راشی رشوت دی.

پېغمبر ﷺ فرمایلي دي: (من استعملناه على عمل فرزقناه رزقاً فما أخذ بعد ذلك فهو غلول). «۶»

ژباړه: څوک چې مونږ په کوم کار وگمارو او څه حقوق هم په مقابل کې ورکو هرڅه چې د خپلو حقوقونه اضافه واخلی د غاړی طوق به یې شي.

په بل روایت کې دي: (من شفع لأحد شفاعة فأهدى له هدية عليها فقلبها فقد أتى بابا عظيما من أبواب الربا). «۷»

ژباړه: څوک چې دبل چا لپاره سپارښت وکړی (واسطه شی) او د هغه په مټ ورته هدیه ورکول شی په رښتیا چې هغه د سود لوی دروازی ته ننوت.

عبدالله بن مسعود وایي: که چیرې څوک نوروته کار وکړی او دهغه په واسطه ډالی ورته وړاندې شی هغه حرام دی.

د مسروق رضی الله عنه نه روایت دی چې



هغه د ابن زياد سره يوه قضيه رد کړې او د قضیې دځښتن له لوري يو غلام ورته ډالی شو مسروق هغه ونه مانه او وی ویل: اوریدلی می دی چې ابن مسعود رضی الله عنه به ویل: څوک چې د مسلمانانو کوم ظلم لری کړی او د ظلم څښتن هغه ته کوم څیز ډالی کړی لږ وی که ډیر هغه حرام دی. «۸»

کله چې عمر بن عبدالعزيز خليفه وو يوه ډالی ورته راوړی شوه خو هغه قبوله نکره ورته وویل شول پېغمبر ﷺ هديه قبولوله عمر وویل: پېغمبر ﷺ ته ډالی وه خو موږ لپاره رشوت دی. «۹»

علمای کرام ویلي: کله چې اسلام تردی کچې د رشوت په اړه سختی کوی نو پرقاضی او هغو کسانو چې د قاضی په مرتبه کې دی لازم دی چې خپل ځان د خپل پلار او مور فرض کړی یوازې هغه څیزونه چې د قاضی کیدو او یا حاکم کیدو وړاندې اوبه خپل کور کې ناست ول او د هدیه په توگه ورته راوړل کیده اجازه لری چې د قضاوت یا حکومت په وخت کې هم واخلی. او دهغو څیزونو اخستل چې پوهیږی د مقام په خاطر ورته ورکول کیږي حرام دی خو کوم چې نه پوهیږی دوستان یې د دوستی په خاطر یا د دوی د مقام په خاطر ورته راوړی دا شبه ده او باید ورته ډډه وکړی. «۱۰»

د مذکور ارشاداتو او روایاتو په بنسټ چې په خپلو دیني سرچینو کې یې لرو هرڅوک چې آمرینو ته تحفه او ډالی ورکوی چې بست او منصب پکې اغیز ولری څرگند دی چې رشوت دی پداسې حال کې چې ډېری خلک دغه څیز ډېر ساده گنی سره لدې چې دا کار صریح رشوت دی ټول مسلمانان د دې کارنه ډډه وکړي او نوروته دی هم ور وښی چې ندی تحفه



ورکړی اوندی واخلی همداشان هغه تحفه چې درشوت په چوکات کې راخی دهغې تحفی سره چې رشوت پکې نفوذ نلری خلکو ته بیان شی ترڅو مطلق تحفه رشوت ونشمیرل شي.

د حل لارې چارې

۱- په اداري فساد کې ښکیل او اخته خلکو باندې د قانون تطبیق او د محکمې په علني پریکړه باندې دې مجازات شي تر څو نورو ته عبرت وگرځی او دې ناوړه پدیدې څخه لاس په سر شي.

۲. په دندو د خلکو گمارل دې د مسلک، پوهې او تقوای پر بنیاد وشي نه د خپلوي، سپارش، او رشوت....

۳. د مختلفو لارو څخه د عامه پوهاوی د کچې لوړول تر څو خلک د دې شومې پدیدې د گناه په هکله خبر شي او ځانونه ترې وساتي.

۴- د اداري او تشکيلاتي نظام کې دې سمون او اصلاح را وستل شي.

۵- په ښو امر او د اداري فساد له بدیدو څخه د خلکو منع کول دې قوي شي.

۶. اداري فساد اخته کسانو افشا کول او اړوند ادارو ته د هغو په هکله خبر ورکول تر څو هغوی په مجازاتو ورسپړي او په دې لاره کې چا څخه څوک ونه ویريږي ولوکه ډیر لوړ پوړي، مشهور او زورواک هم وي.

۷- د اداري فساد ښکیل خلکو پټول د ونشي بلکې هغوی دې د قانون منگلو ته وسپارل شي؛ ځکه د هغوی پټول په حقیقت کې د ظالم سره مرسته کول دي.

۸. تنافس او د مال د ډېروالي مقابله دې له منځ څخه ووځی د یو تر بله مقابله د په تقوا او ښو اعمالو په کړنو کې وشي.

۹- هغه څه چې له حلال مدرک څخه لاسته راځی په هغه د قناعت وشي؛ ځکه دا هم تقوا او پرهیزگاری ده او د حرامو څخه د اجتناب وشي.

۱۰- د کارگرانو او کارمندانو معاشاتو او امتیازونو کې د زیاتوالی را شي تر څو خپلې ستونزې د حلال معاش له لارې حل کړي.

۱۱- د کارگرانو او کارمندانو معاشات او امتیازات د په یو ډول شي یعنې په معاشاتو کې توپیر له منځه وړل شي او څو ډوله معاشونه چې د چا ډېر زیات او په ډالرو معاش مقرر وي او بالعکس د نورو په ټیټه کچه معاش وي دا تفاوتونه د له منځه وړل شي؛ ځکه ټول افغانان او انسانان دي یو بام او دوه هوا د نه کیږي.

پایلي

اداري فساد یوه ناوړې پدیده ده چې حرمت یې په قرآن کریم او نبوي احادیثو کې ثابت ده، باید ټول یو تر بله لاس ورکړو ترڅو دغه بیکاره نابودوونکې پدیدې څخه ځان وژغورو او حاکمان، آمرین او ټول مسؤولین د هر ډول ډالی، تحفی اوسوغات وانخلي، ټول مامورین، کارگران او کارمندان د اصولو سره سم د مراجعینو اړوند ستونزې او کارونه پرته د کوم تأخیر څخه حل کړي او د کارمندانو تقرري دې د آزاد رقابت، لیاقت، پوهې او تقوا پر بنسټ ولاړ شي نه د قرابت، خپلوی، سفارش او رشوت له لارې ترڅو زموږ دا گران هیواد له هر ډول رشوت او ناروا څخه پاک شي.

و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین
وصلی الله تعالی علی خیر خلقه محمد و علی آله وصحبه أجمعین

ماخذ او مراجع

- ۱- الترغیب والترهیب للمنزري.
- ۲- تفسیر البحر المحیط، ټوک ۳، مخ ۵۱۶، او تفسیر روح المعاني، ټوک ۱۴، مخ ۲۲۴، المكتبة الشاملة.
- ۳- صحیح ابن حبان د حدیث شمیره: ۵۵۶۷.
- ۴- مشکوٰۃ المصابیح باب الاقضية والشهادات.
- ۵- الترغیب والترهیب للمنزري.
- ۶- صحیح ابن خزیمه، حدیث: ۲۳۶۹.
- ۷- مسند امام احمد، حدیث: ۲۲۲۵.
- ۸- الحلال والحرام للدکتور قرضاوي، ص ۴۰۲.
- ۹- صحیح البخاري، حدیث: ۲۵۹۵.
- ۱۰- الحلال والحرام للدکتور قرضاوي، ص ۴۰۲.

حرمت تجاوز به حق دیگری

دکتر نورالله کوثر

دستور به هجرت و دوری گزیدن از شخصی را صادر نمود در آن کار اندیشه کنید اگر چنانچه مرتکب گناه شرعی شده بود درست است که به اندازه گناهش بدون زیادی مورد عتاب قرار گیرد ولی اگر مرتکب گناه شرعی نشده بود به خاطر غرض معلم یا دیگری نباید او را مجازات کرد...

حرام بودن حزیگرایی و تعصب نادرست

تعلیم دهندگان این حق را ندارند مردم را گروه گروه کرده و در میانشان دشمنی و کینه بیندازند بلکه باید چون برادرانی بر انجام نیکی و احسان همکاری نمایند. چنانکه خداوند متعال می فرماید: ﴿... وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ﴾ المائدة: ۲

«بر احسان و تقوا با همدیگر همکاری کنید ولی به خاطر گناه و دشمنی با همدیگر همکاری نکنید». هیچ فردی از آنها این حق را ندارد که از فردی پیمان بگیرد که در آنچه می خواهد با او موافقت نماید و با هرکسی که او دوست باشد دوستی کند و با هرکسی که او دشمنی کند دشمن باشد، بلکه هرکس چنین کاری را انجام دهد عملش از

حق را ندارند که هرگونه بخواهد مجازات نمایند و هیچ فرد دیگری هم حق ندارد او را در این کار یاری و یا با انجام دادنش موافقت نماید. چنانکه دستور به دوری نمودن از فردی را بدون گناه شرعی صادر نماید یا بگوید: ترا سراجیت می نشانم و یا اخراج کرده و آواره می کنم که چنین کارهایی مانند کار راهبان با نصارا و سرپرستان یهود با زیردستان و یا مشابه اعمال رهبران گمراهی و هوی با زیردستان و رعایا می باشد. ابوبکر صدیق جانشین رسول خدا قدر میان امتش گوید: «أطيعوني ما أطعت الله، فإن عصيت الله، فلا طاعة لي عليكم» «مرا تا زمانیکه پروردگار را اطاعت می کنم فرمان برید. پس اگر خدا را نافرمانی کردم اطاعت من بر شما واجب نیست». رسول الله ﷺ می فرماید:

«لَا طَاعَةَ لِمَخْلُوقٍ فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ»^۱
«فرمانبری هیچ مخلوقی در نافرمانی خداوند درست نیست». «مَنْ أَمَرَكَ بِمَعْصِيَةِ اللَّهِ فَلَا تُطِيعُوهُ»^۲

«هرکس شما را به معصیت و نافرمانی پروردگار دستور داد از او اطاعت نکنید».

بنابراین هرگاه معلم و یا استادی

برای هیچ کسی جایز نیست که به دیگری ظلم کند و یا با قول و عمل بدون حق او را باز دارد. خداوند متعال می فرماید: ﴿وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغْيًا مَا أَكْتَسَبُوا فَقَدِ احْتَمَلُوا بُهْتَنًا وَإِثْمًا مُّبِينًا﴾ الأحزاب: ۵۸

«هرکس مردان و زنان مؤمن را به غیر از گناهی که انجام داده باشند آزار دهد به تحقیق که بهتان و گناه آشکاری را برداشته است». هیچکس این حق را ندارد بدون هیچ ظلمی دیگری را آزار دهد و به او تجاوز و حش را ضایع گرداند و چنانچه به خاطر هوی اینکار را انجام دهد انجام دهنده ظلمی بوده است که خدا و رسولش آن را حرام نموده اند. در حدیث قدسی خداوند می فرماید:

«يَا عِبَادِي إِنِّي حَرَّمْتُ الظُّلْمَ عَلَىٰ نَفْسِي وَجَعَلْتُهُ بَيْنَكُمْ مُحَرَّمًا فَلَا تَظَالُمُوا»^۳

«ای بندگان من ظلم را بر خود حرام نموده و آن را در بین شما ممنوع قرار دادم لذا به همدیگر ظلم نکنید».

مجازات کردن غیر شرعی ممنوع است

هرگاه شخصی جنایتی انجام دهد درست نیست او را جز به وسیله مجازاتهای شرعی مجازات کرد هیچ یک از اساتید و تعلیم دهندگان این



جنس عمل چنگیز خان و امثال او می‌باشد آنهایی که موافقان خویش را صديق و دوست، و هرکس با آنها مخالف باشد را دشمن و باغی می‌دانند. بلکه بر آنها و پیروانشان عهد و پیمان خدا و رسول موجود است و آن اینکه پروردگار متعال و رسولش را اطاعت کنند و آنچه را الله و رسولش دستور داده اند انجام دهند، لذا در صورتی که استاد نفری مظلوم واقع شد او را کمک کند و اگر ظلم نمود در آن به او کمک نکند بلکه از انجامش او را باز دارد چنانکه در صحیح از رسول الله ﷺ ثابت است که فرمود: «انْصُرْ أَخَاكَ ظَالِمًا أَوْ مَظْلُومًا قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ انْصُرْهُ مَظْلُومًا فَكَيْفَ انْصُرْهُ ظَالِمًا قَالَ: تَمْتَعُهُ مِنَ الظُّلْمِ فَذَاكَ نَصْرُكَ لِإِيَّاهُ»^{۴۱}

«برادرت را چه ظالم باشد یا مظلوم کمک کنید. گفته شد ای رسول خدا: اگر مظلوم باشد او را کمک می‌کنیم اما ظالم را چگونه کمک نمائیم؟ فرمود: او را از ظلم کردن باز دارید و این همان کمک کردنش می‌باشد».

حق را ملاک دوستی انتخاب و برای حق انجام دادن: هرگاه بین دو تعلیم دهنده و یا دو نفر از تعلیم شوندگان و یا یک تعلیم دهنده و یک فراگیر علم و فنون دشمنی و مشاجراتی روی داد برای هیچکس درست نیست که یکی از آنها را تا زمان معلوم گردیدن حق یاری دهد لذا نباید به خاطر رفاقت و هوای نفس و از روی جهل کسی را

کمک نماید بلکه مسئله را بررسی کند و در صورت مشخص شدن حق صاحبش را از میان آن دو برعلیه باطل یاری نماید، حال صاحب حق دوست او یا دیگری باشد و



«هرکس مردان و زنان مؤمن را به غیر از گناهی که انجام داده باشند آزار دهد به تحقیق که بهتان و گناه آشکاری را برداشته است». هیچکس این حق را ندارد بدون هیچ ظلمی دیگری را آزار دهد و به او تجاوز و حقش را ضایع گرداند و چنانچه به خاطر هوی اینکار را انجام دهد انجام دهنده ظلمی بوده است که خدا و رسولش آن را حرام نموده اند.

باطل جزو یاران او و یا دیگری باشد. چون مقصود و هدف، عبادت پروردگار و اطاعت رسولش و پیروی کردن از حق و قیام نمودن به عدل می‌باشد. پروردگار متعال می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ ۚ إِن يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا ۖ فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىَٰ أَن تَعْدِلُوا ۚ وَإِن تَلَوُّا أَوْ تَعْرِضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا﴾ النساء: ۱۳۵

«ای کسانی که ایمان آورده اید برپا دارنده عدالت و اظهار کننده حق برای خدا باشید اگر چه بر ضرر خویشان یا پدر و مادر و یا خویشاوندانان باشد اگر کسی که حق بر او ثابت می‌شود توانگر یا فقیر باشد به هر حال خداوند برایشان مهربانتر است پس به خاطر پیروی کردن خواهش نفس از عدالت دوری مجوئید و در صورتی که سخن بیجانید یا اعراض نمایید خداوند نسبت به آنچه انجام می‌دهید آگاه می‌باشد». گفته می‌شود: لوی یلوی لسانه: یعنی خبر دروغ می‌دهد. اعراض نمودن: پوشاندن و کتمان حق است چون کسی که از حق سکوت کند مانند شیطانی است که قادر به سخن گفتن نمی‌باشد. هرکس به سوی دوست و رفیقش متمایل شود

بدون اینکه جانب حق را در مورد او رعایت کند به حکم جاهلیت عمل نموده و از حکم خدا و رسولش خارج گشته است بنابراین بر همه واجب است که همراه اهل حق بر علیه اهل باطل یک دست باشند لذا معظم و بزرگ پیش آنها باید کسی باشد که خدا و رسول او را بزرگ داشته اند و مقدم پیش آنها باید کسی باشد که خدا و رسولش او را مقدم داشته اند و محبوب پیش آنها کسی باشد که محبوب خداوند و رسولش می‌باشد و به همین صورت پست و فرومایه نزدشان باید کسی باشد که نزد خدا و رسولش پست و بی‌مقدار هستند و معیار با رضایت پروردگار و رسول ﷺ می‌باشد نه اینکه هوی و آرزوها ملاک واقع شوند، چون هرکس خدا و رسولش را اطاعت کند هدایت یافته و هرکس خدا و رسولش را نافرمانی کند چنین فردی تنها به خود آسیب رسانده است. این همان اصل و اساسی است که باید به آن اعتماد نمود لذا هیچ احتیاج به تفرقه و گروه گروه شدن ندارد. چون الله تعالی می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ قَرَّعُوا دِيْنَهُمْ وَكَانُوا شَيْعًا كُنتُمْ فِي شِقَءٍ﴾ الأنعام: ۱۵۹

«کسانی که دین خویش را متفرق و تبدیل به گروهها شدند در هیچ چیز با آنها نیستید». و می‌فرماید: ﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ﴾ آل عمران: ۱۰۵

«چون کسانی نباشید که بعد از آنکه مسائل برایشان روشن گردید دچار اختلاف و تفرقه شدند». و هرگاه دو نفری که استادش او را تعلیم دهد منزلت و ارزش احسان او را به خود می‌داند از او تشکر می‌کند ولی نباید کمر دفاع از استادش و یا

دیگری را در هر شرایطی ببندد چون آماده دفاع شدن از یک شخص معین و خود را به او منتسب کردن همانگونه که در سؤال بیان گردید از جمله بدعتهای جاهلیت است و از نوع همان پیمانهای است که مشرکان آن را می بستند. در صورتی که مقصود از آن آمادگی و نسبت دادن همکاری و تعاون در مسائل احسان و تقوی باشد این امر از جمله مسائلی است که خداوند متعال و رسولش برای او و دیگری به آن دستور داده است و در صورتی که مقصود از آن همکاری کردن با هم برای گناه و تجاوز به دیگران باشد این را خداوند متعال و رسولش حرام نموده اند، پس هر قصد خیری که در این موارد وجود دارد در دستورات پروردگار متعال و رسولش وجود دارد لذا نیازی به دستور متعلمین نیست. و اگر مقصود از آن شر و بدی باشد خداوند متعال و رسولش آن را تحریم کرده اند.

لذا تعلیم دهندگان نباید دانش آموزان خویش را در این مورد مخالفت کنند و غیر از معلمان نیز هیچکس این حق را ندارد که یکی از شاگردانش را گرفته و به همان صورت بدعی به خود نسبت دهد و نباید منکر حق معلم اولی بر شاگرد باشند و برای معلم اولی نیز این حق وجود ندارد او را از فایده تعلیم از دیگری منع کند و برای معلم دوم نیز این حق وجود ندارد که به او بگوید: خود را برای همراهی با من و منتسب شدن به من آماده کن و از معلم اولیت دوری کن، بلکه اگر از دو معلم تعلیم دریافت کرد.

باید مراعات حق هر دو را بکند و نباید برای هیچکدام از آنها تعصب داشته باشد و در صورتی که تعلیم دادن اولی به او بیشتر بوده باشد باید

بیشتر رعایت حقوق او را بنماید.
موالات و دوستی با مؤمنان به حد اطاعت و بندگیشان باشد

و هرگاه بر اساس اطاعت خدا و رسولش و همکاری کردن در نیکی و احسان با همدیگر متحد شدند، هر کدام در همه چیز با هم نیستند بلکه هر فردی با دیگری در فرمانبری و اطاعت خدا و رسولش همکاری می کند ولی در معصیت و نافرمانی خدا و رسولش با او نخواهد بود، چون تعاون و همکاری بر اساس راستی و عدالت و احسان و امر به معروف و نهی از منکر و یاری مظلوم و هر آنچه که خدا و رسولش دوست دارند، می باشد، و اساس همکاری بر پایه تعاون بر ظلم و عصبیت جاهلی و پیروی کردن از هوی بدون توجه به هدایت پروردگار و تفرقه و اختلاف نیست، لذا برای هیچ شخصی نباید تعهد همکاری در هر چیزی را داد و او را در آنچه اطاعت خدا و رسولش در آن است مخالفت ننماید.

در چنین حالاتی لزومی ندارد نفر از نزد یکی به نزد دیگری رود و هیچ فردی حق ندارد دیگری را با نامهایی چون، پیدا شده، سر راهی و نامهای دیگر جاهلی بخواند چون این نامها فردی می سازد تا دیگری را با هر آنچه خود می خواهد موافق سازد همان کسی را دوست بدارد که او دوست می دارد و با همان کسی که او دشمنی می نماید بطور مطلق او نیز دشمنی کند ولی این کار حرام است و هیچ فردی حق ندارد دیگری را به آن دستور دهد و هیچ فردی هم نباید در این کار از او اطاعت کند بلکه عامل وحدت و اجتماع شان باید سنت باشد و عامل تفرقه و دور شدنشان از هم باید بدعت باشد. آنچه خدا و رسولش به آن دستور داده اند

«ای کسانی که ایمان آورده اید برپا دارنده عدالت و اظهار کننده حق برای خدا باشید اگر چه بر ضرر خویشان یا پدر و مادر و یا خویشاوندان باشد اگر کسی که حق بر او ثابت می شود توانگر یا فقیر باشد به هر حال خداوند برایشان مهربانتر است پس به خاطر پیروی کردن خواهش نفس از عدالت دوری مجوئید و در صورتی که سخن بیچانید یا اعراض نمایید خداوند نسبت به آنچه انجام می دهید آگاه می باشد».

آنها را به دور خود جمع کند و معصیت و نافرمانی خدا و رسولش باید عامل تفرقشان گردد تا سرانجام مردم به اهل اطاعت خدا و یا اهل معصیت و نافرمانی از او تبدیل شدند. بنابراین عبادت نباید جز برای خداوند و اطاعت مطلق جز از خدا و رسولش صورت گیرد.

نکوهش کسی که بسیار عهد و پیمان با مردم را تغییر می دهد

بدون شک از جمله عبادات جاهلی است کسی که عهد و پیمان با کسی را شکسته و با دیگری هم پیمان گردد اینکار ظلم و بغی و نقض عهدی است که آن را محکم نموده بود این کار حرام و گناه است و این بزرگتر از گناه کسی است که همچون عمل او را انجام نداده است، بلکه چنین کسی که پیش غیر تعلیم دهنده و استادش برود و با او پیمان بندد کارش مانند گوشت خوک مرده است. چنین فردی به عهد و پیمان پروردگار نیز عمل نمی کند همانگونه که با اولی بیعت را شکسته و به مانند فردی است که شوخی می کند و فاقد هرگونه عهد و



پیمانی است و نه دین دارد و نه پابند رعایت پیمانی است، چنانکه در جاهلیت نفری با قبیله‌ای هم پیمان می‌شد ولی هرگاه قویتر از او را پیدا می‌کرد عهد اولی را شکسته و با دومی پیمان می‌بست و این شبیه حال همانها است. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ وَلَا تَنْقُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِي نَقَضَتْ غَزَلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكُنَّا نَتَّخِذُ دُونِ أَيْمَانِكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ أَنْ تَكُونَ أُمَّةٌ هِيَ أَرْبَىٰ مِنْ أُمَّةٍ إِنَّمَا يَبُوءُ الْكَافِرُ لَكُمْ عَهْدًا فَلْيَبْزُوا فِيهِ نَفَقًا فَنُفِقُوا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَلَتُسْأَلُنَّ عَمَّا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ وَلَا تَتَّخِذُوا أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ فَتَزِلَّ قَدَمٌ بَعْدَ ثُبُوتِهَا وَتَذُوقُوا أَلْوَسَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَلَكُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾

النحل: ۹۱ - ۹۴

« چون عهد و پیمان با خدا بستید به آن وفا کنید و بعد از محکم ساختن سوگندها آنها را نشکنید که هر آینه خداوند را بر خویشتن نگهبان ساخته اند و به راستی خداوند آنچه را انجام می‌دهید می‌داند. چون زنائی نباشید که بعد از محکم کردن، رشته خود را پاره پاره و از هم گسست، سوگندهای خویش را وسیله مکر و حيله در میان خویش قرار ندهید تا گروهی از گروه دیگر افزونتر شود که براستی خداوند شما را به آن افزونی می‌آزماید. و البته برای شما روز قیامت آنچه را که در آن اختلاف می‌نمودید، بیان می‌نماید. و اگر خدا بخواهد همگی شما را یک گروه قرار می‌داد ولی هرکس را بخواهد گمراه و هرکس را بخواهد

هدایت می‌کند و از آنچه انجام می‌دادید حتی بازخواست می‌شوید، سوگندهای خویش را وسیله نیرنگ و حيله در میان خویش قرار ندهید تا قومی بعد از استواریش بلغزد و به سبب بازداشتن مردم از راه خدا سزای آن را بچشید و برای شما عذاب بزرگی قرار داده اند.

از اهل فساد پیمان نگیرید

بر آنها لازم است امر به معروف و نهی از منکر کنند و در میان خویش کسی را که ظلم و فحشایش آشکار است دعوت نکنند و نوجوانی را که هنوز به سن بلوغ نرسیده دعوت نکنند تا مایه فتنه در بینشان نباشد و با کسی معاشرت نکنند که به سبب آن مورد اتهام قرار گیرند و از کسی به خاطر هدف فاسدی تکریم ننمایند.

نکوهش ولایت و دوستی مطلق به حق یا باطل

هرکس با فردی هم پیمان شود تا با کسی که او دوست دارد دوستی و با کسی که او دشمنی دارد دشمنی نماید پیمانش از همان نوع پیمانهایی است که تلاشگران راه شیطان از لشکریان تاتار داشتند، و امثال این افراد از جمله مجاهدان فی سبیل الله نیستند و جزو لشکریان مسلمان نیز محسوب نمی‌شوند بلکه از جمله لشکریان شیطان هستند بلکه شایسته است استادی به شاگردش بگوید: بر تو عهد و پیمان خداست که هر آن کسی را دوست بداری که خدا و رسولش دوست می‌دارند و با دشمنان خدا و رسولش دشمنی و بر اساس نیکی و احسان با دیگران همکاری نمائید. هرگاه حق با من بود حق را یاری ده و اگر من بر باطل بودم باطل را کمک مکن، اگر کسی چنین التزامی را بگیرد از جمله مجاهدین فی سبیل الله است، آنها که می‌خواهند همه ی دین از آن خدا و

کلمه ی الله برتر و والاتر باشد. در صحیحین آمده که به رسول خدا ﷺ گفتند: نفری به خاطر شجاعت و یکی به خاطر تعصب جاهلی و دیگری به خاطر ریا می‌جنگد کدام یک از آنها کارشان در راه خداست؟ فرمود:

«مَنْ قَاتَلَ لَتَكُونَ كَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْغَلِيَّةَ فَهُوَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»^۱.

« هرکس بجنگد تا کلمه خدا بالاتر باشد او در راه خدا حرکت نموده است. » پس هرگاه مجاهدی به خاطر تعصب برای مسلمانان می‌جنگد و یا به خاطر اینکه مردم او را ستایش نمایند و یا به خاطر شجاعت جنگ می‌کند، تا زمانیکه فقط به خاطر اعلا ی کلمه الله جهاد نکند جنگیدنش در راه خدا نیست. با این وصف کسی که بهترین تعلیم دادنش بر اساس و مبنای فاسدی است تا سرانجام فردی را بر علیه مخلوق دیگر حمایت نمایند چگونه در راه خدا می‌باشد؟ کسی که چنین کاری را انجام دهد عملش از جمله اعمال اهل جاهلیت و پیروان تاتار می‌باشد که از دین خارج بودند و چنین افرادی مستحق مجازات شرعی هستند تا آنها و امثالشان را از مانند چنین تفرقه و اختلافی دور نماید و سرانجام همه دین از آن خدا و اطاعت و فرمانبری از آن خدا و رسولش باشد و برپا دارنده عدالت گردند و به خاطر خدا و رسولش دیگران را دوست بدارند و به خاطر آنها از دیگران حمایت و به معروف امر نمایند و از منکرات نهی کنند.

مآخذ

۱- رواه مسلم فی الصحيح و احمد فی المسند.

۲- رواه البخاری و مسلم فی الصحيح.

۳- رواه البخاری و مسلم فی الصحيح.

۴- رواه بخاری و مسلم.

۵- رواه مسلم



آزادی و مسئولیت زنان در خانواده

زین العابدین گوشان

«هرانسان راعی و شبان است و از رعیت خودمسؤل می باشد».

وظیفه و مسئولیت زن در خانه

علی الرغم اینکه زن و مرد مسلمان این مواقف سالم و روابط مبتنی بر کرامت انسانی را کاملاً طبیعی تلقی می کنند، اما این حالت در حقیقت امر یک گذار بس بزرگی بوده که دین اسلام زن را به بلند ترین درجات انسانی ارتقاء داده و در مقامی که سزاوار انسانیت اوست قرار داده است. حال آنکه زن در جوامع و مدنیتهای قدیم هندی، فارسی، چینی، رومی و یونانی مخلوق بیچاره و مستضعفی به حساب میآمد که تنها غرض پوره کردن خواهشات و خواسته های مرد خلق شده است و مرد ها او را بدون هیچ نوع حقوقی به خدمت می گرفتند و همراه با سائر اموال به ارث می بردند، قرآن کریم وضعیت و حیثیت زن را در عصر جاهلیت عرب و



سائر جاهلیتها اینچنین به تصویر می کشد:



وَلَا يَمُرُّ أَحَدُهُمْ بِالْأُنْثَىٰ ظَلًّا وَجَهًا
مُسَوِّدًا وَهُوَ كَظِيمٌ يَتَوَرَّى مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا
يُمِرُّ بِهِ أَيْمَسُّكُمْ عَلَىٰ هَوًى أَرَادْتُمْ فِي
النَّحْلِ: ۵۸-۵۹

"در حالی که هرگاه به یکی از آنها بشارت دهند دختری نصیب توشده

صورتش سیاه می شود، و خشمگین میگردد!

بخاطر بشارت بدی که به او داده

نموده است، در دین مقدس اسلام هیچ قضیه وجود ندارد که انسان بدون تفکر و تعقل و بشکل کورکورانه بپذیرد، حدیث مبارکه فوق نیز بدرستی این موضوع را می رساند، هرفردی از افراد جامعه انسانی در روی زمین مسؤل است و باید پیامد های مسؤلیت خود را بپذیرا شود. یعنی هیچ کس حق ندارد که بگوید من آزادی را کار ندارم، بگذارید من غلام باشم و با دارانم بمن آب و غذا بدهند!! و برعکس آن، هیچ کس نمی تواند از بار مسؤلیت شانه خالی کند و از پیامد های آن فرار نماید، بلکه در مقابل نیکی برایش نیکی و پاداش بدی جزای بد خواهد بود.

در قلمرو اسلام هیچ گروه و فرد غیرمسؤل از اعمال و عملکرد خود وجود ندارد، درضمن طبقه ای که فقط او مسؤل بوده و مسؤلیت دیگران بروی تحمیل شود نیز وجود نخواهد داشت.

ولی در تمدنهای جاهلیت قدیم با انسان بد رفتاری صورت گرفته است. زیرا او را از خصایص و ویژگیهای انسانیت تجرید نموده و بعد از اینکه تمام آزادی های طبیعی او را از وی گرفتند، او را مسؤل کمبودی های طبقه اشراف و سرداران وانمود می کردند، درست مانند قصه گوسفند مظلومی که گرگ او را مسؤل گل آلود کردن آب دانسته و به جزای گناهی بر وی حمله نمود که اصلاً مرتکب آن نشده بود!! ولی این تنها اسلام است که اعلان میدارد:

جامعه بزرگ بشری، مانند یک فرد از افرادانسان، دوران طفولیت و بچگی و نوجوانی، جوانی و اوج رشد و تکامل را داشته است، پس میتوان گفت: اکنون فطرت انسان پختگی بیشتری یافته و هرانسانی توانایی حمل مسؤلیت خود را دارد. بنابراین آزادی لازم نیز برایش داده شده است، زیرا آزادی بدون مسؤلیت هیچ معنایی ندارد و مسؤلیت هم بدون آزادی اصلاً ممکن نیست پیامبر ﷺ میفرماید: {کلکم راع و مسؤل عن رعیتة فالإمام راع و هو مسؤل عن رعیتة والرجل فی أهله راع و هو مسؤل عن رعیتة والمرأة فی بیت زوجها و هی مسؤلة عن رعیتها... فکلکم راع وکلکم مسؤل عن رعیتة}. (مسندعبد الله ابن عباس ج ۲ ص ۱۱۰)

"تمام شماراعی (سرپرست) هستید و هرکدام شما از رعیت خود مسؤل هستید، امام راعی است و او از رعیت خود مسؤل است و مرد راعی است در خانه خود و او مسؤل است از رعیت خود... پس همه شما راعی هستید و همه شما از رعیت خود مسؤل هستید" فراموش نکنیم که آزادی و مسؤلیت لازم و ملزوم یکدیگر بوده و درضمن از همین ویژگی است که انسانیت انسان متبارز می گردد. پس تنها دین اسلام است که به عنوان آخرین پیام آسمانی و تکامل یافته ترین نسخه آن، این دو مفهوم را بگونه برازنده آن بیان



شده از قوم و قبیله خود متواری می‌گردد؛ (و نمی‌داند) آیا او را باقبول ننگ نگهدارد، یا در خاک پنهانش کند؟ آگاه باشید که بدحکم می‌کنند!"

تا آنکه دین نجات بخش اسلام آمد و در مرحله نخست زن و مرد را در اصل خلقت مساوی و برابر باهم قرار داد:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَكُمْ وَبَيْنَهُمَا رِجَالًا وَنِسَاءً﴾ النساء: ۱

"ای مردم از پروردگارتان بترسید که آفرید شما را از نفس واحدی و آفرید از آن همسر او را و پیرا کننده ساخت از آن دو، مردان و زنان زیادی را"

یعنی: از پروردگاری پروا کنید که شما را از یک اصل که همانا نفس آدم پدرتان است، آفرید و از همین نفس آدم، همسرش حوا را بوجود آورد و در نتیجه زنان و مردان زیادی را از نسل آدم و حوا در دنیا پراکنده نمود. پس مرد و زن، دختران و پسران همه از یک نفس بزرگوار اند، به همین علت در ثواب و عقاب آن دو را مساوی باهم قرار داده است.

(صفوة التفاسیر: ج ۱ ص ۲۵۸)

در جای دیگری از قرآن کریم آمده است:

﴿فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أَضِيعُ عَمَلَ عَمِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ﴾ آل عمران: ۱۹۵

"پس قبول کرد پروردگارشان دعای ایشان را، هر آئینه ضایع نمی‌گردانم عمل هیچ عمل کننده را از مرد و زن شما را، بعضی شما از بعضی است"

چنانچه پروردگار عالمیان در مطابقت به خلقت جسمی و فطری زن و مرد، مسئولیت های متناسب برایشان مقرر داشته می‌فرماید: ﴿وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾ البقرة: ۲۲۸

"و ایشان (زنان) را حقوقی است مانند آنچه برایشان واجب است به طریقه نیک" به همین گونه خداوند حکیم حق اقتصادی زنان را نیز ناچیز ندانسته و بصورت مساوی اعلان نموده می‌فرماید:

﴿لِلرِّجَالِ مِثْلُ نَاصِبٍ مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ مِثْلُ نَاصِبٍ مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَاصِبًا مَقْرُوضًا﴾ النساء: ۷

"مردان را حصه است از آنچه بگذارند پدر و مادر و خویشاوندان و زنان را حصه است از آنچه بگذارند پدر و مادر و خویشاوندان از آنچه کم باشد یا زیاد، حصه مقرر کرده شده" مؤلف فی ظلال القرآن در تفسیر آیه شریفه فوق می‌نویسد: «این قانون همگانی است که اسلام برابر چهارده قرن پیش به زنان حق ارث داده است، همانگونه که به مردان داده است. و نیز حق کودکان را رسمی و محفوظ داشته است، کودکانی که جاهلیت به ایشان ستم می‌کرد و حقوق شان را می‌خورد. آخر جاهلیت به افراد از دیدگاه ارزش عملی آنان در جنگ و تولید می‌نگریست، اما اسلام با برنامه که ارایه داده است به انسان قبل از هر چیز از لحاظ ارزش انسانی می‌نگرد، و آن ارزشی است که از انسان به هیچ وجه جدا نمی‌گردد، و پس از آن از لحاظ وظائف واقعی او در محیط خانواده و در محیط جامعه می‌نگرد.»

(فی ظلال القرآن: ج ۱ ص ۸۹۴)

پس هیچ کس تحت هیچ عنوانی این حق را ندارد که حقوق مستقل اقتصادی زنان را مورد دستبرد و عیب قرار دهد.

حقوق اجتماعی مساوی و برابر با مرد برایش اعطاء نمود و به همان صورتی که مرد حق دارد همسر خود را به خوشی و رغبت خود انتخاب نماید، زن هم این حق را داشته و در صورتیکه جوان باشد، ولی اش نمی‌تواند او را به ازدواج مجبور نماید. همانگونه که مرد در خانه مسئولیت داشته و از یک سلسله حقوق برخوردار است، زن نیز از این حقوق و مسئولیت ها برخوردار می‌باشد. پیامبر ﷺ می‌فرماید: (خیرکم خیرکم لأهله وأنا خیرکم لأهلی) (سنن ابن ماجه: ج ۱ ص ۶۳۶)

"بهترین تان همان است که با اهل خود بهترین است و من بهترین شما با اهل خودمی باشم."

پیامبر گرامی اسلام در حجة الوداع مردان را به خوبی و حسن سلوک و معامله با زنان وصیت نموده، مردی را به نیکی با مادرش سه مرتبه قبل از پدرش امر نموده فرمود که جنس زیر قدمهای مادران است. همانطوریکه برای مردان حقوق سهم گیری در مسائل سیاسی داده شده است، زنان نیز از این امتیازات و حقوق برخوردار اند،

که هرگاه بخواهند می‌توانند از آن استفاده نمایند.

این حقوقی که دین مبین اسلام برای زنان به ارمغان می‌آورد، در حقیقت گذار وسیعی بود که عقول جهان عرب آن روز را حین نزول قرآن کریم بر فرستاده خدا ﷺ متحیر ساخت و تا هنوز هم عقل انسانهای منصف غرب و شرق که مدعی اعطای حقوق کامل زن تا حد مساوات با مردان می‌باشند از آن در حیرت اند.

البته هیچ کس از اهل خرد از این انکار نمی‌کند که در غرب برخی از حقوق برای زنان داده شده است ولی بیشتری از این حقوق مورد بهره کشی قرار گرفته و حتی انسانیت شان لگد مال گردیده است.

آنها زنان را در فابریکه ها بامعاش کمتر از مردان توظیف نموده تا مردان را از صحنه دور نمایند. جسم و زیبایی ظاهری شان را برای ترویج و بازار یابی اجناس شان بکار گرفته اند و حرمت آنان را مورد تجاوز قرار داده اند.

فراموش نکنیم که برخی از زنان در غرب تا جوان است برای اطفای شهوات است و چون کمی بزرگتر شد هم صحبت و رفیق است. و چون زیبایی و جمالش از بین رفت باید خدمتگار مراکز نگهداری بزرگسالان باشد و کار اساسی او در تنظیف سرک ها، صحنها و خدمت در هوتلها و شراب خانه ها.... خلاصه می‌گردد.

زنان در جامعه نخست اسلامی، تغییرات جدید در حیات خود را لبیک گفته و با تمام قوت از آن به دفاع پرداختند. با قبول تمام مشکلات در مکه مکرمه با کاروان دعوت پیوستند و تعذیبات و مشقات قریش را تحمل کردند و «سمیه» ﷺ به مقاومت خود تا آنجا ادامه داد که بعنوان اولین شهید اسلام دنیا را ترک کرد.

زنانی به حبشه هجرت نمودند، با مردان در بیعت عقبه اول و دوم اشتراک ورزیدند. خانه و کاشانه و فرزندان را ترک گفته بسوی مدینه منوره هجرت کردند و در ایجاد دولت اسلام دوشادوش مردان اشتراک ورزیدند. در تمام غزوات شرکت کردند، با ایشان مشورت صورت گرفته و آنها مشوره دادند، در مجالس علم اشتراک

نموده در مساجد به عبادت و تعلیم پرداختند و در سیاست عامه شرکت کردند. اگر زن این تغییرات را لیبیک نمی گفت، به همان حالت اولی خود باقی مانده و وسیله اطفای شهوت و بخشی از مال بحساب می آمد، در آن صورت آزادی ای که اسلام برایش داده بود چه ارزشی میداشت؟... اگر زن قدراین آزادی را نمی دانست.

حق انتخاب شوهر برای زن

در حدیثی که عائشه صدیقه رضی الله عنها روایت می کند آمده است که گفت: «جاءت فتاة الى رسول الله ﷺ فقالت: إن ابی زوجنی این اخیه یرفع خسیسته فجعل الامر الیها قالت: فانی قد أجزت ما صنع ابی أردت أن تعلم أللنساء أن لیس الی الالباء من الامر شیء» (مسند احمد: حدیث ۲۵۰۴۲)

"دختر جوانی نزد رسول الله ﷺ آمد و از پدر خود شکایت کرد و گفت:

پدر می خواهد او را بدون رضایتش به ازدواج برادر زاده اش دهد. پیامبر ﷺ کوشید تا دختر را راضی سازد ولی او آنرا رد میکرد بالاخره پیامبر ﷺ پدرش را گفت که دخترش را به کاری که نمی خواهد مجبور نسازد. ولی بعداً دختر راضی شده و نظر پدر خود را پذیرفت.

ولی چرا در نخست این پیوند را رد کرد و بعداً پذیرفت؟ او می گوید: تا به زنان مسلمان بفهمانم که پدران جبراً دختران شان را به نکاح داده نمی توانند."

به همین صورت حدیثی به این شرح آمده است: {عن خنساء بنت خدام الانصاریة أن أبایها زوجها وهی ثیب فکرت ذلک، فأتت رسول الله ﷺ فردنکاحها}.

(بخاری ۵۱۸۳- ابوداؤد ۲۱۰۱- ابن ماجه ۱۸۷۲)

"از خنساء بنت خدام انصاری رضی الله عنها روایت است که وی را پدرش به ازدواج کسی درآورد، در حالیکه زن بیوه بود، پس این (ازدواج) را نپسندید و خدمت رسول معظم اسلام شکایت نمود و او ﷺ این نکاح را رد کرد"

همچنان در حدیثی آمده است: {عن ابن عباس أن جاریة بکرا أتت رسول الله ﷺ فذکرت أن أبایها زوجها وهی کاره «فخیرها الی ﷺ».

(نبیل الاوطار: ج ۴ ص ۱۹۷)

"از حضرت ابن عباس رضی الله عنهما روایت است

اینکه: دختر جوانی نزد رسول الله ﷺ آمده و متذکر شد که پدرش او را با ازدواج داده است، در حالیکه وی نا راضی است، پس رسول الله ﷺ وی (دختر) را مخیر گردانید"

آیا در زندگی زنان صفحه زیباتر و درخشنده تر از این میتوان یافت که دال بر استجابت تغییر از سوی زنان باشد؟

در طول تاریخ اسلامی، زنان به عنوان یک بال قوی جامعه، در خدمت جامعه حرکت میکرد و در توافق و هم رنگی با مرد، یعنی بال دیگر اجتماع قرار داشت.

ولی همزمان با انحطاط و به قهقرا رفتن کشور های اسلامی، به جای شناخت و معرفت علمی، فلسفه های بیگانگان نشر گردید، مردان به شهوات خود مصروف گردیده و زنان به حرم سرا ها برده شدند، آنها به زعم خویش زنان را محافظت می نمودند، در حالیکه آنها را برای رفع شهوات و ملذات خود احتکار می نمودند. در چنین حالتی زنان نقش خود را از دست دادند و مردان نیز از ایفای مسئولیتهای خود عاجز آمدند. در این مرحله انحطاط فتوا های زیادی صدور یافت که زن فقط سه مرتبه از خانه اش خارج شود، یکی روز ولادتش و دیگری روز ازدواجش و سوم روز وفاتش.

او نباید بیاموزد، و او در تمام حالات قاصر مقصر است.

و به این ترتیب زن را یکبار دیگر به همان دوره ی جاهلیت برگردانند که اسلام او را از آن بیرون آورده بود. اما در این اواخر دانشمندان و علمای روشن ضمیر کوشیده اند که نقش زن را دوباره در جامعه احیاء نموده، حقوقی را که خداوند ﷻ برایش داده است به وی بازگرداند، و در بعضی از مناطق این امر تحقق پیدا کرده است ولی در برخی از نواحی و مناطق هنوز هم از جهت رسوبات افکار نادرست به مشکل مواجه می باشد. و با قاطعیت میتوان گفت: زمانی کار مؤثر ممکن خواهد بود و در جامعه تغییر محسوسی ایجاد کرد که هر دو جناح (زن و مرد) با هم یکجا حرکت کند.

مخالفین اسلام به خوبی این حقیقت را درک کرده اند و حتی بیشتر از مسلمین این را میدانند. به همین علت تر کیز بیشتری بر فضیله زنان دارند و خود را در بلند ترین قله

ی کامیابی زمانی احساس می کنند که زن را از جمع همکارانش جدا ساخته و نغمه خوان انحراف وی بند و باری گردانند. ما همانطوریکه بی بند و باری زنان را نمی پذیریم محبوس بودن او را نیز عمل مردود میدانیم. و می خواهیم بحیث یک عنصر فعال، آزاد و مسؤل در داخل خانواده قرار گرفته و در چوکات فضایل و اخلاق اسلامی به سازندگی و عمران بپردازد و خود بیاموزد و به دیگران بیاموزاند و این فرموده رسول اکرم ﷺ که فرمود: « المرأة راعية فی بیت زوجها وهی مسؤلة عن رعیتها».

مسئله های زن در منزل

قیادت و قیمومیت خانواده را به مرد واگزارد ﴿الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ﴾ النساء: ۳۴ و در کارهای معروف از وی اطاعت نماید.

کسی را که شوهرش نمی خواهد و نمی پسندد به خانه اش راه ندهد.

دساتیر و آموزه های اسلامی را در خانه بر نفس خود و فرزندانش تطبیق کند.

قبل از هر کار دیگری و به درجه اولی توجه جدی به تربیت اولاد داشته و آنها را تربیت سالم، صالح و ایمانی بدهد. زیرا اطفال امروز ذخیره فردای جامعه هستند.

قبل از همه آنها نفس خود را حفاظت نموده و در سایه های فضیلت و حیثیتی زندگی کند که الله ﷻ برایش مقرر نموده است، اخلاق نیکو داشته باشد و خانه خود را مملو از محبت و لطف بگرداند و این فرموده خداوند ﷻ را تحقق بخشد که می فرماید: ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً﴾ الروم: ۲۱

"و از نشانه های قدرت او آنست که بیافرید برای شما از جنس شما همسران تان را تا تسکین یابید با ایشان و گردانید میان شما دوستی و مهربانی"

اگر زن مسئولیت های عملی و اخلاقی خود را در منزل انجام دهد مسئولیت هایی را که در قبال جامعه، مردم و کشور دارد بخوبی درک خواهد کرد.



آداب و روشی که مایه درپیش گیریم

محافظت از منابع

نصیر احمد هدایت

دریافت می کنند. آیا می توانی تصور کنی چگونه منابع می توانند مورد استفاده قرار گرفته و چگونه این موضوع می تواند زندگی افراد فقیر را تحت الشعاع قرار دهد؟ اختلاف طبقاتی شدیدی در کشور های عربی وجود دارد به طوری که عده ای در حال رقابت با یکدیگر در داشتن زندگی تجملاتی و لوکس هستند و عده ای دیگر نیز نان شب ندارند.

برخی از افراد هر روز لباس های مشابهی را می پوشند، آنها را شسته و دوباره می پوشند در حالی که ما یک ساعت جلو الماری خود می ایستیم و نمی دانیم کدام لباس را بپوشیم. برخی افراد دارای لباس های پاره پاره و کفش های سوراخ شده هستند در حالی که تو نمی دانی با لباس های پاره چه کنی. برخی افراد از شدت سرما در زمستان جان می دهند در حالی که شما سه چهار دانه لباس می پوشید.

شما فکر می کنید که خداوند جل و بالا را از ما می پذیرد؟ آیا این چیزی است که اسلام به ما آموخته است؟ شما در مورد افرادی که الماری های لباس شان مملو از لباس است چه فکر می کنید؟ به یاد داشته باشید که لباس یکی از سه مورد در سنجش فقر است. آیا خداوند ما را می بخشد؟ حدیث را شنیدید، باید بلافاصله بعد از اتمام این قسمت نسبت به آن عکس العمل

تنها منابع بلکه مخصوصاً اهمیت دادن به این پروژه است. هر چند حفظ منابع موضوع اصلی ماست اما این پروژه جنبه های دیگری هم دارد:

- توجه به افراد فقیری که در کشور های ما زندگی می کنند. چه کسی به افراد فقیر موجود در جامعه کمک خواهد کرد؟ چه کسی از آنها حمایت خواهد کرد؟ تعداد فقرا در کشور های ما به مرز خطرناکی رسیده است، حدود ۷۰ میلیون نفر در کشور های عربی زیر خط فقر زندگی می کنند. ۲۸ میلیون از آنها در کشور های مصر و سودان زندگی می کنند. آیا می توانی آن ۷۰ میلیون نفر را تجسم کنی؟ آیا می دانی خط فقر یعنی چه؟ خط فقر یعنی حداقل سطح زندگی برای یک زندگی استاندارد طبق سه فاکتور: غذا، لباس و سرپناه. هر کسی کمتر از این سطح را داشته باشد زیر خط فقر قرار دارد. این سطح توسط ایالات متحده ارائه شده و بدین معنی است که ۷۰ میلیون در یکی یا بیشتر از این فاکتور ها (غذا، لباس و سرپناه) از حداقل ها نیز برخوردار نیستند. پس پروژه لباس جنبه های دیگری هم به غیر از حفظ منابع دارد و آن کمک به فقرا است. تصور کن که یک میلیون خانواده مشارکت کنند و نیم میلیون کیسه جمع آوری شود. و این بدین معنی است.

که ۳ تا ۴ میلیون نفر لباس های جدیدی

هر کسی هدفی را در زندگی برای خودش انتخاب کند، برای آن زندگی کند و برای بدست آوردنش تلاش کند، مطمئناً در طول حیاتش به آن خواهد رسید. خداوند می فرماید:

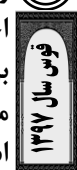
﴿وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ كَتَبْنَا مُوَجَلًّا وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الْآخِرَةِ نُؤْتِهِ مِنْهَا وَسَتَجْزِي الشَّاكِرِينَ﴾ آل عمران: ۱۴۵

(و هیچ نفسی جز به فرمان خدا نمیرد (خداوند مرگ را) به عنوان سرنوشتی معین (مقرر کرده است) و هر که پاداش این دنیا را بخواهد از آن به او می دهیم و هر که پاداش آخرت را بخواهد آن را میدهم برایش و به زودی سپاسگزاران را پاداش خواهیم داد).

اگر شما کلمه (دنیا) و (آخرت) را از آیه فوق حذف کنید به این جمله می رسید ((هر کسی که پاداش بخواهد، ما به او خواهیم داد)). پس خداوند

موفقیت ما را تضمین کرده اما مهم این است که ما اراده ای قوی را در عمل بکار گیریم و آن را در مسیری درست قرار دهیم.

اجازه دهید به پروژه لباس برگردیم. گفتیم که هدف ما مشارکت یک میلیون خانواده است و ما مطمئناً به آن خواهیم رسید و امیدوارم هفته بعد خبر های مسرت بخش آن را به شما برسانم. در حقیقت هدف من نه



نشان داده و کیسه های خود را پر از لباس کنید و به یکی هم بسنده نکنید.

یکی از اصحاب روایت می کند: ((همراه پیامبر ﷺ بودیم که عده ای پا برهنه به نزد ما آمدند، بیشتر آنها برهنه و بسیار فقیر بودند، با دیدن این صحنه صورت پیامبر ﷺ از عصبانیت به سرخی گرایید. من متوجه شدم که گونه پیامبر متورم شده و قرمز گشته است. پیامبر ﷺ رگی در صورت خود داشت که هنگام عصبانیت بسیار نمایان می گشت. پیامبر ﷺ گفت: ((ای بلال، نماز گزاران را فرا بخوان)). من می خواهم شما به حدیث گوش فرا دهید و تجسم کنید که شما یکی از کسانی هستید که پیامبر با آنها صحبت می کند. بلال مردم را جمع کرد. پیامبر ﷺ بر روی منبر رفت و این آیه را با صدای رسا خواند.

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَخْلَقُكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَكُمْ وَبَيْنَ مِنْهَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا﴾^{النساء: ۱}

(ای مردم از پروردگار تان که شما را از نفس واحدی آفرید و جفتش را نیز از او آفرید و از آن دو مردان و زنان بسیاری پراکنده کرد پروا دارید و از خدایی که به نام او از همدیگر در خواست می کنید پروا ننمایید و زنهار باخویشاوندان قطع رابطه نکنید که خدا همواره بر شما نگهبان است). پیامبر در ادامه به این آیه اشاره می کند.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مِمَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾^{الحشر: ۱۸}

((ای کسانی که ایمان آورده اید از خدا پروا دارید و هر کسی باید بنگرد که برای فردای خود از پیش چه فرستاده است و باز از خدا بترسید در حقیقت خدا به آنچه می کنید آگاه است.))

سپس می فرماید ((بیایید هریک از شما از خرماهایتان، گندمهایتان، درهم هایتان و لباس های تان انفاق کنید تا این که برادران مسلمان تان بتوانند چیزی بخورند)). آن صحابی روایت میکند ((سپس مردم به سرعت از جای خود برخاستند و به سوی خانه های خود روانه شدند. پیامبر ﷺ منبر را ترک نگفت تا این که مردم بازگشتند)).

این حادثه بسیار مهمی است، خوب دقت کنید، این حدیث در روز قیامت شاهد خواهد بود. ((مردم بازگشتند، یکی از آنها کیسه ای را با خود آورده بود. دیگری لباس و دیگری خرما. همه آنها را به صورت دو مجموعه جلوی پیامبر ﷺ گذاشتند یکی از لباس ها و دیگری مواد غذایی. چهره پیامبر ﷺ همانند ماه نورانی شد. سپس پیامبر ﷺ به همه آنها نگاهی افکند و گفت:

((هر کسی که روش و سنت نیکی را پایه گذاری کند، ثوابی نصیب او خواهد شد و ثواب تمام کسانی که این سنت را ادامه دهند نیز تا روز قیامت به او خواهد رسید. شما باید بر این روش باشید)).

آیا این جمله پیامبر را شنیدید؟ نتیجه آن تنها حفظ منابع نیست، بلکه رسیدگی به فقرا و دیدار با رسول الله ﷺ نیز هست. صورت پیامبر ﷺ به خاطر لباس های تلنبار شده مردم در خانه و این افراد فقیر و برهنه از عصبانیت قرمز شد. پیامبر بسیار نگران اوضاع فقرا بود و از آنان حمایت می کرد. چیزی که ما امروز آن را فراموش کرده ایم. اصحاب صغه، فقیر ترین افراد مهاجرین بودند و هیچ سرپناهی نداشتند. آیا پیامبر ﷺ آنها را در یک محله کثیف و شلوغ و دور افتاده اسکان داد؟ نه. او خانه آنها را در پشت خانه خودش قرار داد.

او می خواست آنها در نزدیکی او زندگی کنند و به وسیله او به آرامش و برکت برسند. هر کسی که مقداری غذا و لباس داشت، آن را با آنها تقسیم کرد. ابوهریره، صحابی بزرگ پیامبر ﷺ و راوی

احادیث او، از جمله اصحاب صغه بود. او روایت می کند: ((من بسیار گرسنه بودم تا آن حد که احساس کردم از فرط گرسنگی دارم بی هوش می شوم، مردم فکر می کردند دیوانه شده ام، اما فقط بسیار گرسنه بودم. مردی در حال عبور از کنار من بود، به او گفتم: ((بیای تا آیاتی از قرآن را برایت بخوانم)). و سپس ابوهریره شروع کرد به خواندن آیاتی در مورد دادن صدقه، به طوری که دیگران که آنجا بودند نیز تحت تاثیر قرار گرفتند. او بسیار شرم داشت که مستقیماً تقاضای خود را اعلام کند. جوامع ما از بیکاری شدید رنج می برد اما افراد زیادی وجود دارند که بزرگ منشی و حیای آنها اجازه نمی دهد که درخواست خود را مستقیماً بیان کنند. ابوهریره یکی از این افراد بود. صحابه دیگری به او گفت: ((برای من بخوان)). ابوهریره شروع کرد به خواندن این آیه که خداوند می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ﴾^{البقرة: ۲۶۷}

(ای کسانی که ایمان آورده اید، از چیز های پاکیزه ای که به دست آورده اید انفاق کنید.....)).

عمر بن خطاب از کنار او عبور کرد و او آیه صدقه و خیر را برای عمر خواند. عمر ﷺ به او گفت: ((خداوند جزای خیرت دهد)) و او ترک گفت. ابوبکر از کنار او آمد و او برای ابوبکر نیز آیات صدقه را خواند. ابوبکر به او نگاهی انداخت و گفت: ((به خدا قسم ابوهریره که هیچ چیزی در خانه ندارم)) و او را ترک گفت.

ابوهریره در ادامه می گوید: پیامبر از کنار من عبور کرد. به من نگاهی انداخت و گفت: ابوهریره بیا. و مرا به خانه خود برد و از زنش پرسید: ((چیزی در خانه داریم؟)) او جواب داد: کوزه ای شیر. پیامبر آن را گرفت. من به کوزه نگاهی



انداختم. پیامبر گفت: ((ابوهریره، برو و اصحاب صفه را صدا بزن)). من گفتم: یا رسول الله ﷺ، آنها ۱۰۰ نفرند. او گفت: ای ابوهریره! ما خوردنمان و نوشیدنمان با خودمان نیست..... خواهش می کنم به پیامبرمان خوب گوش دهید. ابوهریره ادامه داد: من رفتم و آنها را صدا زدم. پیامبر ﷺ آنها را دعوت کرد تا بنشینند. سپس او به من نگاهی انداخت و گفت: ابوهریره به آنها شیر بنوشان)). او می گوید: ((من کوزه را گرفتم و آن را به مردی دادم، او نوشید و آن را به من باز گرداند. من کوزه را تکان دادم بینم چیزی باقی مانده یا نه. سپس آن را به نفر بعد دادم همین طور بعدی و بعدی. به خدا قسم همه نوشیدند)). این یکی از معجزات رسول الله ﷺ است. ((سپس پیامبر ﷺ در حالی که لبخندی بر لب داشت به من گفت: بنوش ای ابوهریره. من کوزه را گرفتم و آنقدر نوشیدم تا سیر شدم. سپس پیامبر فرمود: بنوش. و من دوباره نوشیدم تا این که کاملاً سیر شدم. پیامبر ﷺ دوباره فرمود: بنوش. و من گفتم یا رسول الله من دیگر شکمم جایی ندارد. او فرمود: ای ابوهریره، دیدی زمانی که ما آنها را سیر می کردیم، خودمان نیز با آنها می نوشیدیم)). پس پیامبر باقی شیر را از من گرفت و نوشید. این است روشی که ما باید با فقرا در پیش بگیریم. این موضوع بسیار اهمیت دارد.

ثواب بزرگ: شما در حال دادن صدقه هستید، آیا می توانید عظمت این ثواب را درک کنید؟ پیامبر ﷺ می فرماید: ((هرکس حتی به اندازه دانه ای خرما که از راه حلال به دست آورده، صدقه دهد، خداوند ثواب آن را آن قدر برایش زیاد می گرداند انگار حیوانی قربانی کرده باشد. حتی صدقه دادن لقمه ای غذا نزد خداوند به اندازه کوه احد بزرگ



می شود)). آیا می توانی این موضوع را تجسم کنی؟ ما در روز قیامت خداوند را ملاقات می کنیم و کوچکترین چیزی که صدقه داده ایم همانند کوهی از اعمال نیک برای ما به حساب می آید. پیامبر ﷺ می فرماید: ((و صدقه خشم خداوند را فرو می نشاند همان گونه که آب آتش را خاموش می کند)) و این بدین معنی است که با باز کردن الماری هایتان و بیرون آوردن لباس ها، از آن خداوند تمام کار های بد شما را می بخشد زیرا تو آنها را به دیگران بخشیدی و صدقه دادی.

پیامبر ﷺ می فرماید: ((خداوند بدون هیچ واسطه ای با هر یک از شما صحبت خواهد کرد. پس بنده به سمت راست خود می نگرند و چیزی به جز اعمال خود نمی بینند، به سمت چپ خود می نگرند و چیزی به جز اعمال خود نمی بینند و سپس به روبرو نگاه می کند و آتش جهنم را در مقابل خود می بیند)). ما می پرسیم پس چه چیزی ما را از آن دور می کند ای رسول خدا؟ پیامبر ﷺ ادامه می دهد: خودتان را از آتش جهنم دور کنید حتی با نیمی از خرما)). این بدین معنی است که شما می توانید یک دانه خرما را به دو قسمت تقسیم کرده، نیمی را خودتان بخورید و نیمی دیگر به عنوان صدقه به دیگران دهید. این شما را از آتش جهنم دور خواهد کرد.

پیامبر ﷺ می فرماید: کسی که مسلمانی را بیوشاند، تا زمانی که آن لباس کهنه و فرسوده شود خداوند از او محافظت خواهد کرد.

پیامبر ﷺ می فرماید: هیچ روزی سپری نمی شود مگر این که هر بنده ای صبح خود را آغاز می کند در حالی که دو فرشته بر او فرود می آیند. یکی از آنها می گوید: خداوندا، به کسی که صدقه داده، بهتر از آن را جایگزینش بگردان و فرشته دیگری می گوید: خداوندا، به کسی که از دادن صدقه

خودداری کرده، ضرر و خسارت مقرر کن.

در مبحث ثواب نکته مهم دیگری وجود دارد که ممکن است شما به آن توجه نکرده باشید. در روز قیامت، شما توسط اعمالتان پوشانده خواهید شد. روزی که همه مردم چه مرد و چه زنان، برهنه و عریان زنده خواهند شد، شما پوشیده خواهید بود. بشتابید و این فرصت را از دست ندهید. ((خداوندا، من نمی خواهم در روز قیامت برهنه و عریان باشم)). تصور کنید که همه مردم به وسیله ثواب هایشان پوشانده شده اند. و تو چه؟ ((خداوندا! در آن روز برای پوشاندن مردم اقدام نمودم، پس مرا بیوشان، همانگونه که بنده تو را لباس پوشانیدم)).

دیدگاه سومی هم وجود دارد و آن (امید) است، تفاوت وجود دارد میان ما و کسانی که قبل از ما این کار را انجام داده اند. به طور هم زمان ما میلیون ها لباس جمع آوری کرده و بدست ۳ تا ۴ میلیون فقیری که شناسایی خواهیم کرد، می رسانیم. این یک جهش بزرگ است. چه احساسی در درون شما به وجود می آید؟ در درون احمد امام برادر عزیز ما چه می گذرد؟ کسی که این پروژه را آغاز کرد و به اندازه همه ما ثواب بدست آورد. کسی که توانست ۶۵۰۰ کیسه را به تنهایی جمع آوری نماید.

من به شما یادآوری می کنم که تمام این ها بازگو کننده "امید" است. شخصی ممکن است بپرسد چرا باید لباس ها را جمع آوری کرده و آن را به مکان هایی که بر روی اینترنت و یا خطوط تلفن معرفی شده اند تحویل دهد. چرا نباید آنها را مستقیماً به افراد فقیر تحویل دهند؟ تفاوت در چیست؟ تفاوت در این است که ما می خواهیم با امید بیشتری رو به جلو حرکت کنیم. جمع آوری لباس ها به

صورت گروهی از لحاظ روحی انرژی فوق العاده ای به ما می دهد. افراد احساس بسیار قوی تری را در هنگام کار جمعی به دست می آورند و یک اتفاق خارق العاده رخ خواهد داد. مردم با اعتماد به نفسی بالا خواهند گرفت ((ما انجامش دادیم!)) آیا منظور مرا فهمیدی؟ بیاید نگاهی به آیین اسلام و روش پیامبر ﷺ در اهمیت کار گروهی بیاندازیم:

حج: تعداد زیادی از مسلمانان در عرفه در یک زمان گردهم می آیند تا از این جمع صمیمی انرژی بگیرند در حالی که لباس نو پوشیده اند و همه خوشحال اند.

زکات فطر: همه در یک زمان به تعدادی از مردم فقیر کمک می کنند و از این طریق خوشحالی و شادمانی در همه جا پخش می شود و همه احساس یکی بودن می کنند. اسلام بر این روش پایه گذاری شده است و این چیزی است که در این پروژه بر آن تاکید میکنیم. این روش به ما انرژی و امید مضاعف می دهد. به پیامبر ﷺ و اصحابش بنگرید زمانی که برای عمره رهسپار شدند. هر یک از آنها جداگانه با صدای آرام می گفتند: ((لیک اللهم لیک لا شریک لک لیک. ان الحمد و النعمة لک و الملک لا شریک لک)).

جبرئیل از آسمان نازل شد و گفت: ((محمد، چرا اصحاب تو صدای خود را در هنگام گفتن تکبیر (گفتن الله اکبر)، تهلیل (گفتن لا اله الا الله) و تلبیه (گفتن لیک) بلند نمی کنند؟ اصحاب صدای خود را بالا بردند آن چنان که بعد از مدت اندکی دیگر صدایشان در نمی آمد! می بینی چه اتفاقی افتاد؟ چنان صدایشان را در گفتن هم زمان تلبیه و تهلیل بالا بردند که صدایشان گرفت. این است نتیجه کاری که به صورت گروهی انجام شود، چون انرژی فوق العاده ای را تولید می کند. این است دلیل این که ما به شما می

گوییم همزمان لباس ها را تحویل دهید. حرکت کنید و کمد تان را باز کنید. ما مطمئناً به هدف مان که یک میلیون خانواده و یا نیم میلیون کیسه است، خواهیم رسید. این باعث ایجاد امید و نیروی فراوانی می شود که ما شدیداً به آن نیازمندیم. در وضعیت کنونی کشور های ما مسلمانان، به این امید نیاز فراوانی داریم.

این پروژه به ما کمک می کند تا به ایده امید بی پایان دست یابیم. بیا بید همانند پیامبر در غزوه تبوک عمل نماییم. آن جنگ بسیار سنگین بود و نیاز به حمایت مالی داشت. پیامبر ﷺ چه کرد؟ او از منبر بالا رفت و گفت: ((چه کسی در تأمین هزینه ارتش تبوک مشارکت می کند؟)) او این سوال خود را سه بار تکرار کرد. مردی از میان تمامی افرادی که ساکت نشسته بودند، برخاست. شبیه برادرمان احمد امام که از میان ما برخاست و گفت: ((من انجام می دهم)) او عثمان بن عفان بود و گفت: ((من ۱۰۰ شتر را در این راه خواهم داد)) پیامبر ﷺ لبخندی زد و فرمود: ((چه کسی در هزینه ارتش تبوک مشارکت می کند؟)) او می خواست روحیه افراد را افزایش دهد به همین دلیل عثمان دوباره برخاست و گفت: من صد شتر دیگر نیز می دهم. پیامبر ﷺ برای بار سوم سوال خود را تکرار نمود و باز هم عثمان ﷺ بار دیگر برخاست و گفت: من صد شتر دیگر (جمعاً ۳۰۰ شتر) خواهم داد. پیامبر ﷺ از منبر پایین آمدند و دستانشان را به سوی کافران چرخاندند و گفتند: از این پس عثمان هر کاری انجام دهد، هیچ ضرری به او نخواهد رسید. مردم در حال تماشای تمامی این صحنه ها بودند. سپس پیامبر ردای خود را وسط مسجد به طوری که دیگران نیز می توانستند آن را ببینند انداخت تا این که افراد دیگر نیز کمک های خود را در آن بگذارند. نتیجه این

کار بسیار شگفت انگیز بود. این روشی است که پیامبر ﷺ در پیش می گرفت. نتیجه آن این بود که عمر به ابوبکر گفت: به خدا قسم، که من از ابوبکر سبقت خواهم گرفت. او رفت و نیمی از اموالش را آورد. پیامبر ﷺ از او پرسید: برای خانواده ات چیزی گذاشته ای؟ او جواب داد: نیمی دیگر را برای آنها گذاشته ام. سپس ابوبکر آمد و پیامبر ﷺ از او پرسید: چه چیزی را برای خانواده ات باقی گذاشته ای؟ ابوبکر جواب داد: این تمام دارایی من است ای پیامبر خدا ﷺ من خدا و رسولش را برای خانواده ام گذاشته ام. عمر گفت: به خدا قسم ای ابوبکر من هیچ وقت نمی توانم از تو سبقت بگیرم. سپس مردم برخاستند و به سوی خانه های خود رفته و هر چیزی که داشتند جمع کردند: خرما، غذا و لباس، عبدالرحمن بن عوف ۱۰۰۰ درهم آورد. حجم اعانات مردم بیشتر و بیشتر می شد. این است آن معنی واقعی. مردم به تشویق یکدیگر در کمک رساندن به همدیگر، آنها از خواب بیدار شدند، در نتیجه ارتش مسلمانان به وسیله حجم عظیمی از اموالی که جمع آوری شد، به پیروزی رسید. خداوند متعال میفرماید: ﴿وَفِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ﴾ المطففين: ۲۶ ((و در این نعمتها مشتاقان باید بر یکدیگر پیشی گیرند)).

برگرفته از کتاب: سازندگان زندگی

مولف: عمر خالد
مترجم: جواد محمودی



رشد اخلاقی و معنوی انسان

قسمت اول

سید مسلم شاه اسدی

این مقاله در صدد تبیین مقصد رشد، و ارزش انسان در حیات فردی و اجتماعی است. انسان دارای هویت فردی و اجتماعی است. مقصد رشد و ارزش انسان در حیات فردی، با دو عنوان «قرب به خدا» و «حیات طیب» مشخص شده است. قرب به کمال مطلق، به معنی کامل تر شدن است. انسان هرچه کامل تر شود، به خدا نزدیک تر می گردد. هرکس به خدا وابسته تر و فقیرتر باشد، کامل تر و به خدا نزدیک تر است. متکلمان حیات را به ترکیبی از «ادراک» و «قدرت» معنا کرده اند. موجود زنده، موجودی است که شعورمند و توانا، دارای قدرت شناخت و تصرف است. «حیات» در موجودات زنده دارای درجه بندی و مراتب است. هر چه انسان از این دو ویژگی بیشتر بهره مند باشد، به معنای حقیقی حیات، نزدیک تر است. در بعد اجتماعی نیز، ارزش انسان بر اساس خدماتی است که ارائه می دهد؛ هرچه این خدمات ارزشمندتر و گسترده تر باشد، تأثیر وجود شخص بیشتر و در بعد اجتماعی موفق تر است.

ما انسان ها از آن روز که خود را

شناخته ایم، همیشه برای دستیابی به «وضعیت بهتر» تلاش کرده ایم؛ گاهی برای تهیه یکی از لوازم زندگی، گاهی برای کسب یک موفقیت اجتماعی و گاهی برای به دست آوردن یک حال معنوی، یکبار برای اندوختن دانش بیشتر و بار دیگر در پی آسایش و لذت افزون تر و ... در تکاپو بوده ایم و همه اینها را در ایجاد یک «وضعیت بهتر» مفید و مؤثر دانسته ایم. اگر این تلاش ها را که به اشیای کوچک و بزرگ و امور خورد و کلان زندگی تعلق می گیرد، در ذهن خود مرور کنیم، به راحتی مواردی را می یابیم که این تلاش ها با شکست مواجه، و موجب دل خوری و ناخرسندی ما شده است. البته در مواردی هم کوشش ما به نتیجه رسیده و ما را خشنود و رضایت مند ساخته است؛ اما همیشه اینگونه بوده است که پس از رسیدن به یک «وضعیت بهتر»، به دنبال «حالتی از آن بهتر» بوده ایم. شاید تهیه یک وسیله، لباس یا کتاب ما را خوشحال ساخته باشد، ولی هرگز به کلی ما را راضی نکرده است؛ اگر زینت یا وسیله ای تهیه کردیم، پس از گذشت مدتی که با آن انس گرفتیم، در رؤیای رسیدن به زینتی گرانباتر یا وسیله ای



است؟ و آخر به کجا می‌روم؟ این نوشتار در نگاهی گذرا و سریع، اما با بیانی ساده و روان در صدد پاسخ به این پرسش، و تبیین مقصد رشد، و ارزش انسان در حیات فردی و اجتماعی است و تلاش کرده با استفاده از تمثیل‌های متعدد و گویا، توجه مخاطب خود را به ژرفای این موضوع جلب کند.

انسان در دو بُعد فردی و اجتماعی

انسان دارای هویت فردی و هویت و معرفت اجتماعی دارد؛ یعنی یک شخصیت حقیقی فردی، و یک شخصیت اجتماعی و صنفی دارد. به همین دلیل، همان‌گونه که موظف به خودشناسی، خودآگاهی و خودسازی فردی است، موظف به خودشناسی، خودآگاهی و خودسازی اجتماعی نیز می‌باشد. همان‌گونه که در مقام یک انسان باید از ظرفیت‌ها، دارایی‌ها، فرصت‌ها، نیازها، استعدادها، بایسته‌ها، وظایف و کاستی‌های خود اطلاع داشته باشد، به‌منزله یکی از اعضای پیکر اجتماع، باید ارزش خود را نیز در حیات اجتماعی بالا برد. انسان، به اقتضای انسانیت خود به مثابه یک فرد اجتماعی از عضویت در اجتماع بشری و فارغ بودن نمی‌تواند و موظف است برای دستیابی به هدفی بلند، مسیری را طی کند؛ مرد و زن، پیر و جوان، شهری و روستایی، کاسب و کارمند و کارگر و معلم، در اصل این وظیفه تفاوتی با هم ندارند؛ زیرا همه در انسانیت مشترک‌اند. آن هدف بلند، همان (حیات طیبه) است که به تفصیل بیان خواهد شد. رسیدن به این نقطه، تأمین ارزش انسان، در زندگی فردی است. انسان حتی اگر در تنهایی هم زیست کند، به حکم انسانیت خویش، موظف به خودسازی و تحصیل (حیات طیب) و کمالات اخلاقی است. انسان همچنین موظف به «حضور اجتماعی» است و به مقتضای سرشت اجتماعی خویش، به

منزله یک فرد، وظیفه دارد در اجتماع زندگی کند. کمال مطلوب انسان نیز در گرو همین زندگی اجتماعی می‌باشد و با حضور درمیدان اجتماع قابل دستیابی است.

همین انسان، آن‌گاه که با جامعه مرتبط می‌شود و عضو از پیکر اجتماع می‌شود، تعریف تازه‌ای می‌یابد و وظایف جدیدی بردوش می‌گیرد. در این شرایط، نه به حکم انسانیت، بلکه به مقتضای حضور اجتماعی‌اش وظایفی دارد. برای مثال، (موظف است حقوق دیگران را رعایت کند؛ به نیازهای هموعان خویش توجه داشته باشد و در صدد ارائه خدماتی به آنها باشد.) اکنون لازم است ارزش انسان را در هر یک از دو بعد فردی و اجتماعی بررسی کنیم.

مقصد رشد و ارزش انسان در حیات فردی

آفریننده بی‌نیاز که انسان را برای جلوه کمالی بی‌نظیر آفریده و عشق به کمال را در سرشت او نهاده است، کمال نهایی او را در اسوه‌های برگزیده‌ای به نمایش گذاشته است تا شوق و علاقه به آنها دل‌ها را به هیجان آورد. پیامبران (علیهم‌السلام) و اولیای الهی که به مقصد عالی کمال رسیده‌اند، پس از بازگشت از این سفر معنوی و انسانی، ره آورد دستور و حیات ارزنده‌ای برای بشر آورده‌اند تا او را از سرگشتگی و حیرت برهانند. پیامبران سخن از یک زندگی دیگر و برتر دارند و انسان را به سوی «حیات طیبه» و «قرب» فرامی‌خوانند؛ آنان گفته‌اند انسان می‌تواند از مرتبه فرشتگان بالاتر رود و به خدا نزدیک‌تر شود. این بالایی و نزدیکی، هرگز توصیف وضعیت مکانی و نحوه قرار گرفتن جسم انسان نیست. در این فصل، به توضیح مفهوم «قرب» و «حیات طیبه» انسانی می‌پردازیم.

قرب به خدا

در ادبیات دینی و در قرآن کریم و

روایات، آخرین مقصد حرکت انسان «قرب به خدا» معرفی شده و بهترین وضعیت برای او، وضعیتی اعلام شده است که در آن، انسان به خدای متعال نزدیک‌تر باشد. این نزدیکی تا بدانجا پیش خواهد رفت که آدمی به مدارج ﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا﴾ - ﴿فَبَارَكْ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ﴾ - ﴿لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيرٍ﴾ و به موصوف به ﴿إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾ و خلیفه خدا در زمین می‌شود. درک بهتر مفهوم تقرب بسیار اهمیت دارد؛ زیرا هم شناخت ما را از خود و جایگاه والايمان در نظام جهان بیشتر می‌کند و هم انگیزه بیشتری برای حرکت به ما می‌دهد. اگر آدمی خود را «ذره‌ای فراموش شده و وانهاده» در گوشه‌ای از این جهان بزرگ نپندارد و قابلیت‌های خود را به خوبی بشناسد، هرگز حاضر نمی‌شود گوهر ارزشمند وجود خود را صرف کمتر از بهای خود کند. چون خداوند متعال بهای آدمی را فوق آدمی قرار داده است.

بی‌تردید قرب به خدا، معنای مادی ندارد؛ یعنی به معنای کم شدن فاصله مکانی یا زمانی میان ما و خدای حکیم نیست؛ زیرا اولاً حقیقت وجود انسان همین کالبد مادی و بدن خاکی او نیست. بنابراین، نزدیک شدن این کالبد خاکی به چیزی، هرگز به معنای نزدیک شدن انسان نیست؛ ثانیاً خدای متعال، وجود مادی زمانی و مکانی ندارد که بتوان با او رابطه‌ای مکانی یا زمانی برقرار کرد؛ نسبت خدای متعال به همه موجودات مادی در هر زمان و هر مکان مساوی است. از این‌روی، دور و نزدیک برای او فرض ندارد. در همه زمان و مکان علم او احاطه دارد.

همچنین قرب به خدا به معنای نزدیکی اعتباری، قراردادی و تشریفی نیست. برای مثال،



نزدیکان حاکم کسانی هستند که حاکم نسبت به آنها توجه بیشتری دارد؛ هرچند از حیث مکانی از او دور باشند. این نزدیکی صرفاً یک قرارداد جایگزین‌پذیر است؛ یعنی می‌توان با تغییر قرارداد، فردی دیگر را به عنوان وزیر و وکیل معرفی کرد. قرب به خدای متعال، یک واقعیت وجودی است. از آنجا که خدای متعال کمال مطلق است، قرب به کمال مطلق به معنای کامل‌تر شدن است. وقتی می‌گوییم یک دانشجو کوشا به استاد نزدیک‌تر است تا دانش‌آموز دوم ابتدایی، هرگز فاصله زمانی و مکانی و قراردادی را در نظر نگرفته‌ایم؛ بلکه مرادمان این است که از نظر علمی و کمالات وجودی، میان این دانشجو و آن استاد فاصله کمتری وجود دارد و اگر بنا باشد کار آن استاد به کسی واگذار، و جانشین یا نماینده‌ای برای او تعیین شود، شایستگی و فعلیت دانشجو بسیار بیش از دانش‌آموز است؛ بر خورداری‌ها و دارایی‌هایی آن استاد بیشتر در این دانشجو دیده می‌شود تا آن دانش‌آموز. قرب به خدا نیز اینچنین است. همه مخلوقات از آن روی که موجودند، به خدا نزدیک‌اند، ﴿وَقَدْ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْكُمْ وَلَكِنْ لَا تُبْصِرُونَ﴾ ^{البقرة: ۸۵} اما با در نظر گرفتن ویژگی‌ها و کمالات وجود، فاصله آنها با خدا متفاوت است. فاصله جمادات با خدا بیش از فاصله حیوانات با خداست؛ زیرا حیوان آگاهی و حرکت دارد، اما جماد این ویژگی را ندارد. همچنین فاصله حیوان با خدا بسیار بیش از فاصله فرشته با خداست؛ زیرا آگاهی و قدرت فرشتگان با حیوانات قابل مقایسه نیست. در این میان، آدمیان چنان آفریده شده‌اند که می‌توانند با کسب



کمالات بیشتر به سوی خدا حرکت کنند؛ و قرب خود را با خدای متعال افزایش دهند و از فاصله خود با خدا بکاهند؛ یعنی خلیفه و جانشین خدا شوند. هرچه انسان کامل‌تر شود و وجود خود را گسترش دهد، به وجود (آن کامل بی‌نهایت) نزدیک‌تر می‌شود. دمیده شدن روح الهی در وجود انسان ﴿وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي﴾ ^{ص: ۷۲} و بهره‌گیری از رنگ الهی ﴿صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنْ اللَّهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ عَكِيدُونَ﴾ ^{البقرة: ۱۳۸} که در آیات قرآن بدان اشاره شده، بیانگر همین موضوع است. با توجه به اینکه غیر از خدا، کسی از خود چیزی ندارد و هر کمالی که آفریدگان او متعال دارند، اصالتاً از خدا و متعلق به اوست، می‌توان دریافت که انسان هرچه دارا تر و به خدا نزدیک‌تر شود، وابستگی بیشتری به آن ذات خواهد داشت، انسان در یک صفت هرگز به خدا نزدیک نمی‌شود و آن صفت غنا و استقلال است. بنابراین، هرکس به خدا وابسته‌تر باشد، کامل‌تر و به خدا نزدیک‌تر است. یکی از ویژگی‌های انسان، آگاهی از خودش است. با تکامل نفس، این خودآگاهی نیز تکامل یافته و قوی‌تر می‌شود؛ یعنی انسان نحوه وجود خود را بهتر و روشن‌تر درک می‌کند و بیشتر به وابستگی و نیاز خود پی می‌برد. برای نمونه، اگر شعاعی از نور را که به منبع نوری مانند خورشید متصل است در نظر بگیریم و فرض کنیم این شعاع نور توان درک وجود خود را داشته باشد، می‌تواند بیابد که حقیقتی جز ارتباط و اتصال با منبع نور ندارد؛ اما از آنجا که این شعاع تنها در یک نقطه به منبع نور متصل است، در صورت داشتن خودآگاهی، تنها به اندازه نقطه اتصال، از نحوه وجود خود و ارتباطش با خورشید آگاه است. حال اگر این شعاع

نور می‌توانست کامل‌تر و بزرگ‌تر شود، چون وجودش عین اتصال به منبع نور است، اتصال بیشتری با منبع نور پیدا می‌کرد و از آنجا که - به فرض - دارای خودآگاهی است، در نتیجه این تکامل، از اتصال خود با منبع نور بیشتر آگاه می‌شد و به همان میزان منبع نور را شدیدتر و واضح‌تر می‌یافت. تکامل نفس انسان نیز موجب درک وابستگی بیشتر خواهد بود. همان‌طور که یک جسم شفاف هرچه شفاف‌تر باشد، کمتر دیده می‌شود و وراي خود را بیشتر از خود نشان می‌دهد، انسان نیز هرچه کامل‌تر می‌شود، فقر و وابستگی خود را بیشتر درک می‌کند و از خود، چیزی جز ارتباط با خدا نمی‌بیند. به عبارت دیگر، بین خود و خدای متعال واسطه و حجابی نمی‌بیند و خود را در مقام موجود مستقل در برابر خدای عالمیان نمی‌یابد. به تصویر روی جلد کتاب نگاه کنید؛ این تصویر را یک طراح هنرمند کشیده است. شاید شما هیچ‌گاه او را ندیده، و اطلاع ویژه‌ای از او نداشته باشید. این تصویر هرگز شما را با قیافه ظاهری، دانش، کیفیت معاشرت، و خلق‌وخوی او آشنا نمی‌کند؛ اما بخشی از هنر، سلیقه، دقت، توان و مهارت او در این اثر آشکار است. تنها از ناحیه همین اثر احساس می‌کنید که نسبت به صفات آن طراح شناختی پیدا کرده‌اید و گزارش‌هایی در باره او می‌توانید بیان کنید؛ گویا تا اندازه‌ای او را می‌بینید. این تصویر، خویشاوندی و قرابتی با آن طراح دارد. آثار دیگر این شخص هر یک تا اندازه‌ای او را معرفی می‌کنند برای مثال: اگر تصویر او را ببینید یا صدای او را بشنوید یا از اظهارنظر او درباره مطلبی مطلع شوید؛ به صورت واضح‌تری با ویژگی‌های او آشنا می‌شوید. گویا او را بهتر دیده‌اید. هریک از این آثار، آینه و جلوه شخصیت آن طراح است که به اندازه خود، او را به ما معرفی می‌کند.

البته آینه و جلوه‌ای ناقص که تنها بخشی از صفات او را ارائه می‌دهد. بی‌شک هرچه این ارائه، جلوه‌گری و مظهریت بیشتر باشد، نزدیکی اثر به صاحب اثر بیشتر است. اظهارنظرها و عقاید هر کس، از صدای او به شخصیتش نزدیک تر است. (هرچه انسان بیشتر بتواند حضور خدا را در کردار و اعمال خود عمیقتر و رنگین تر داشته، و مظهریت بیشتری برای پروردگار داشته باشد، به خدا مقرب تر است؛ خدای متعال بر خلاف ما انسان‌ها که با هیچ اثری نمی‌توانیم تمام صفات ظاهری و باطنی خود را منحیث انسان بنمایانیم، آینه‌ای تمام‌نما و جلوه‌ای تام دارد.) این مخلوقات - مانند تصویر درون آینه - استقلالی از خود ندارند، اما می‌توان گفت آنها انسان‌های کامل، نماینده، خلیفه و جانشینان خدایند. از آینه قدرت الهی که بسیار به او نزدیک است با این عنوان یاد شده است: خلیفه‌الله، انسان آفریده شده است تا با افزایش شعور خود و درک بیشتر حقایق جهان، وجود خویش را کاملتر، و جهان خود را بزرگتر سازد. راز عظمت انسان و سرّ برتری او بر فرشتگان، همین علم است:

﴿وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ﴾
البقرة: ۳۱ - ۳۲

اما آیا مراد از علم، علم ریاضی، فیزیک و کیمیا است؟

حقایق عالم در دو گروه بزرگ جای می‌گیرند: مادی و معنوی، پیدا و پنهان، ظاهر و باطن، شهادت و غیب. منظور از حقایق مادی یا پیدا، دسته‌ای از پدیده‌هاست که با واسطه یا بی‌واسطه با حواس پنج‌گانه قابل مشاهده و دستیابی است که انسان با تلاش و زحمت می‌تواند آنها و روابط

بین‌شان را به وسیله ابزارهای حسی خود بشناسد. دسته دوم، حقایق غیبی (غیر مادی) است که از دسترس حواس پنج‌گانه خارج است و انسان نمی‌تواند با استفاده از ابزار مادی و حواس ظاهری با آنها مرتبط شود.

آن‌گونه که از آموزه‌های دینی برمی‌آید، نسبت ابعاد عالم ماده به حقایق پنهان جهان، نسبت حلقه به فلات است. گویا عالم ماده با همه عظمتی که برای ما دارد، به منزله حلقه کوچکی است که در بیابان پهناوری افکنده شده باشد. آنچه با حواس قابل درک است، ظاهر این عالم است و در مقایسه با آن سوی هستی، به منزله محیط زندگی جنین (رحم مادر) در مقایسه با دنیای خارج، تنگ، تاریک و محدود است.

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «آسمان دنیا نسبت به آسمان دوم چون حلقه‌ای از زره است که در بیابانی افکنده شده باشد هم چنین هر آسمان نسبت به آسمان مافوق خود این گونه است».

اکنون که دانستیم کمال انسان، به دست آوردن معرفت بیشتر از حقایق جهان می‌باشد، لازم است اضافه کنیم که این تلاش معرفتی باید متناسب با ارزش این حقایق توزیع شود. انسان در این جهان چون پژوهشگری است که با هدف شناسایی یک شهر و تهیه نقشه آن، به آنجا سفر کرده و در مسافرخانه‌ای سکونت یافته است. اگر این پژوهشگر بخواهد در فرصتی محدود وظیفه خود را به خوبی انجام دهد، نباید برای جمع‌آوری اطلاعات به امور جزئی پردازد؛ وی موظف است مهم‌ترین عناصر و اجزای این شهر را شناسایی، و نسبت‌ها و روابط میان آنها را کشف کند. آن‌گاه اگر فرصتی باقی ماند، جزئیات نقشه تنظیمی خود را تکمیل کند.

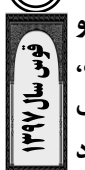
اگر فرض کنیم این پژوهشگر

شناسایی شهر را از مسافرخانه آغاز کند و تمام زمان خود را به شمارش خشت‌ها یا متر کردن دقیق ابعاد آن مسافرخانه پردازد و با کاوش فراوان درجه حرارت و شدت نور و آمار مفصلی از اجزای این منزل و طرح کاملی از نقشه آن فراهم آورد و حتی بهترین برنامه برای زندگی در آن را در گزارش پایانی خود بیاورد، زحمت فراوانی کشیده است؛ اما آیا مسئولیت خود را به خوبی ایفا کرده و سرمایه علمی شایسته‌ای فراهم آورده است؟ پژوهشگری که برای شناسایی شهر اعزام می‌شود، باید از شناسایی محل سکونت خود جز به اندازه لازم برای سکونت موقت، چشم‌پوشی کند و زمان محدود خود را به وظیفه اصلی اختصاص دهد.

خلقت انسان نیز حکایتی اینچنین دارد. اعزام انسان به این دنیا، در مسافرخانه‌ای به نام عالم طبیعت، برای کسب معرفت و شناسایی جهان هستی است. بنابراین، شناسایی عالم طبیعت به عنوان جزء کوچک از مجموعه‌ی هستی، تنها به اندازه‌ای مقبول و ارزشمند است که حیات موقت انسان در این مسافرخانه به آن نیاز دارد. زمانی آگاهی از عالم ماده، آگاهی کامل و مفیدی است که نسبت میان ظاهر هستی و باطن آن کشف شده، تأثیر و تأثر متقابل میان ماده و معنا به دست آمده باشد.

(اگر آدمی در این جهان، سیم و زر و نعمت و شهوت پیرامون خود را ببیند، ولی قدرتی که این همه را با اشاره «کن» برای او فراهم آورده است نبیند، همچون مورچگان کور و کوچک است؛ هرچند ادعا کند و بر خود بیابد.)

ادامه دارد...





کارکردها و گزارش ها

خبرنگار: حاجی توکل بخشی

۲۳ عقرب ۱۳۹۷ تجلیل از میلاد با سعادت پیامبر بزرگوار اسلام ﷺ

وزارت ارشاد، حج و اوقاف از میلاد فرخنده پیامبر بزرگ اسلام ناجی بشریت حضرت محمد مصطفی ﷺ طی محفل شکوهمندی در هتل ستاره های شهر تجلیل بعمل آورد در این محفل نورانی، افزون بر هیأت رهبری وزارت، برخی از رجال برجسته دولتی، جمع غفیری از استادان، امامان مساجد و علمای جید کشور، شماری از طلاب مدارس دینی و قاریان دارالحفاظ ها، تعدادی از خواهران و عده ای از خبرنگاران اشتراک ورزیده بودند.

برنامه با تلاوت آیاتی از قرآن عظیم الشان با صدای دلنشین شیخ القراء استاد قاری برکت الله سلیم آغاز یافت. بعداً پیام استاد فیض محمد عثمانی وزیر ارشاد، حج و اوقاف به مناسبت خجسته میلاد مسعود منجی عالم بشریت حضرت محمد مصطفی ﷺ توسط قاری محمد اسحق حیدری عرب رئیس دفتر مقام وزارت به خوانش گرفته شد که در قسمتی از آن آمده است: زاد روز خجسته و با سعادت حضرت پیامبر اکرم ﷺ مهمترین مایه تحکیم صلح، وحدت، اخوت دینی و هسته ی مقاومت در برابر ظلم و ستم دانسته می شود.

رسالت آن حضرت ﷺ بزرگترین عامل تحول مثبت انسانی و عدالت اجتماعی در جهان بود. در فرازی از آن آمده است: مهمترین پیام تولد و رسالت پیامبر اسلام ﷺ در جامعه دینی آشتی، برادری، برابری و امنیت می باشد.

پس از آن سید محمد شیرزاد رئیس ارشاد، حج و اوقاف ولایت هرات سخنرانی جامعی نمودند. متعاقباً دوکتور احمد نور واقف مشاور مقام ریاست اجرائیه صحبت نموده در بخشی از سخنانش گفت: ترویج فساد، قوم پرستی و شرارت میان امت اسلامی کار دشمنان اسلام است. متابعت از آن، دوری از سنت پیامبر ﷺ بوده که امروز سبب ذلت همه شده که عامل خون ریزی و اتلاف حقوق مسلمانان در جهان اسلام گردیده است.

به همین گونه آقایان هریک آیت الله توکلی، محمد آصف مصباح و مولوی مفلح به ترتیب صحبت نمودند که طی صحبت های شان پیروی از سیرت آنحضرت ﷺ را حکم الهی خواندند. در اخیر پیشنهادهی را به مقام ریاست جمهوری اسلامی افغانستان ارایه نمودند، مبنی بر این که: وزارت ارشاد، حج و اوقاف باید در سطح کشور به یک وزارت با صلابت و مقتدر مبدل شود و در تمام ادارات دولتی (مرکزی و ولایتی) یک دفتر نمایندگی آن با اختیارات کامل گشوده گردد تا مامورین را امر به معروف و نهی از منکر نمایند، کسانی که نسبت به آن بی اعتنایی می نمایند و اشاعه فساد می کنند به ارگان های عدلی معرفی گردند. محفل با دعای خیر پایان یافت.

گزارش ریاست تعلیمات دینی و تدریس ائمه

در بخش اشتراک در جلسات

ملاقاتات رئیس تعلیمات دینی و تدریس ائمه بانماینده مؤسسه (undp) در مقر ریاست تعلیمات دینی و تدریس ائمه، بحث و تبادل نظر پیرامون برنامه های آموزشی برای استادان مدارس دینی جهت ارتقای ظرفیت صورت گرفت. بررسی و کنترل از شیوه ی تدریس استادان مدارس که تحت پوشش این اداره فعالیت می نمایند و همچنین رهنمایی شان به شیوه جدید تدریسی به شکل آسان.

بازدید و کنترل دائمی از مدارس و دارالحفاظ های تحت پوشش این وزارت.

در بخش فعالیت های آمريت آموزش های دینی

نظارت از چگونگی روند فعالیت های مدارس : حلقات سرک چهل متره، انائیه بی بی زینب، انائیه ارشاد القرآن حضرت



بلال (رض) حضرت عمر بن خطاب (رض) اناثیه بی بی ساره، امام باقر چندانول، امام مسلم زیر چنار، اناثیه ی الفلاح، امام ابوحنیفه (رح) بی بی فاطمه الزهرا، امام مسلم، دارالحفاظ فتحی خالد بن ولید، و اناثیه شمس البنات.

دربخش برگزاری محافل

• به سلسله فراغت طلاب مدارس در شهر کابل، محفل باشکوهی با اشتراک رئیس تعلیمات دینی و تدریب ائمه آمرین، مدیران و تعداد از کارمندان این ریاست در هوتل خلیج که از طرف مدرسه ی حذیقہ القرآن راجستر شده در چوکات ریاست تعلیمات دینی و تدریب ائمه برگزار گردید و برای (۲۰۰) تن از فارغین که از بخش های قرائت و تجوید فارغ گردیده بودند طی محفل خاصی تصدیق نامه ها و جوایز در نظر گرفته شده، توزیع گردید.

مقام و منزلت معلم

• کنفرانس علمی تحت عنوان مقام و منزلت معلم از دیدگاه دین مقدس اسلام که از طرف کمیته فرهنگی و نشراتی مدارس اناثیه ی الفلاح تحت نظر ریاست تعلیمات دینی و تدریب ائمه وزارت ارشاد، حج و اوقاف بمنظور ارج گذاری از مقام والا و مقدس معلم در هوتل افغانستان نوین واقع چمن حضوری با اشتراک (۴۰۰) تن از اساتید و شاگردان مدارس دایر گردید.

• در این کنفرانس هیئت رهبری وزارت ارشاد، حج و اوقاف و وزارت معارف، کمیشنر حقوق بشر، مشاور ریاست اجرائیه مسؤول جندر ستره محکمه، مدیران و اساتید مدارس مربوط وزارت ارشاد، حج و اوقاف، مدیران و اساتید مکاتیب و معارف ناحیه هشتم و ولسوالی بگرامی، و سایر دوستان اشتراک ورزیده بودند.

محفل با قرائت آیات چندی از کلام ملکوتی و نور بخش الهی آغاز گردید، سپس سرود ملی توسط شاگردان مدرسه الفلاح خوانده شد، بعداً محترم مطیع الله (صافی) مدیر عمومی مدارس اناثیه الفلاح پیرامون هدف برنامه صحبت نمود.

متعاقباً کنفرانس علمی توسط محترم عبدالحکیم (منیب) معین وزارت ارشاد، حج و اوقاف رسماً افتتاح گردید و پیرامون اهمیت مقام و منزلت معلم از دیدگاه دین مقدس اسلام مفصلاً صحبت نمود.

در این کنفرانس علمی محترم دوکتور احمد نور (واقف) مشاور امور دینی و تدریسی ریاست اجرائیه، محترم دوکتور شفیق (صمیم) معین وزارت معارف، محترم قاضی ریاض الله صابر رئیس تعلیمات دینی و تدریب ائمه این وزارت، محترمه قدریه (یزدان پرست) کمیشنر حقوق بشر نیز پیرامون موضوع صحبت نمودند.

در ختم محفل تقدیر نامه ها و تحایف که از طرف مدرسه متذکره تهیه شده بود به فارغین توسط هیئت رهبری وزارت ارشاد، حج و اوقاف و معارف و به بعضی از مهمانان توزیع گردید.

گزارش های ریاست ارشاد، حج و اوقاف ولایت کندز از بابت ربع سوم سال مالی ۱۳۹۷

برنامه ارشادی

۱- اعلان داوطلبی و آفر گشایی (۱۵) محراب مساجد برای ترمیم که از بودجه وزارت منظور گردیده بود که از جمله (۱۲) محراب آن آفر گشایی و طی مراحل تدارکاتی قرار گرفته و سه محراب آن نسبت عدم مراجعه شرکت های ساختمانی بار دوم به اعلان گذاشته شده است.

۲- خریداری (۴۲۸ m) متر جاینماز و توزیع آن برای مسجد شریف منگ تبه و ولسوالی چهاردره این ولایت.

۳- سازماندهی جلسه مشترک فی مابین ریاست ارشاد، حج و اوقاف و دفتر یوناما مقیم این ولایت تحت عنوان نقش علماء در تامین صلح که در جامعه دارند.

۴- سازماندهی و هماهنگی بین رادیو تلویزیون آرزو و ریاست ارشاد، حج و اوقاف غرض مصاحبه پیرامون اهمیت نشست علمای جهان اسلام در عربستان سعودی به منظور صلح و ثبات در افغانستان.

۵- سازماندهی و هماهنگی بین رادیو تلویزیون خاور و ریاست ارشاد، حج و اوقاف جهت مصاحبه و اظهار نظر در مورد اهمیت محیط زیست از دیدگاه اسلام.

۶- اشتراک علمای کرام در ورکشاپ ده روزه تحت عنوان نقش علماء در ترویج حقوق بشر با همکاری ریاست محترم حقوق بشر ولایت کندز.

۷- برگزاری ورکشاپ یک روزه تحت عنوان با سواد ساختن یک دختر که برابر به با سواد ساختن جامعه است فی مابین دفتر آموزی لینکن و ریاست ارشاد، حج و اوقاف در مقر این ریاست.

۸- برگزاری ورکشاپ یک روزه تحت عنوان قاچاق انسان از دیدگاه اسلام با همکاری موسسه زنان برای زنان.

۹- معرفی علمای کرام در میز های گرد و شبکه های مختلف تلویزیون و رادیوها راجع به صلح، جنگ و خشونت، فضیلت شهدای کرام، هفته شهید، آگاهی از حقوق اطفال از دیدگاه اسلام و غیره ...



۱۰- دعوت مردم به امر به معروف و نهی از منکر و آگاهی دهی به ارتباط تعویض نویسی، فال بینی، که باعث فساد اجتماعی و غیر اخلاقی در جامعه اسلامی می گردد.

برنامه حج و زیارت

به تعداد (۹۰۴) نفر سهم این ولایت، تعداد (۲۴) نفر سهم ادارات، (۲۰) نفر ناظم و (۳) نفر عضو بعثه که جمله به تعداد (۹۵۱) نفر حجاج میشود که تعداد (۲۱۹) تن آن را قشر اناث، (۱) تن آن طفل و تعداد (۷۳۱) تن آن را طبقه ذکور تشکیل میدادند) بعد از طی مراحل قانونی اسناد هایشان از میدان هوایی مولانا جلال الدین بلخی به صوب میدان جده عربستان سعودی طی چند پرواز انتقال داد شد و بعد از ادای مراسم در مکه و مدینه مع الخیر بدون کدام حادثه و تلفات از میدان هوایی مدینه دوباره به وطن برگشت نمودند.

برنامه اوقافی: موازی (۵۰۰) جریب زمین واقع عسقلان این ولا غرض ایجاد قبرستان برای مردم شریف کندز تثبیت شد.

گزارش های ریاست ارشاد، حج و اوقاف ولایت نیمروز

۱. اشتراک نماینده این ریاست در جلسات هفته وار کمیسیون مبارزه با فساد اداری تحت ریاست مقام محترم ولایت نیمروز.
۲. اشتراک جمعی از علمای کرام در جلسه تجلیل از هفته شهید.
۳. ترتیب و ارسال اسناد ۵۴ تن از علمای کرام پس از اخذ امتحان رقابتی از طریق پروسه اصلاحات اداری جهت اخذ منظوری به مقام محترم وزارت.
۴. اشتراک ریاست در جلسه مورخ ۱۳۹۷/۶/۲۵ کمیته سواد آموزی تحت اثر مقام محترم ولایت.
۵. اشتراک در جلسه ماهوار کمیسیون مبارزه با مواد مخدر به ریاست مقام محترم ولایت نیمروز.
۶. دیدار جمعی از علمای کرام با رئیس محترم دفتر کمیسیون انتخابات، بحث و ارایه نظرات جهت شفافیت سازی و برگذاری انتخابات در فضای امن و تشویق مردم به اشتراک در این پروسه ملی.
۷. نصب پیام های ارشادی پیرامون رشوت و جزای آن از دیدگاه شریعت اسلامی و بازگشایی صندوق سمع شکایات با حضور داشت اعضای محترم کمیته رسیدگی به شکایات.

گزارش های ریاست ارشاد، حج و اوقاف ولایت سرپل

- تعیین خطبه های نماز جمعه در مواردی چون اضرار مواد مخدر، گرامیداشت از شهدای وطن، پرداخت عشر و زکات، آموزش سواد از نظر اسلام، وحدت و حمایت از حکومت ملی و نیرو های امنیتی، فضیلت عید سعید اضحی و شرایط قربانی، ضرورت پرداخت مالیات و همکاری مردم برای تطبیق واکسین، اهمیت نماز جمعه و حمایت از نیرو های دفاعی، فضیلت شبهای رمضان و شب قدر، موضوع عاشورا و شهادت امام حسین و یارانش.
- اشتراک در محافل حمایت از خیزش های مردمی، محفل روز شهید، گرامیداشت از قربانیان تروریزم و استرداد استقلال کشور، بزرگ داشت از تغذیه با شیر مادر، اشتراک (۵۰) تن از علماء در قوماندانی امنیه، و اشتراک در جلسات صحت باروری به صحت عامه. اشتراک در جلسه ی تقدیر از علمایی که پیرامون صلح به عربستان سعودی رفته بودند.

در بخش اطلاعات و ارتباط عامه

- تدویر میز گرد در مورد قضایای عاشورا و اهمیت آن در جوامع اسلامی با اشتراک علمای جید این ولایت.
- اخذ گزارش های ربع وار مدیریت های مربوط این ریاست و ارسال به مراجع مربوط.

در بخش اوقاف

- ۱- سعی و تلاش در جهت به دست آوردن املاکات وقفی از طریق قانون و شعبات ذیربط به صورت دوما دار.
- ۲- جمع آوری عواید دکاکین، اجاره زمینهای دولتی، غرفه ها و دیک زیارت و تحویل پول آن به د افغانستان بانک.

برنامه اداری و مالی

- ۱- طی مراحل و شروع کار ترمیم چهار محراب مسجد شریف به نام های مسجد خطیب آباد، مسجد جنگل باغ، مسجد قرغان تپه، مسجد حضرت محمدرسول الله (ص) که کار شان در شروع تکمیل شدن قرار دارد.
- ۲- اعلان و ارزیابی (۳۱) بست ملاامان و خطبای مرکز و ولسوالی های ولایت سرپل.

د خوست ولایت د ارشاد ، حج او اوقافو ریاست راپور

د ارشاد په برخه

- ۱- د روان کال د ولسی جرگی او ولسوالیو شوراگانو د انتخاباتو اهمیت د اسلام له نظره دمساجدود ممبر له لاری د غونډه، جلساتو او رسانیو له لاری بیان شویډی، او دصلاح مقام د فرامینو، مصوبو او هدایتو له مخی ارشادی مسایل د ممبر، غونډو، جلساتو او رسانیو



څخه عامه پوهاوی شویډی.

۲- د خوست ولایت د ارشاد حج او اوقافو ریاست د انکشافی بودجی په برخه کې (۸۱۱۹۴۷۰) افغانیو په مالی لگښت د مساجدو پروژې ۱۳۹۷ مالی کال د سنبلې میاشتی تراخري نیټې پوری تکمیل او گټی اخستنی اماده دی چه گټی اخستنی ته به وسپارل شی.

۳- د حفظ او مراقبت د بودجی څخه د (۴۵۴۶۸۱۸) افغانیو په مالی لگښت د مساجدو د ترمیم پروژې قرارداد لاسلیک شوی او کارونه یې جریان لری.

۴- د ۱۳۹۷ مالی کال د وسط بودجی څخه د (۱۶۷۸۰۶۸) افغانیو په مالی لگښت مساجد منار پروژې قرار داد شوی کار یې عملاً جریان لری .

۵- د احتساب مدیریت په برخه کې د (۲۱) تعویذگرو څخه تعهدات اخیستل شوی دی او ددوی فعالیتونه څخه په مرکزاو ولسوالیو کې نظارت کیږی.

۶- د (۵) تعویذ گرو چې خپل کار یې د تجارت په شکل کولو دوکانونه مهړلاک او کتابونه او نور لوازم یې تری ضبط کړل شویډی .

د حج او زیارت برنامه

۱- د خوست د ارشاد، حج او اوقافو ریاست څخه د ۱۳۹۷ کال حج ته تلوونکی حجاج (۵۵۵) نفره وه، چه له دغی جملی څخه (۸) نفره د ولایتی شورا، (۱۲) نفره ناظمین او (۱۵) نفره دمختلفو ادارو څخه معرفی شوه، چه له دغی جملی څخه یوه بی بی حاجی په مکه معظمه کې وفات شوه.

۲- د خوست ولایت د ارشاد حج او اوقافو ریاست د حج تلوونکو حجاجو د داخلیدو څخه ترلاس شوی عواید (۱۴۱۱۸۵۵) دی.

د اوقافو برنامه

۱- د خوست ولایت د ارشاد، حج او اوقافو ریاست اړوند (۵۶) بابو دوکانونه لری.

۲- د ۱۳۹۷ کال لپاره د ارشاد، حج او اوقافو ریاست اړونده دوکانونو ته د وزارت محترم مقام لخوا رالیږل شوی د قرارداد خط مطابق د هر دوکاندار سره یو کلن قرارداد امضاء چه ولایت محترم مقام تایید او دمنظوری لپاره محترم وزارت ته لیږل شوی دی.

۳- د هر کال په سر کې د ولایت مقام په هدایت د منتخب هیئت په حضور داشت کې ذکر شویو دوکانونو لپاره کلنی کرایه تعیین کړیده، نو په همدی اساس ۱۳۹۷ کال په کرایه کې ۳۰٪ فیصده زیاتوالی راغلی دی چه جمله (۲۳۷۶۳۶۰) افغانی عواید کیږي ، چه په ۱۳۹۶ کال کې دغه عواید (۴۴۵۵۶۰) افغانی وه.

د ادارې برنامه

۱- د ارشاد حج او اوقافو ریاست اړونده کمیو د ملاامامانو، خطیبانو او خدماتی کارکوونکو بستونه د اصلاحات ادارې او ملکي خدماتونو د پالیسی سره څو ځله د خوست د محلی رادیوکانو، تلویزیون او روزنامو څخه اعلان شوي، چه په دغه روان کال کې د (۲۲) نفرو ملاامانو څخه آزمونه اخیستل شوی چه په نتیجه کې بریالی اعلان شوی دی ، او ورسته د (۱۷) نفرو ملاامانو اسناد محترم وزارت ته لیږل شویډی چه ذکر شویو ملاامانو منظوری شویده اوپاتی نوره په جریان کې دی، او د خدماتی کارکوونکو په برخه کې دوه نفره د خدماتی کارکوونکی استخدام شویډی.

۲- (۱۵) نفره ملاامان او خطیبان د انسانی قاجاق په مورد دری ورځنی ورکشاپ ته ور معرفی کړیدی چه د ارشاد حج او اوقافو ریاست کې د (FRD) موسس لخوا جوړ شوی وه.

۳- (۱۲۵۰) فوټه اصلی پاکستانی جای نمازونه په مقابل د (۵۰۰۰۰) افغانی د مساجدو لپاره خریداری شوی.

گزارشهای برج اسد و سنبه ریاست ارشاد، حج و اوقاف ولایت بامیان

در بخش مدیریت عمومی مساجد

• در (۱۷) مرکزیت نماز جمعه در مرکز این ولایت و ولسوالی های مربوط درباره اهمیت صلح و امنیت از دیدگاه اسلام، حرام بودن فساد اداری و فساد اخلاقی، حرام بودن قتل و کشتار انسان های بیگناه، اهمیت تغذیه طفل با شیر مادر از نظر اسلام، همکاری مردم با نیرو های امنیتی جهت تامین امنیت، فضیلت قربانی و آداب آن و ثواب قربانی در روز عید سعید قربان تعیین و بواسطه خطبا و امامان مساجد ابلاغ گردید.

• دو نفر ملام امام محترم محمد فاضل " کاشفی " ملا امام مسجد زرد سنگ در محبس عمومی و محترم مولوی عزت الله ملا امام مسجد خالد بن ولید در مرکز اصلاح و تربیه اطفال جهت تدریس آموزه های دینی و اخلاقی به مدت یک ربع معرفی گردیدند.

• به تاریخ ۱۳۹۷/۵/۱۵ مدیریت عمومی مساجد و ملاامان مساجد و ملاامان رسمی این ریاست در حشر عمومی داخل شهر بامیان سهم گرفتند و باتبلیغات مفید شان مردم را توصیه به حفاظت محیط زیست شان نمودند.

در بخش اوقافی

• بررسی (۳۰) اصله درخت و به مساحت (۵) بسوه زمین که تحت دعوا بین عبدالحمید و این ریاست جریان داشته، موضوع به نفع اوقاف فیصله گردید.



در بخش نشرات و تبلیغات

• در بخش بحث های علمی با هماهنگی ۱۷ نفر از خطبای جمعه و جماعت و کمیسیون مبارزه با مفاسد اخلاقی جهت نشر و تبلیغ و مبارزه با مفاسد اخلاقی و فساد اداری با موافقت رادیو محلی جهت نشر آن بحث های علمی مبارزه با فساد اخلاقی. منابر ۴ مورد از طریق رادیو محلی به طور هفته وار صورت گرفت.

• تعداد (۳۵) نفر مراجعین مطالعه کننده کتابهای مورد نیاز شان را دریافت و بعد از مدت معین به کتاب خانه جمع آوری شد. **آمریت ارشاد**

• در بخش (موضوعات خاص نماز جمعه) در (۱۷) مرکزیت این ولایت در باره اضرار قاچاق و کشت و استفاده مواد مخدر، حرام بودن انتحار که از نظر اسلام از گناهان کبیره محسوب می شود به واسطه ملامان و خطباء مساجد ابلاغ شد.

• در بخش (امورات امنیتی) به تاریخ ۱۳۹۷/۶/۲۲ در قومندانی امنیه این ولایت به تعداد (۴۲) نفر از ملامان و خطباء جلسه امنیتی تدویر گردید که در آن جلسه تاکید شد، علما مردم را به همکاری با نیروهای امنیتی در تامین امنیت ترغیب و تشویق نمایند.

• در بخش (تعاون و همکاری با اجتماع) در دو نوبت به تاریخ ۲۲ و ۱۳۹۷/۶/۲۹ به همه خطباء و امامان مساجد کتباً عنوان داده شد طبق هدایت مقام محترم وزارت که اغنیا و ثروتمندان را تشویق و ترغیب نمایند تا وجوه اسلامی و عشر و زکات خویش را به فقراء به شکل دوام دار کمک نمایند.

مدیریت اوقاف

مبلغ (۵۱۲۴) افغانی عواید صندوق اعانه مزار میر هاشم آغا تحویل د افغانستان بانک گردید.

مدیریت اطلاعات و ارتباط عامه

• در بخش بحث های علمی با هماهنگی ۱۷ نفر از خطبا جمعه و جماعت و کمیسیون مبارزه با مفاسد اخلاقی و با موافقت رادیو محلی جهت نشر آن بحث های علمی و مبارزه با فساد اخلاقی، فساد اداری از طریق منابر مساجد و (۱۵) مورد از طریق رادیو محلی به طور روزانه و دهه عاشورا صورت گرفت.

در بخش انگشافی

اعمار شش باب تشناب در ولسوالی ورس از بودجه انگشافی سال ۱۳۹۷ به مبلغ (۸۹۵۱۳۳) افغانی که ۱۰۰٪ کار آن به پایه اکمال رسیده است.

در بخش اوقاف

• عواید اوقافی شش ماه اول سال خورشیدی ۱۳۹۷ مبلغ (۳۵۰۲۵) افغانی تحویل د افغانستان بانک گردید.
• بررسی از حفاری از مزار خواجه مستک در ولسوالی کهمرد به تاریخ ۱۳۹۷/۶/۱۴ توسط هیئت ترکیبی صورت گرفت.
• صندوق اعانه مزار بند امیر ولسوالی یکاولنگ، صندوق اعانه مزار هاشم، صندوق اعانه مزار میر سید علی و به بیست و چهار متر مربع تهجایی غرفه داخل محاطه مزار میر هاشم در سال ۱۳۹۷ همراهی مستاجر عقد قرار صورت گرفته است.

در بخش پروسه حج

• اعزام (۴۱۶) نفر متقاضیان حج به بیت الله شریف در سال ۱۳۹۷ به اساس سهمیه بندی.

در بخش ارشاد

• برگزاری کنفرانس بازتاب فعالیت های ملامان مساجد در رابطه با منع و کاهش خشونت علیه زنان به تعداد ۱۰۰ تن از علماء مرکز و ولسوالی ها.



• ترمیم (۵) محراب مسجد: مسجد شریف بابا شیخ، مسجد حلوا قول، مسجد دره علی، مسجد شهرنو ولسوالی ورس، مسجد عیدگاه مرکز و مسجد امام مهدی جگره خیل.



• تدویر (۴۵) برنامه آگاهی دهی از طریق ائمه مساجد در رابطه با منع خشونت حقوق زن از دیدگاه اسلام.



گزارش های ریاست ارشاد، حج و اوقاف ولایت غور

به تاریخ ۱۳۹۷/۴/۱۱ محفل بزرگ بمناسبت هفته بسیج ملی، مبارزه علیه مواد مخدر از طرف ریاست مبارزه علیه مواد مخدر با همکاری ریاست ارشاد، حج و اوقاف در سالون کنفرانس های مقام ولایت تحت شهر فیروزکوه به اشتراک تعداد سه صد نفر بشمول علمای کرام، خطباء و امامان مساجد بزرگان و متنفذین، اعم از ذکور و اناث تجلیل و گرامی داشت به عمل آمد. و نیز اضرار مواد مخدر از نظر اسلام از طریق منابر مساجد و خطبه های نماز جمعه به آگاهی عامه رسانیده شده است.



گزارش های ریاست ارشاد، حج و اوقاف ولایت دایکندی بابت برج اسد و سنبله سال ۱۳۹۷

- برای تعداد (۵۱۰۶) نفر درباره موضوعات ذیل: تشویق مردم به حفظ ارزشهای اسلامی، آگاهی ساختن مردم از اضرار مواد مخدر و مسایل مربوط به اعتیاد، روش تربیه سالم فرزندان، حمایت از نیروهای امنیتی و برقراری صلح، تبیین و تشریح عوامل فساد اخلاقی و پیامد های ناگوار آن در جامعه، مسؤولیت های دینی و فردی نسبت به مبارزه با مجموع فساد، تقبیح اختطاف و قاچاق انسان، اهمیت تاثیر شیر مادر بالای اطفال، تبیین ارزش و رعایت حجاب، از طریق منابر مساجد در سطح ولایت آگاهی داده شده است.
- به منظور تثبیت آمار و ارقام دقیق مساجد و دیتابیس سازی مؤثق به تعداد (۹۹۴) محراب مسجد و به تعداد (۱۳۳۹) باب حسینیه ها و (۸۴۵) نفر از علما و کارمندان امور دینی از سطح ولایت دایکندی در آمریت ارشاد و مدیریت مساجد، دیتابیس گردیده است.
- یک مقاله پیرامون (نگاهی به فساد اداری) توسط مدیر اطلاعات و ارتباط عامه ترتیب و در شماره (۳۷) تاریخ ۱۳۹۷/۵/۲۱ هفته نامه فریاد دایکندی با تیراژ (۱۰۰۰) نسخه منتشر گردیده که در این مقاله نیز فساد اداری، عوامل، پیامد ها و راهکار های مبارزه با فساد اداری با یک رویکرد دینی توضیح و تشریح گردیده است.
- بنا به هدایت مقام محترم ولایت جلسه ای هماهنگی و مشورتی در رابطه به برگزاری مراسم دهه عاشورای حسینی^(ع) به هدف تامین امنیت مساجد و تکایا و سازماندهی محافل تبلیغاتی دهه محرم با اشتراک اعضای محترم شورای علما، اعضای شورای محترم ولایتی، ریاست محترم امنیت ملی و قومندانی محترم امنیه در دفتر کار مقام محترم ولایت برگزار شده ومصوبات جلسه به ائمه مساجد تکثیر گردید.
- در جلسه ای که به مناسبت تجلیل از سالروز شهادت قهرمان ملی کشور احمد شاه مسعود و هفته شهید در دفتر کاری مقام محترم ولایت تدویر گردیده بود به حیث سرپرست اداره و عضو جلسه فرهنگی دینی شرکت صورت گرفت.
- به تاریخ ۱۳۹۷/۶/۴ محمد علی (رحمانی) آمر ارشاد در موضوعات: آگاهی دهی حقوق زنان از منظر اسلام و مکلفیت های متقابل زنان، نوعیت حقوق زنان و مردان، کارکرد ریاست ارشاد، حج و اوقاف چگونگی راه رسیدن به حقوق فطری و طبیعی زنان و مردان از طریق رادیو صدای دایکندی برای مردم آگاهی داده و ارشاد کرده است.
- به منظور سازمان دهی تبلیغات و ارشادات وسیع، محترم محمد طاهر (عالمی) ملا امام مسجد رسالت، به محبس دایکندی معرفی و هفته دو روز برای محبوسین در محبس، عقاید، احکام و اخلاق اسلامی رابه شکل مداوم، تدریس می نماید.
- هدایات واصله از مقام ولایت دایکندی پیرامون ترویج پول افغانی و استفاده درست آن هنگام داد و ستد و معاملات، طی مکتوب رسمی به تمام مدیریت های ارشاد، حج و اوقاف ولسوالی ها و امامان مساجد مرکز، موضوع تکثیر گردیده و خواسته شده است تا برای مردم آگاهی لازم را بدهند.
- جلسه اداری ولایت دایکندی و تقاضای ریاست حفاظت محیط زیست دایکندی به تمام ملاامان ولایت دایکندی هدایت داده شده است تا در ایام محرم الحرام پیرامون موارد حمایت از معارف، حمایت از نیروهای امنیتی، رعایت مسایل محیط زیستی و حمایت از صلح در مساجد و تکایا برای مردم با استناد از آیات قرآن و احادیث نبوی تبلیغ نمایند.

د هلمند ولایت د ارشاد حج او اوقافو د ریاست میاشتنی راپور

د اجراییه مدیریت په برخه

- د(۴) دریم رتبه بستونو د استخدام په موخه د رادیو تلویزیون محترم آمریت ته دوه ځله اعلان شوی دی اوخلکو درخواستی راوړی دی.
- د ټولو اسنادو لپاره په هارد او سافټ ډول فایلینګ سیستم جوړ شوی دی او روزمره استفاده ورڅخه کېږي.

د عامه اړیکو د مدیریت په برخه

- ✓ د مهاجرو د قاچاق د مخنیوی په هکله په دایره شوی غونډه کې کېږون وشو او همدارنګه د عدلیه په ریاست کې د سکتوری غونډو کې کېږون شوی دی.
- ✓ د عامی روغتیا په ریاست کې د پولیو د واکسین په هکله غونډه دایره شوی وه او همدارنګه د ریاست په داخل کې په اداري غونډه کې کېږون شوی دی.

د اسلامی تعلیماتو د مدیریت په برخه

- ✓ په مجموع کې په (۳) دایرو شوو غونډو کې کېږون شوی دی چې پر مختلفو موضوعاتو مشتملی وی او همدارنګه د زیاتو مدارسو څخه د کنترول او نظارت په موخه لیدنه شوی ده .

د ارشاد برنامہ

- ✓ (۴) ځله علمای کرام د رادیو تلویزیون محترم آمریت ته پر مختلفو موضوعاتو د بحث او عامه پوهاوی لپاره معرفي شوی دی او



همدارنگه د محمود افغان ساختمانی شرکت د جرمی د تمديد په هکله مکتوب او ورسره ضم کاپیانی دتفتیش ریاست ته ولېږل شول.

✓ په مجموع کی ددی ریاست ټول علمای کرامو په (۳) مختلفو فاتحو کی گډون کړی دی او همدارنگه د شهیدانو د ورځی په مناسبت په مرکزی جامع جومات کی د قرآن عظیم الشان ختم شوی دی.

✓ په مجموع کښی (۵) دایرو شوو ته علمای کرام د عامه پوهاوی په خاطر معرفتی شوی دی چې دوی یې د ولایت د محترم مقام په تالار کې د کالدارو پربندیو او ښځو او کوچینیانو پرخشونت او یوه د امنیتي ځواکونو د ملاتړ په موخه په فرهنګی مرکز کی دایر شوی وی او دوی جلسی د ریاست په داخل کې دایری شوی دی، او همدارنگه د (۴۰) جامع گانو لیست د اختر د لمانځه د ادایي په موخه ترتیب او د ولایت د محترم مقام تر منظوری وروسته په کې د اختر لمونځ ادا شو.

د حج او زیارت برنامه

✓ د ۱۳۹۷ کال د حجاج د عرفات غونډی فرضیه د معلیمینو په شمول ادا کړی ده او همدارنگه وروسته تر فرضیاتو درسی حلقات جوړ شوی دی.

✓ د ۱۳۹۷ کال حجاج وروسته تر درسی حلقاتو د مدینې منورې په لور ترحیل کړی دی.

د اوقافو برنامه

✓ د موقت غرقو او آفتاب نشینانو له درکه (۶۲۰۰۰) افغانی کرایه په دی میاشت کې راټوله شوی او وروسته د وزارت حساب ته د افغانستان بانک له لاری جمع شوی دی.

✓ (۶) دوسیه چې د هدیرو د غصب په هکله وی د استئناف څارنوالی محترم مقام ته د بعدی اجراتو په خاطر لېږل شوی دی. او همدارنگه د عینک د قبرستان د غصب موضوع د عدلی د ریاست له طریقه په جریان کی ده.

✓ د اوقافی ساحو څخه نظارت او کنترول شوی دی ترڅو د غصب څخه یی مخه ونیول شی.

✓ د نهر سراج ولسوالی د (۵۵) بابه دکانونو د قراردادونو موضوع د وزارت محترم مقام ته مکتوب شوی ده او د هدایت غوښتونکی شوی یو.

✓ د ۱۳۹۷/۵/۱۷ د چهارشنبی په ورځ د هلمند ولایت په ولایتی دفتر د هلمند ولایت د محترم والی په مشرۍ د انسانانو د قاچاق خصوصاً د مهاجرینو د قاچاق د مخنیوی په خاطر د دوی اداری مسول څخه د خپل مسولیت مطابق معلومات وغوښتل او غونډه په دعا سره پای ته ورسیدل.

✓ د ۱۳۹۷/۵/۲۵ د عامی روغتیا په ریاست د همېږنی پوه پراخه غنډه جوړه شول چې پدی غنډه کې د قران عظیم الشان څو مبارک آیتونه تلاوت شول او بیا مسولو ډاکترانو د صحت په هکله او د مور او ماشوم د مړینی او د پولیو د واکسین د ښه تطبیق پر خاطر یونسف د نماینده د براک مؤسسی نماینده د عامه اړیکو د لوی مدیر د ارشاد، حج او اوقافو نماینده برخه اخیستی وه او غنډه په دعایه سره پای ته ورسیدل.

✓ او هم پدی ورځ د هلمند ولایت د امنیه لوی قوماندانی په انګر کې نظامی پریټ ترسره شو چې پدی کې د ارشاد، حج او اوقافو نماینده هم برخه واخیستل.

✓ د ۱۳۹۷/۴/۲۲ د پولیو د واکسین د ښه تطبیق پخاطر د هلمند ولایت په تالار کې د عامی روغتیا رئیس ډاکتر امین الله عابد په مشرۍ د محترم والی تر سرپرستی لاندی جوړه شوی وه لمړی د قران عظیم الشان څو مبارک آیتونو تلاوت شول او بیا ټولو ذیدخله مسولینو خپلی با اندیشه ویناوی گډون والوته واورولی او غنډه په دعایه سره پای ته ورسیدل.

✓ د ۱۳۹۷/۶/۱۲ د دوشنبی ورځ د ارشاد، حج او اوقاف په ریاست کې د دی ریاست د سرپرست الحاج محمد امان صافی په مشرۍ د ریاست په مقر کې یوه غنډه جوړه شول او لمړی د قران عظیم الشان څو مبارک آیتونه تلاوت شول او وروسته د سرپرست لخوا د مواد مخدر د منعه کیدو په خاطر د علمای کرامو څخه وغوښتل چې خپله همکاري وکړی.

✓ د ۱۳۹۷/۶/۱۴ د ارشاد، حج او اوقاف په ریاست کې ددی ریاست دسرپرست په مشرۍ یوه اداری غنډه جوړه شول لمړی دقرآن عظیم الشان څو مبارک آیتونه تلاوت شول او وروسته د سرپرست الحاج محمد امان صافی لخوا د ښځو د تاوتریخوالی پر ضد عمومی ټولو وطنوالو ته د پوهاوی د مساجدو منابروله لاری دمجالسو او محافلو له لاری تبلیغات وشي د ښځو پر ضد تاوتریخوالی باید ورک شي.



گزارش های ریاست ارشاد، حج و اوقاف ولایت بلخ

مدیریت عمومی اوقاف و عشر و زکات ریاست توانسته است که در برج جوزا سال ۱۳۹۷ برویت (۸) قطعه کاپی آویز بانکی که جمعاً (۴۶۳۹۸۰) افغانی از درک کرایه داکاین مارکیت لیلامی فروشی و اجاره خاروخس زمین زیارت خواجه کاکلدار ولسوالی کلدار را به دست آورده که توسط مستاجرین تحویل بانک و به مرکز انتقال گردید.

مدیریت عمومی اوقاف و عشر و زکات توانسته است که در ربع دوم سال مالی ۱۳۹۷ برویت (۱۶) قطعه کاپی آویز بانکی که جمعاً مبلغ (۵۳۴۹۰۱) افغانی عواید ملکیت های وقفی داکاین مارکیت لیلامی فروشی، اجاره زمین زیارت خواجه کاکلدار ولسوالی کلدار و باقیات مستاجرین اوقافی ولسوالی خلم از بابت سال مالی ۱۳۹۶ را بدست آورده که توسط اوقاف تحویل بانک و به مرکز انتقال گردیده است.

د ننگرهار ولايت د ارشاد، حج او اوقافو رياست د ۱۳۹۷ کال د شپږمياشتو کاري راپور

د ارشاد دعوت او مساجدو عمومي مديريت په برخه

• په تېرو شپږو مياشتو کې علماؤ او خطبای کرامو ته خطبې ویشل شوی دی چې اکثره موضوعات په لاندې ډول دي. (صلح د اسلام له نظره، امنیت د اسلام له نظره، د ماشومانو حفظ الصحة د اسلام له نظره، د انسان قاچاق د اسلام له نظره، واکسین تطبیق، والدین حقوق، د ښځو حقوق د اسلام له نظره، د ماشومانو حقوق د اسلام له نظره، په ملی ځواکونو باندې د خلکو اعتماد، ټاکنې د اسلام له نظره، د ګاونډي حقوق د اسلام له نظره، په مخدر موادو ککړ متادینو سره همکاري او دهغې اعلاج کول د اسلام له نظره، د موادو مخدر کشت، قاچاق او استعمال د اسلام له نظره، د فحشاء مخنیوی د اسلام له نظره، په ماشومانو باندې شاقه کارونه کول او دهغې بدې پایلې، د دولت او قومونو ترمنځ واټن کمول).

- څلور محرابه مساجدو افتتاح شوی چې دوه د حمایت از افغان ها د خپریه موسسې لخوا جوړ او دوه نور د بشري ټولنې (HAS) خپره موسسې لخوا جوړ شوی چې یو یې په مرکز څلورمه ناحیه دوه یې د بهسود په ولسوالۍ کې او یو یې د کوشی په ولسوالۍ کې جوړ شوی.
- ددی مدیریت کارکونکي وخت په وخت د مساجدو نظارت ترسره کړی او د مسجد امام ته د مسجد د حفاظت په هکله وینا شویده.
- (۱۳۰) عریض دمساجدوعریاض دمساجدو دترمیم او اعمارلپاره اخستل شوی اومریوطه مراجیعو ته بعدی اجراتو په خاطر استول شوی.
- (۳۰) تنه علماء کرام هغه سیمینار ته معرفي شوی کوم چې د ماشومانو د حفظ الصحة په رابطه په سپین غره وتل کې جوړ شوی وو.
- ۱۹ مدارس لپاره وزارت مقام لخوا جواز اخستل شویدي.
- ۱۰۱ مدارس ثبت او راجسټر شویدي.
- ۴۱ مدارسو څخه لیدنه ترسره شوی په مرکز او ولسوالیو کې.

د احتساب عمومي مديريت په برخه کې

- احتساب عمومي مدیر د قباء جامع مسجد کې د جمعی ورځې په یو لوی محضر کې د پخوانی جاهلیت د وختونو رسوماتو په هکله خصوصاً د حیواناتو او پرندگانو جنگولو په مذمت کې تبلیغ او بیان وشو.
- د احتساب عمومي مدیر چې داختر ورځ وه دصلحې او د امن په مورد کې هیواد والو دلمانځو ګډون والو ته دصلحې فواید او اهمیت بیان شو.
- د احتساب عمومي مدیر د کمیسیون سره یوځای د تلاشی چوک زیرزمینی کمپیوترونه د مسلکي کسانو په واسطه چک کړل شو الحمدلله څه پکې پیدا نشو.
- د احتساب عمومي مدیریت په مشرۍ مختلفو ارګانونو په همکاري چې د ولایت مقام لخوا کوم کمیسیون جوړ شوی په میاشت کې دوه ځلې د جلال آباد ښار څخه لیدنه ترسره کوی چې کوم ځای کې اخلاقي فساد ولیدل شي توصیه ورته کوی او اخطار ورکوی چې آینده داسې کړنه ترسره نشي چې په تېرو شپږو مياشتو کې ګڼ شمیر لاس ته راوړنی لری.

د اوقافو عمومي مديريت په برخه

- ۱- په تېرو شپږو مياشتو کې د کامی ولسوالۍ د عیدګاه مسجد د اعمار چاری خلاصی شوی او ګټی اخیستنی ته سپارل شوی.
- ۲- همدارنګه د سره رود ولسوالۍ د نعمان بن ثابت مسجد د اعمار چاری خلاصی شوی.
- ۳- په شپږو مياشتو کې مو (۱۷۸۸۸۹۸) افغانی عواید جمع شوی.
- ۴- د حمل میاشتی عواید (۳۰۵۰۹۱) افغانی او دثور میاشتی عواید (۴۳۴۵۳۱) افغانی او دجوزا میاشتی عواید (۶۵۶۱۰۸) افغانی او دسرطان میاشتی عواید (۲۹۳۱۶۸) افغانی او د اسد او سنبلې د میاشتو صورت حساب ندی راغلی.

د اطلاعاتو او عامه اړیکو مديريت په برخه

- ۱- په تېرو شپږو مياشتو کې د جلال اباد ښار د کتاب فروشی اسحاق زی مارکیت څخه لیدنه او کنترول شوی د دولت ضد او اسلام خلاف کوم کتاب یا مجله پکې نده موندل شوی.
- ۲- د ننگرهار ولایت ټولی رسانی هره میاشت کنترول شوی.
- ۳- د ژورنالستانو پوښتنو ته د ارشاد حج او اوقافو وزارت او ریاست لایحې مطابق ځوابونه ورکول شویدي.
- ۴- د جلسو او پروګرامونو عکاسی شویده او دننگرهار ولایت ارشاد حج او اوقافو ریاست د اطلاعاتو او عامه اړیکو مدیریت فیسبوک صفحې څخه پخپل وخت نشر ته سپارل شویده.

گزارش های ریاست ارشاد، حج و اوقاف ولایت هرات

ترتیب پلانهای تبلیغی هر هفته توسط مدیریت اطلاعات و ارتباط عامه برای خطباء کرام و ارسال نقل آن به تلویزیون ملی جهت نشر:

هفته اول: راجع به پیروی و تمسک به سنت رسول گرامی اسلام(ص) و پیروی از دساتیر نجات بخش ایشان.



تدویر محافل، جلسات بمناسبت های مختلف و اشتراک مدیریت اطلاعات و ارتباط عامه در جلسات، محافل و سمینار های که از طرف نهاد های دولتی و غیر دولتی دائر گردیده است:

اشتراک در جلسه کمیته ولایتی راجع به تطبیق واکسین و همکاری ارگانهای زیربسط در بخش صحت، آگاهی دهی از طریق مساجد و منابر برای والدین و اولیای اطفال توسط ریاست ارشاد، حج و اوقاف.

تدویر محفل هفته فهم سیرت النبی(ص) در غرب پارک استدیوم ورزشی از طرف ریاست ارشاد، حج و اوقاف برگزار گردید در این محفل بر علاوه از علمای کرام، طلاب مدارس، شاگردان دارالحفاظها از تمام اقشار جامعه ذکور و اناث پانزده ناحیه شهر و ولسوالیهای نزدیک شرکت نمودند محترم آقا شیرزادی رئیس ارشاد، حج و اوقاف راجع به پیروی از سیره حسنه پیامبر بزرگوار اسلام (ص) از شروع میلاد النبی اکرم(ص) تابعثت، از بعثت الی هجرت، و از هجرت الی رحلت صحبتهای همه جانبه نمودند که مورد استقبال تمام شهروندان هرات قرار گرفت.

۲- اشتراک در جلسه اضطراری کمیسیون منع خشونت علیه زنان بریاست امور زنان بخاطر بررسی علت و عوامل خشونت و راهکارهای جهت کاهش خشونت با حضور داشت هیئتی از مرکزکشور و بحث روی چگونگی کارکرد کمیسیون ولایتی و گزارش از کارکرد این ریاست در شش ماه گذشته.

ورکشاپها

۱- ورکشاپ دو روزه راجع به منع آزار و اذیت زنان از طرف ریاست امور زنان و کمیسیون منع خشونت به همکاری دفتر ندای زنان دائر گردید، در این ورکشاپ گفتمان روی کاهش آزار و اذیت زنان و تشکیل کمیته های منع آزار و اذیت در ادارات دولتی و مسؤولیت کمیته ها بحث و گفتمان صورت گرفت.

۲- اشتراک در ورکشاپ دو روزه که ازطرف دفتر اویک به همکاری مدیریت اطلاعات و به هماهنگی ریاست امور زنان در ولسوالی گزره که برای قریه داران، متنفدین، جوانان و علمای کرام صورت گرفت، بحث حقوق اقتصادی زنان از دیدگاه دین مقدس اسلام و قانون، جلوگیری از ازدواجهای اجباری برگزار گردید.

گزارش های ریاست ارشاد، حج و اوقاف ولایت جوزجان

برنامه ارشادی

۱- راجع به ارزش امر بالمعروف و نهی از منکر، محیط زیست، عدم تعرض به حریم خصوصی، منع خشونت علیه زنان، فساد اداری، حقوق اطفال، حقوق همسایه، حقوق والدین، اهمیت صلح امنیت در اسلام، اهمیت و فضیلت علم و دانش، تادیه عشر و زکات و پرداخت آن به مسئول جمع آوری عشر و زکات، اهمیت و ارزش سواد، حرمت خودکشی، مسایل ازدواج اجباری، حقوق زنان از نظر اسلام، جلوگیری از ترویج سحر و جادو و فال بینی، آموزش طریقه حج برای حجاج، تقبیح نمودن هر نوع تعصبات قومی، لسانی و نژادی در جلسات هفته وار برای خطبا و امامان مساجد وظیفه سپرده شده تا موضوعات فوق را از طریق منابر، مساجد، مدارس، حسینیه ها و سایر اجتماع ها برای مردم متدین و دین دوست بطور دوامدار ابلاغ نمایند.

۲- مسجد صغیره حضرت علی قریه نوآباد چر مگر خانه و مسجد شریف بی بی عایشه صدیقه قریه نوآباد سخی آباد از صغیره به جامع ارتفا داده شد.

۳- چهار محراب مسجد که از نعمت روشنائی برق محروم بود بعد از ابراز نظر یک یک پایه میتر برق سنگل فاز نصب و از روشنائی برق مستفید شدند.

۴- مسجد شریف مرحوم عبدالصمد صوفی واقع قریه بابہ علی و مسجد شریف یزدان بای واقع قریه یکہ باغ شبرغان غرض اعمار مجدد تهداب گذاری گردید.

برنامه اوقاف

۱- (۱۶۶۸۰۰) افغانی ازمدرك جايداد های وقفی بحساب خاص اوقاف تحویل بانک گردید.

۲- اسناد دو باب دکان ساحه مسجد جامع انقره علی شیر نوائی شهر شبرغان بعد از عقد قرارداد غرض منظوری بمقام محترم وزارت ارشاد، حج و اوقاف ارسال و تأییدی مقام محترم اخذ گردیده است.

۳- جدول تمام جايداد های وقفی غیر منقول و یک تخته زمین دولتی مربوط این اداره بریاست محترم اراضی ولایت جوزجان ارسال گردیده است.

